مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

جوسازی

آسیب‌شناسی نخبه‌ها و ورزشی‌ها در برابر جوسازی

حسین علی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحیم

جوسازی: آسیب شناسی ارزش ها و هنجارهای در برابر غوغا سالاری

نویسنده:

حسین علی زاهدی پور

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
جوسازی: آسیب شناسی ارزش ها و هنجارهای در برابر غوغا سالاری ----- ۱۳
مشخصات کتاب ----- ۱۳
اشاره ----- ۱۳
دیباچه ----- ۱۵
پیش گفتار ----- ۱۷
فصل اول: کلیات ----- ۲۰
اشاره ----- ۲۰
۱. اهمیت پژوهش ----- ۲۰
۲. پرسش اصلی پژوهش ----- ۲۲
۳. پرسش های فرعی پژوهش ----- ۲۲
۴. فرضیه های پژوهش ----- ۲۲
۵. اهداف پژوهش ----- ۲۳
۶. پیشینه پژوهش ----- ۲۴
۷. گستره پژوهش ----- ۲۴
۸. روش پژوهش ----- ۲۴
۹. چارچوب نظری ----- ۲۴
۱۰. مفهوم شناسی ----- ۲۶
اشاره ----- ۲۶
الف) ارزش ها ----- ۲۶
ب) هنجارهای جامعه اسلامی ----- ۲۹
ج) فشارهای هنجاری ----- ۳۱
د) جوسازی و غوغاسالاری ----- ۳۱
اشاره ----- ۳۱

یک ـ معادل های جوسازی و غوغاسالاری در متون دینی ۳۲
دو ـ دسته بندی جوسازی ۳۶
سه ـ جنبه های جوسازی ۳۸
فصل دوم: زمینه های فردی جوسازی و غوغاسالاری ۴۰
اشاره ۴۰
۱. حسادت ۴۱
۲. آشکارسازی ۴۳
۳. حفظ فردیت فردی ۴۴
۴. پیشینه موفقیت آمیز ۴۴
۵. حفظ موقعیت در گروه ۴۵
۶. احساس نیاز یا بی نیازی ۴۶
۷. نوع بینش ۴۷
۸. راحت طلبی و استقامت نورزیدن ۴۹
فصل سوم: زمینه ها و ابزارهای اجتماعی جوسازی و غوغاسالاری ۵۲
اشاره ۵۲
۱. اقتصادی ۵۲
اشاره ۵۲
الف) بی عدالتی ۵۲
اشاره ۵۲
یک ـ پی آمدهای بی عدالتی ۵۵
دو ـ دسته بندی بی عدالتی ۵۷
اشاره ۵۷
اول ـ نابرابری های بین المللی ۵۷
دوم ـ نابرابری های داخلی ۵۷
اشاره ۵۷
۱. نابرابری در کار ۵۷

۲. ثروت های بادآورده ---- ۵۹
۳. نابرابری در بهداشت ---- ۶۵
۴. نابرابری های اجتماعی ---- ۶۶
ب) ترویج فرهنگ مصرف گرایی ---- ۶۷
۲. فرهنگی ---- ۷۰
اشاره ---- ۷۰
الف) حمله به مقدسات ---- ۷۱
ب) ترویج پلورالیسم و تعدد قرائت ها ---- ۷۳
ج) بی اعتنایی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر ---- ۷۷
اشاره ---- ۷۷
یک _ تبیین جامعه شناختی امر به معروف و نهی از منکر ---- ۷۸
اشاره ---- ۷۸
اول _ امر به معروف و جامعه پذیری۱ دینی ---- ۷۸
دوم _ امر به معروف و کنترل اجتماعی۱ ---- ۷۹
اشاره ---- ۷۹
۱. کنترل رسمی ---- ۸۰
۲. کنترل غیر رسمی ---- ۸۰
دو _ پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر ---- ۸۲
اشاره ---- ۸۲
اول _ سلطه بدکاران ---- ۸۲
دوم _ فراموشی ارزش ها و هنجارها ---- ۸۳
سوم _ گسترش روحیه بی اعتنایی ---- ۸۴
چهارم _ قداست شکنی ارزش ها ---- ۸۴
پنجم _ عذاب الهی ---- ۸۵
د) از خودبیگانگی ---- ۸۷
اشاره ---- ۸۷

یک ـ ریشه های از خودبیگانگی ---------- ۸۹
اشاره ---------- ۸۹
اول ـ خود فراموشی ---------- ۸۹
دوم ـ فراموشی خدا ---------- ۹۰
دو ـ نمودهای از خودبیگانگی ---------- ۹۱
اشاره ---------- ۹۱
اول ـ فراموشی نمادهای فرهنگ خودی ---------- ۹۱
دوم ـ دوستی با دشمنان ---------- ۹۳
سوم ـ اعتماد نداشتن به توانایی ها ---------- ۹۶
سه ـ پی آمدهای از خودبیگانگی ---------- ۹۷
اشاره ---------- ۹۷
اول ـ زندگی ذلت بار ---------- ۹۷
دوم ـ غضب الهی ---------- ۹۷
سوم ـ انفعال و ذلت پذیری ---------- ۹۹
ه) تهاجم فرهنگی ---------- ۹۹
اشاره ---------- ۹۹
یک ـ ابزارهای تهاجم فرهنگی ---------- ۱۰۱
اشاره ---------- ۱۰۱
اول ـ استفاده از فن آوری ---------- ۱۰۱
دوم ـ ترویج افراطی گردشگری ---------- ۱۰۴
دو ـ عرصه های تهاجم فرهنگی ---------- ۱۰۴
اشاره ---------- ۱۰۴
اول ـ تضعیف نهاد خانواده ---------- ۱۰۴
دوم ـ گسترش ابتذال و اباحی گری در جامعه ---------- ۱۰۷
سوم ـ سرمایه گذاری نکردن برای ترویج ارزش های دینی ---------- ۱۱۰
سه ـ راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی ---------- ۱۱۰

اشاره ----- ۱۱۰
اول ــ معرفی فرهنگ غنی اسلام ----- ۱۱۲
دوم ــ آموزش و بسیج عمومی ----- ۱۱۳
سوم ــ پاسخ به شبهه ها ----- ۱۱۳
چهارم ــ مشارکت دادن جوانان در جلسه های دینی ----- ۱۱۴
پنجم ــ قاطعیت در برخورد با هنجارشکنان ----- ۱۱۵
و) تأکید بر آزادی های بی حد و مرز ----- ۱۱۶
اشاره ----- ۱۱۶
یک ــ پاسخ برون دینی ----- ۱۱۶
دو ــ پاسخ درون دینی ----- ۱۱۷
ز) نبود مقبولیت کافی در هنجارها ----- ۱۱۸
ح) القای ناسازگاری میان ارزش ها و منافع فردی ----- ۱۲۰
ط) ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش ها و دین ----- ۱۲۲
ی) ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی ----- ۱۲۳
ک) وابسته دانستن ناکامی ها به پیروی از ارزش ها و تعارض آن با دانش بشری ----- ۱۲۵
ل) ترویج بدعت و خرافه در لباس دین ----- ۱۲۶
اشاره ----- ۱۲۶
پی آمدهای بدعت ----- ۱۲۷
اشاره ----- ۱۲۷
۱. فراموشی ارزش های اصیل ----- ۱۲۷
۲. جای گزینی ارزش های ساختگی ----- ۱۲۸
۳. عذاب الهی ----- ۱۲۹
۴. تضعیف ارزش های دینی در عرصه بین المللی ----- ۱۳۱
م) الگوسازی کاذب در برابر الگوهای دینی ----- ۱۳۲
ن) معرفی تعصب دینی به عنوان واپس گرایی ----- ۱۳۴
س) در حاشیه قرار گرفتن دین ----- ۱۳۵

۳. سیاسی ---------- ۱۳۶
اشاره ---------- ۱۳۶
الف) احساس خطر از حاکمیت اسلام و ارزش های دینی ---------- ۱۳۶
اشاره ---------- ۱۳۶
یک _ سنگ اندازی در راه پیشرفت جامعه اسلامی ---------- ۱۳۹
دو _ تحریم انتخابات ---------- ۱۳۹
سه _ توسل به خشونت ---------- ۱۴۱
چهار _ سلطه سیاسی ---------- ۱۴۱
ب) تهاجم به روحانیت ---------- ۱۴۲
اشاره ---------- ۱۴۲
ابزارهای تهاجم به روحانیت ---------- ۱۴۲
اشاره ---------- ۱۴۲
۱. اتهام واپس گرایی ---------- ۱۴۳
۲. اتهام عوام زدگی و عوام فریبی ---------- ۱۴۴
۳. کاستن از نقش روحانیت ---------- ۱۴۵
۴. ترور شخصیت ها ---------- ۱۴۶
۵. انکار پیشینه تاریخی روحانیت ---------- ۱۴۶
۶. ترویج جدایی دین از سیاست ---------- ۱۴۷
ج) ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی ---------- ۱۴۸
د) تفرقه افکنی و ایجاد ناامیدی ---------- ۱۵۰
ه_) تخریب چهره افراد اثرگذار ---------- ۱۵۲
و) حادثه آفرینی ---------- ۱۵۳
ز) قدرت طلبی ---------- ۱۵۵
ح) ترویج تساهل و تسامح ---------- ۱۵۶
ط) تبلیغات روانی یا جنگ رسانه ای ---------- ۱۵۸
اشاره ---------- ۱۵۸

یک ــ جوسازی های داخلی ---------- ۱۵۸
دو ــ جوسازی های خارجی ---------- ۱۵۸
فصل چهارم: نقش حکومت اسلامی در پیش گیری از غوغاسالاری ---------- ۱۶۰
اشاره ---------- ۱۶۰
۱. آگاهی بخشی به افراد جامعه ---------- ۱۶۱
۲. جامعه پذیر کردن افراد در کودکی ---------- ۱۶۲
۳. تقویت زمینه های هم نوایی ---------- ۱۶۳
اشاره ---------- ۱۶۳
الف) تشویق افراد ارزشی ---------- ۱۶۳
ب) تنبیه و برخورد مناسب با هنجارشکنان ---------- ۱۶۵
۴. تقویت جایگاه رهبری در آموزش های کودکان ---------- ۱۶۶
۵. تأمین و تقویت عدالت اجتماعی ---------- ۱۶۷
۶. تقویت ابزارهای کنترل اجتماعی ---------- ۱۶۷
۷. آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی ---------- ۱۶۸
۸. شایسته سالاری ---------- ۱۶۸
۹. مدارا با جوسازان ---------- ۱۷۰
۱۰. اطلاع رسانی شفاف و اعتمادسازی ---------- ۱۷۰
۱۱. تقویت روحیه دشمن شناسی و دشمن ستیزی ---------- ۱۷۱
۱۲. تأمین امنیت ---------- ۱۷۲
فصل پنجم: همراه با برنامه سازان ---------- ۱۷۴
اشاره ---------- ۱۷۴
۱. نگاهی به رسانه صدا و سیما پس از انقلاب اسلامی ---------- ۱۷۴
۲. پیشنهادهای کلی ---------- ۱۷۶
اشاره ---------- ۱۷۶
الف) استفاده از کارشناسان متعهد ---------- ۱۷۶
ب) الگوآفرینی مناسب برای جوانان ---------- ۱۸۰

ج) حفظ و ترویج نمادهای دینی و ارزشی ----- ۱۸۰

اشاره ----- ۱۸۰

یک ـ نوع پوشش ----- ۱۸۲

دو ـ رعایت حریم میان زن و مرد ----- ۱۸۳

سه ـ نوع گفتار ----- ۱۸۵

چهار ـ پرهیز از ترویج باورهای باطل ----- ۱۸۶

د) ترویج روحیه قناعت ----- ۱۸۷

هـ) پرهیز از قومیت گرایی ----- ۱۸۸

و) تأکید بر مناسبت های دینی ----- ۱۸۹

ز) پرهیز از سکولاریزاسیون در فرهنگ سازی ----- ۱۸۹

۳. پیشنهادهای برنامه ای ----- ۱۹۰

اشاره ----- ۱۹۰

الف) ترسیم زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام ----- ۱۹۱

ب) نمایش زندگی شخصیت های مهم ----- ۱۹۲

ج) تبلیغ غیرمستقیم ----- ۱۹۲

د) ارتباط با نهادهای فرهنگی ----- ۱۹۴

هـ) تقویت جایگاه خانواده ----- ۱۹۴

و) تبیین نقاط ضعف الگوها و هنجارهای متعارض با هنجارهای دینی ----- ۱۹۶

ز) اختصاص بهترین زمان پخش برای برنامه های دینی ----- ۱۹۶

ح) ترسیم تصویری نامطلوب از هنجارشکنان ----- ۱۹۶

ط) پاسخ گویی به شبهه ها ----- ۱۹۶

۴. پرسش های مردمی ----- ۱۹۷

۵. پرسش های کارشناسی ----- ۱۹۸

کتاب نامه ----- ۲۰۰

درباره مرکز ----- ۲۱۰

جوسازی: آسیب شناسی ارزش ها و هنجارهای در برابر غوغا سالاری

مشخصات کتاب

سرشناسه : زاهدی پور، حسین علی، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور : جوسازی: آسیب شناسی ارزش ها و هنجارهای در برابر غوغا سالاری / حسین علی زاهدی پور ؛ به سفارش مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : تهران: دفتر عقل، ۱۳۸۵

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۱۰۹۷.

شابک : ۱۵۰۰۰ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۱۳-۵ :

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی توصیفی

یادداشت : کتابنامه : ص.[۲۰۳] - ۲۰۸ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۳۴۸۵۸

ص :۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

فرهنگ عمومی هر جامعه ای بر پایه ارزش های پذیرفته شده از سوی افراد آن شکل می گیرد. ارزش ها نیز هنجارهای خاصی را دارد. هر چه ارزش ها، باثبات تر، غنی تر و از پشتوانه دینی بیشتری برخوردار باشند، هنجارها نیز مقبولیت عمومی بیشتری خواهند داشت. در نتیجه، جامعه ای بانشاط، سالم و ارزشمند شکل می گیرد. در مقابل، اگر ارزش های یک جامعه از آرمان های بشری و مادی برخاسته باشد، نمی توان تحقق هنجارهای ارزشمند را انتظار داشت.

جامعه ایران، میراث دار دو فرهنگ کهن اسلامی و ملی است که به پشتوانه آن توانسته تمدنی سترگ و درخشان را پرچم داری کند. هر یک از این دو فرهنگ، ارزش ها و هنجارهای خاصی را ایجاب می کنند. البته با توجه به اصیل و وحیانی بودن ارزش های دینی، ارزش های ملّی آن گاه مورد پذیرش جامعه است که در تضاد با فرهنگ دینی و اسلامی نباشد.

وظیفه هر فرد مسلمان ایرانی آن است که به ارزش های دینی و ملّی خود ارج نهد و خود را با آن هم نوا کند و در راه گسترش و تعمیق آن بکوشد. در این صورت، تحقق یک جامعه مطلوب با فرهنگ دینی و ملّی را می توان انتظار داشت. در عین حال، ارزش های جامعه ایرانی به ویژه فرهنگ دینی از گذشته تا کنون با آسیب ها و تهدیدهایی روبه رو بوده است. پس از انقلاب اسلامی با حاکمیت دین در جامعه، آسیب ها و تهدیدهای یاد شده افزایش یافته که هدف آن، تهی ساختن بدنه فرهنگ جامعه از ارزش های دینی است. دشمن در این زمینه برای نابود ساختن یا کم رنگ کردن فرهنگ ارزشی جامعه از ابزارهای گوناگونی استفاده می کند و می کوشد دامنه

تهاجم خود را به تمام حوزه های فردی و خانوادگی و فرهنگ، اقتصاد و سیاست جامعه گسترش دهد. در این میان، رسانه ملّی که وظیفه نشر فرهنگ دینی را بر عهده دارد، باید بیش از گذشته در جهت نهادینه ساختن باورهای دینی تلاش کند. نخستین گام رسانه در این جهاد فرهنگی تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی در برنامه ها است. گام بعدی، کوشش روزافزون برای آسیب زدایی از برنامه های رسانه ای است.

پژوهش حاضر در صدد آشنا ساختن مخاطبان با زمینه های فردی و هم چنین زمینه و ابزارهای اجتماعی ناهنجارهاست. در پایان پژوهش نیز راهکارهایی برای مبارزه با ناهنجاری های موجود در رسانه به اصحاب رسانه ملّی ارایه شده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب حجت الاسلام والمسلمین حسین علی زاهدی پور در نگارش این پژوهش، امیدواریم برنامه سازان و مدیران رسانه از آن استفاده لازم را ببرند.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۴

پیش گفتار

پیش گفتار

جامعه ایران پس از پذیرش اسلام به عنوان دین برتر، با تلفیق فرهنگ دینی و ملی، بسیاری از ارزش های جاهلی فرهنگ پیش از اسلام را حذف کرد و ارزش های دینی را جای گزین ساخت و از این رهگذر، فرهنگ خود را غنا بخشید.

دستورهای ارزشی اسلام مانند برابری تهی دست و ثروتمند، تعریف ارزشمندی انسان به تقوا و نزدیکی او به خداوند، انحصار بندگی برای خداوند، مسئول بودن حاکمان در برابر مردم و... چیزی نبود که ظالمان و پادشاهان مستبد و اطرافیان آنها را خوشنود سازد. بدین جهت، در طول تاریخ افراد، گروه ها و حکومت های بسیاری در کم رنگ کردن و بلکه زدودن ارزش های این دین مقدس کوشیدند. برای مثال، نظام طاغوتی پهلوی نزدیک به پنج دهه در بی دین کردن جامعه و مبارزه با نمادها و ارزش های اسلامی آن تلاش کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت دینی در ایران و به دنبال آن استقرار ارزش های دینی، دشمنان نظام در پی براندازی آن برآمدند و از هر وسیله ای در این راه سود جستند که مهم ترین آن تحمیل جنگی نابرابر بر جامعه اسلامی ایران بود.

دشمنان اسلام وقتی جنگ و اقدام های فیزیکی را مفید ندیدند، به ابزارهای سیاسی و فرهنگی روی آوردند. آنان با بهره گیری از برخی نیروهای سکولار داخلی مانند ملی گرایان به تضعیف باورهای مردم به ویژه جوانان پرداختند. این اقدام ها، چنان خطرناک می نمود که رهبر معظم انقلاب از آن به تهاجم و شبیخون فرهنگی تعبیر کرد و از آسیب های آن اعلام خطر نمود. البته عده ای، این احساس خطر را جدی گرفته و در فکر چاره برآمدند، ولی عده ای نیز آن را توهم پنداشته و به باد فراموشی سپردند. همین فراموشی، ضربه های زیادی را به فرهنگ اسلامی جامعه وارد ساخت.

ص :5

این فرآیند خطرناک و آسیب زا، ما را بر آن داشت که تأملی دوباره و در خور توانمان، در ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی ایران بکنیم و برخی زمینه ها و ابزارهای جوسازی علیه آن را روشن سازیم.

هنجارها و ارزش های اجتماعی، نرم افزارهای هدایت جامعه به سوی اهداف مورد نظر اعضای جامعه است. هنجارها اعضای جامعه را تحت فشار می گذارد و آنها را به پای بندی به اصول حاکم بر جامعه وادار می سازد. در جامعه شناسی، از این فشارها به «فشارهای هنجاری» یاد می شود. در عین حال، ارزش ها و هنجارها نیز در بسیاری از موارد مورد بی مهری قرار می گیرد و با آسیب های جدی مواجه می شود. در این پژوهش، از این تهدیدها و بی مهری ها به جوسازی و غوغاسالاری تعبیر شده است.

«جوسازی» و «غوغاسالاری» فرآیندی است که در آن، فضای جامعه به گونه ای شکل می گیرد که پای بندی به هنجارها مستلزم هزینه های مادی و معنوی فراوان شود و در مقابل، منفعت چندانی برای اعضای جامعه نداشته باشد تا کسانی که به ارزش ها ایمان قوی ندارند، آنها را رها سازند.

این مباحث و برخی بحث های دیگر مانند «آنومی یا بی هنجاری»، «نظارت و کنترل اجتماعی» و موضوع هایی از این دست به مفاهیم و چارچوب های نظری مربوط است که ما فصل اول را به آن اختصاص داده ایم. از آنجا که بحث درباره ارزش های جامعه اسلامی است، به معادل های قرآنی و روایی برخی مفاهیم مانند جوسازی و غوغاسالاری نیز پرداخته ایم.

در فصل دوم، زمینه های فردی جوسازی و غوغاسالاری مانند «پیشینه موفقیت»، «حسادت»، «انگیزه حفظ فردیت» و مانند آن تبیین شده اند. در بخش سوم، به زمینه های اجتماعی جوسازی و غوغاسالاری در سه بعد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پرداخته ایم و در عین حال، به ابزارهایی که در این سه عرصه در جوسازی ها و غوغاسالاری ها به کار می رود، اشاره کرده ایم.

البته برخی زمینه های پیش گفته، خود از نوع ابزارها نیز هستند ؛ زیرا جوسازان و

غوغاسالاران، بـا توسل به این زمینه ها فضا را برای اهـداف خود آماده می سازنـد. بر همین اساس، در این پژوهش زمینه ها و ابزارها را در کنار هم آورده ایم.

فصل چهارم، به وظایف حکومت اسـلامی در مقابل هنجارشـکنان و مبارزه با بی مهری ها و تهدیدها اختصاص یافته است. در فرهنـگ اسـلامی، حـاکم اسـلامی هم در برابر خـدا و هم در برابر اعضـای جـامعه مسـئول و پاسـخ گوست. یکی از مهم ترین مسـئولیت هـای حکومت اسـلامی، پاسـداری از ارزش های اسـلامی است. حکومت اسـلامی وظیفه دارد با بسترسازی مناسب، اعضـای جامعه را به هم نوایی با ارزش ها و هنجارها تشویق کنـد. در این راسـتا، بایـد آگاهی های لازم را ارایه دهـد. در عین حـال، تنبیه هنجارشـکنان نیز یکی از مهم ترین اصول حـاکمیت در جـامعه اسـلامی است. مـا در این فصـل، با تکیه بر توجه به متون دینی، به وظایف حکومت اسلامی پرداخته ایم.

در فصل پنجم، به کارکردهای رسانه های گروهی با تأکید بر صدا و سیما پرداخته شده است. داشتن نگاه توحیدی در سیاست گـذاری هـا و تولیـد و انتقـال آن به مخـاطب، مهم ترین وظیفه ای است که صـدا و سـیما به عنوان یـک رسـانه ملی در جامعه اسـلامی دارد. مسـئله یابی درست و تعیین عرصه های مناسب برای تبیین و تبلیغ ارزش های دینی ماننـد نگاه همه جانبه و جامع به زندگی اهل بیت علیهم السلام از جمله مهم ترین مصادیقی است که صدا و سیما می تواند در آنها به فعالیت بپردازد.

ص :۷

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. اهمیت پژوهش

۲. پرسش اصلی پژوهش

۳. پرسش های فرعی پژوهش

۴. فرضیه های پژوهش

۵. اهداف پژوهش

۶. پیشینه پژوهش

۷. گستره پژوهش

۸. روش پژوهش

۹. چارچوب نظری

۱۰. مفهوم شناسی

۱. اهمیت پژوهش

۱. اهمیت پژوهش

ارزش های حاکم بر یک جامعه و هنجارهای اجتماعی مبتنی بر آنها، اهمیت بسیاری دارند. در یک جامعه دینی، ارزش های دینی، اساس هنجارها هستند. ازاین رو، انتظار می رود اعضای این جامعه، رفتارهای متناسب با این الگوها را از خود نشان دهند. در این صورت، چنین جامعه ای از ویژگی های دینی برخوردار خواهد بود.

بیشتر هنجارهای برآمده از ارزش های اجتماعی، به ویژه ارزش های دینی، کارکردهای گوناگونی دارند. از مهم ترین این کارکردها، انسجام بخشی و ایجاد هم دلی و تفاهم میان اعضای جامعه است. قواعد رفتاری یا هنجارهای اجتماعی، چونان سیستم عاملی است که برای راه اندازی درست یک جامعه و ادامه حیات آن ضرورت دارد. افراد جامعه بی هنجار، همچون

قطعه های سـخت افزاری یک رایانه انـد که هیـچ گونه ارتباطی میان آنها وجود ندارد. دورکیم، این وضـعیت را که هیچ گونه الگوی رفتـاری بر آن حـاکم نیست، «آنومی یا بی هنجاری» می نامـد.(۱) از دیدگاه جامعه شـناسان، این وضـعیت برای جامعه بسیار خطرناک است و چنین جامعه ای با خطر فروپاشی یا دست کم نابسامانی شدید روبه رو است.

بنـابراین، لازمه پیشـرفت و بالنـدگی هر جامعه ای در گرو حفظ ارزش ها و هنجارهای حاکم بر آن است و در خطر بودن این ارزش ها، موجودیت آن جامعه را با دشواری های اساسـی روبه رو می کنـد. افراد یا گروه ها، با انگیزه های گوناگون، ارزش هـای اجتمـاعی را زیر پـا می گذارنـد و حـتی گـاه برای نـابودی آن به پـا می خیزنـد. در چنین مواردی، ضـرورت پرداختن به پژوهشی درباره عوامل و زمینه های جوسازی و هنجارشکنی در

ص :۸

۱- مسعود چلبی، جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

برابر هنجارها و انگیزه های جوسازان و غوغاسالاران کاملاً احساس می شود تا با بررسی زمینه ها و انگیزه های این پدیده اجتماعی، راهکارهای لازم برای جامعه پذیر ساختن افراد جامعه تبیین شود. ازاین رو، موضوع این پژوهش، فشارها و الزام های هنجاری و جوسازی و غوغاسالاری در جامعه اسلامی است.

۲. پرسش اصلی پژوهش

۲. پرسش اصلی پژوهش

چه عواملی، زمینه های هنجارشکنی را در یک جامعه اسلامی ایجاد می کند و چرا در برابر هنجارهای حاکم بر یک جامعه اسلامی، جوسازی و غوغاسالاری صورت می گیرد؟

۳. پرسش های فرعی پژوهش

۳. پرسش های فرعی پژوهش

۱. انگیزه های جوسازی و غوغاسالاری چیست؟

۲. تبلیغ و معرفی نادرست دین چه پی آمدهایی دارد؟

۳. ضرورت های آسیب شناسی دینی کدامند؟

۴. حکومت اسلامی در برابر هنجارشکنان و جوسازان چه وظایفی دارد؟

۵. وظایف و کارکرد رسانه ها (به معنی عام) در زمینه ارزش ها و هنجارهای دینی چیست؟

۶. نابسامانی های اقتصادی و سیاسی بر روند اوج یا فرود ارزش های یک جامعه دینی چه اثری می گذارند؟

۷. افزایش میزان رخ دادن انحراف ها در عادی شدن هنجارشکنی و جوسازی در برابر ارزش ها چه نقشی دارد؟

۸. کنترل اجتماعی، به ویژه کنترل مردمی و خودجوش در رشد و شکوفایی ارزش های اجتماعی چه نقشی دارد؟

۴. فرضیه های پژوهش

۴. فرضیه های پژوهش

از آنجا که پدیده های اجتماعی به ویژه پدیده های ارزشی و هنجاری، چند عاملی هستند، در نتیجه، متغیرهای مستقل و وابسته در فرضیه ها نیز فراوان خواهد بود. به

همین جهت، فرضیه های گوناگونی در این زمینه ترسیم پذیر است که عبارتند از:

۱. ناآشنایی مردم با هنجارها، زمینه های غوغاسالاری را فراهم می کند.

۲. تقویت و جهت دهی مناسب به رسانه ها، نقش بسیار مهمی در تقویت ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی دارد.

۳. نبود اقتدار و محبوبیت حکومت، زمینه ساز هنجارشکنی و جوسازی در برابر ارزش ها خواهد شد.

۴. رسیدگی به مشکلات اقتصادی مردم، به ویژه قشر آسیب پذیر، زمینه های هم نوایی را تقویت می کند.

۵. هدفمند نبودن آزادی ها و نبود تعریف دقیق از موضوع و قلمرو آزادی، زمینه های غوغاسالاری و تخریب ارزش ها را فراهم می کند.

۵. اهداف پژوهش

۵. اهداف پژوهش

ضرورت پژوهش، اهداف کلی یک پژوهش را به صورت کلی روشن می سازد. در عین حال، برخی هدف های اساسی این پژوهش را چنین برمی شماریم:

۱. تبیین راهکار مناسب برای درک جایگاه ارزش ها و هنجارهای دینی؛

۲. معرفی جایگاه هم نوایی و ناهم نوایی و پی آمدهای آن دو؛

۳. بررسی انگیزه های جوسازی، غوغاسالاری و هنجارشکنی؛

۴. تبیین راهکارهای پیش گیری از آسیب های اجتماعی و مقابله با آن؛

۵. بررسی جایگاه حکومت اسلامی در حفظ، رشد و شکوفایی ارزش های جامعه اسلامی؛

۶. تبیین نقش رسانه ها در زمینه هنجارهای حاکم بر جامعه اسلامی و تثبیت و ترویج آنها؛

۷. بیان برخی احکام فقهی مربوط به جوسازی و غوغاسالاری در جامعه اسلامی.

ص: ۱۰

۶. پیشینه پژوهش

۶. پیشینه پژوهش

پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است و آنچه وجود دارد، مطالبی است که به طور ضمنی در کتاب ها و مقاله ها به آن پرداخته شده است.

۷. گستره پژوهش

۷. گستره پژوهش

در این پژوهش، جامعه اسلامی به صورت عام و جامعه ایران به صورت خاص از منظر جامعه شناختی بررسی شده است. ازاین رو، جامعه ایران را به عنوان نمونه آماری از جوامع مسلمان، هم برای شناسایی عوامل و هم به عنوان محل اجرای راهکارها در نظر گرفته ایم.

۸. روش پژوهش

۸. روش پژوهش

رویکرد اساسی در این پژوهش، مراجعه به متن های دینی و گاه داده های مربوط به واقعیت های اجتماعی است. ازاین رو، روش به کار گرفته شده، روش اسنادی ـ کتاب خانه ای خواهد بود.

۹. چارچوب نظری

۹. چارچوب نظری

به طور کلی، این پژوهش در چارچوب نظریه های آسیب شناسی اجتماعی قرار می گیرد. از نظریه های اندیشمندان جامعه شناسی و گاه روان شناسی اجتماعی بهره گرفته و سپس در چارچوب آنها، به متون اسلامی پرداخته ایم. جهت گیری اساسی این پژوهش و روح حاکم بر آن، اسلامی خواهد بود؛ یعنی می کوشیم در حد توان، دیدگاه اسلام را بیان کنیم.

اندیشمندان، نظریه های بسیاری در زمینه آسیب شناسی اجتماعی بیان کرده اند که در این مجال، تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم. یکی از نظریه های اساسی در زمینه آسیب شناسی اجتماعی، نظریه «آنومی یا بی هنجاری» دورکیم و مرتن است. به نظر اینان، بی هنجاری زمانی رخ می دهد که هنجارها کارآیی خود را از دست بدهند و اثرگذاری لازم را بر بخش گسترده ای از افراد جامعه نداشته باشند.

به باور دورکیم، برای انجام عمل بهنجار در جامعه، سه شرط اساسی لازم است که

عبارتند از:

۱. هنجار یا مجموعه ای از هنجارها باشند؛

۲. هنجارها از طریق جامعه پذیری درون ریز شده باشند؛

۳. التزام عملی جدّی به هنجارها وجود داشته باشد.

اگر این سه شرط وجود نداشته باشد و این ساز و کار تضعیف شود، جامعه دچار نوعی اختلال هنجاری می شود که پنج صورت خواهد داشت:

الف) قطبی شدن هنجارها: در این وضعیت، جامعه به دو دسته تقسیم می شود. گروهی بیش از حد متوسط در برابر هنجارها احساس تعهد دارند و خود را به رعایت هنجارها ملزم می دانند. در مقابل، عده ای دیگر کمترین تعهد را در برابر هنجارها و ارزش ها از خود نشان می دهند و آزادانه به هنجارشکنی می پردازند.

ب) تضاد هنجاری: قطبی شدن هنجارها، زمینه را برای تضاد هنجاری و ارزشی فراهم می آورد. تضاد هنجاری به این معناست که در مورد یک امر اجتماعی، بیش از یک هنجار وجود داشته باشد. برای مثال، در جامعه ایرانی در این زمینه که حجاب زنان، چادر است یا مانتو، تضاد هنجاری وجود دارد. این نکته به دلیل اهمیت فراوان و پی آمدهایی که دارد، به طور خاص بررسی خواهد شد.

ج) ناپایداری اجتماعی: میان هنجار دو یا چند عمل، تناقض و تضاد وجود دارد، مانند اینکه هنجاری می گوید درخواست کمک کسی را رد نکن و از سوی دیگر، تأکید بر این است که به غریبه اعتماد نکن. حال فردی که عضو این جامعه است و کسی از او کمک می خواهد، میان اینکه به او کمک کند یا اعتماد نکند، با تضاد روبه رو خواهد شد.

د) ضعف عملی هنجارها: در این مرحله، هنجارها تنها در ذهن افراد قرار دارند، ولی در عمل به آنها پای بند نیستند. برای مثال، همه افراد جامعه می دانند که داشتن وجدان کاری لازم است؛ همه می دانند که وقت ارزش دارد؛ همچنین همه آگاهند که دین در پرهیز از پرخوری تأکید فراوان دارد. با این حال، چه بسا افرادی که این گونه هنجارها

ص :۱۲

را رعایت نمی کنند.

ه_) بی هنجاری (آنومی): بی هنجاری به این معناست که در اموری از امور اجتماعی، هنجار و ارزشی وجود نداشته باشد و آن کار بدون هرگونه قاعده و هنجاری صورت پذیرد. جوامع در شرایط خاص مانند دوران گذار با این پدیده بیشتر روبه رو هستند. به بیان دیگر، خلأ هنجاری در این گونه جوامع بیشتر دیده می شود. در چنین جامعه ای ممکن است انواع انحراف های اجتماعی رخ نماید که در برخی موارد تا حد فروپاشی پیش می رود.(۱) «دورکیم، مفهوم بی هنجاری را برای اشاره به این فرض به وجود آورد که در جوامع امروزی، معیارها و هنجارهای سنتی بی آنکه توسط هنجارهای جدیدی جای گزین گردند، تضعیف می شوند. بی هنجاری هنگامی وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود ندارد. در این شرایط، به عقیده دورکیم، مردم احساس از دست دادن حس جهت یابی و نگرانی می کنند».(۲)

نظریه های دیگری مانند بی سازمانی اجتماعی، شایعه، تبلیغات منفی (پروپاگاندا) و دیگر نظریه های مربوط به انحراف ها در جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی بررسی خواهد شد.

۱۰. مفهوم شناسی

اشاره

۱۰. مفهوم شناسی

زیر فصل ها

الف) ارزش ها

ب) هنجارهای جامعه اسلامی

ج) فشارهای هنجاری

د) جوسازی و غوغاسالاری

الف) ارزش ها

الف) ارزش ها

یک _ چیستی ارزش

بی تردید، انسان موجودی اجتماعی است و در مسیر زندگی خود به ارزش ها نیاز اساسی دارد. این مسئله را همگان پذیرفته اند. دانشمندان علوم اجتماعی _ چه اصالت را به جامعه دهند یا فرد _ تأکید دارند که انسان درطول زندگی خود آموختنی های فراوانی

۱- همان، صص ۱۰۸ _ ۱۲۰.

۲- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، چ ۴، ص ۱۴۰.

از جامعه فرا می گیرد. آیت اللّه مصباح یزدی با تأکید بر این مطلب می نویسد:

جامعه دو گونه از دانستنی ها را به فرد می آموزد: آنهایی که جنبه ابزاری دارند، مانند: زبان، خط و اعتباریات صرف و آنهایی که در تکوین شخصیت آدمی تأثیر دارند، مانند: علوم و معارف حقیقی و معارفی که اعتباریات دارای منشأ حقیقی را می شناسانند. به علاوه، جامعه در به فعلیت رساندن قوای فطری سهم بسزایی دارد.(۱)

جامعه شناسان بر این عقیده اند که فرهنگ، مهم ترین یا تنها عاملی است که توانسته است افراد و گروه های اجتماعی را گرد هم آورد و بنای جامعه را شکل دهد.

فرهنگ، سه عنصر شناختی، مادی و قواعد سازمانی را در خود جای می دهد. این سه، مؤلفه های فرهنگ شمرده می شوند. عنصر شناختی فرهنگ، عبارت از «ارزش ها، ایدئولوژی ها و دانش ها» است و می توان گفت ارزش ها، بنیان فرهنگ هستند. افراد جامعه هنگام پرسش از خوبی و بدی، بجا و نابجا به ارزش های آن جامعه رجوع می کنند. ازاین رو، در تعریف ارزش ها گفته اند: «ارزش ها، باورهای ریشه داری هستند که گروه های اجتماعی هنگام پرسش از خوبی ها و بدی ها و کمال مطلوب به آن رجوع می کنند. ارزش های یک جامعه، به این دلیل مهم هستند که محتوای هنجارهای آن جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند... به صورت یک اصل می توان گفت که هر هنجاری در یک یا چند ارزش ریشه دارد».(۲)

دو ــ چیستی ارزش های دینی

هنجارهای جامعه دینی در ارزش های دینی ریشه دارد. ارزش های دینی، بایدها و نبایدهایی هستند که دین داران در رفتارهای فردی و اجتماعی خود به آن رجوع می کنند. به عبارت دیگر، ارزش های دینی، کنش اجتماعی افراد دین دار را جهت

۱- محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۲، ص ۱۷۴.
۲- بروس کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۳۲.

می دهند و شرط اساسی دین دار بودن در پای بند بودن به آنهاست.

تفـاوت ارزش هـای دینی صـرف با ارزش های اجتماعی صـرف، در داشـتن ریشه وحیانی است. ارزش های اجتماعی صـرف، پایگاهی جز مقبولیت افراد جامعه ندارند و اگر روزی افراد جامعه آنها را نپذیرند، پشـتوانه ای برای این ارزش ها نخواهد ماند. بنابراین، ارزش های دینی، پایگاهی قوی تر از ارزش های اجتماعی صرف دارند. ازاین رو، ارزش های اجتماعی، با روگردانی مردم، معنای خود را از دست خواهنـد داد. این در حالی است که ارزش های دینی در صورت روگردانی مردم نیز اهمیت خود را از دست نخواهند داد. اساسا همواره ارزش های دینی، پشتوانه ای برای تقویت ارزش های اجتماعی هستند. برای مثال، وقتی آداب و رسوم سـنتی عیـد نوروز در کنـار الگوهـای دینی قرار می گیرد، رنگ و معنایی نو به خود می گیرد. بـدیهی است که ارزش هـای دینی، هنجارها و الگوهای رفتاری دینی را در پی خواهـد آورد. جامعه ای را می توان دینی نامیـد که افراد آن در زندگی خود از چنین الگوهایی بهره مند باشند.

ب) هنجارهای جامعه اسلامی

ب) هنجارهای جامعه اسلامی

ارزش ها و باورها به دلیل عام و ذهنی بودن، نمی تواننـد رفتار افراد جامعه را کاملاً قاعـده منـد سازند، بلکه می توانند دیدگاه مشترک پدیـد آورنـد و افراد را منسـجم کننـد. ازاین رو، هنجارها شـکل می گیرند تا به افراد نشان دهند که در وضـعیت های خـاص، چه رفتـاری منـاسب و مورد انتظـار است. برای مثـال، همه ما می دانیم که احترام به هم نوعان به ویژه به اعضای جامعه امری بسـیار پسـندیده است، ولی در عمـل چه بسا هر فردی به سـلیقه خود نوعی احترام را انجام دهـد و چون دریافت انسان ها تفـاوت دارد، ممکـن اسـت از یـک رفتـار و کنش که در نظر کنش گر، امری پسـندیده است، تلقی نـادرست صـورت گیرد و موجب تنش و بدبینی شود. در این موارد، هنجار می گوید مثلاً برای احترام به دیگران، واژه «سلام» را به کار ببریم که همگان در معنای آن اتفاق نظر دارند. به بیان دیگر، هنجارها مرحله عملی ارزش ها هستند که از عام بودن خارج شده اند.

به باور پارسونز، «کنش اجتماعی فرد ناشی از توقع جمعی نسبت به نقش اجتماعی

ص: ۱۵

او بوده و همیشه توسط یک سلسله معیارهای اخلاقی تبیین می شوند.»(1) به تعبیری می توان گفت هنجارهای اجتماعی، ملاک داوری ارزش های اجتماعی هستند. فرد ممکن است داوری خود را با جامعه هم ساز ببیند یا به آن تظاهر کند. در عین حال، اعضای جامعه در مورد کنش های او داوری خاصی خواهند داشت. آنها در داوری خود از معیار و ملاکی به نام هنجارها استفاده می کنند. بنابراین، هنجارها مرحله عملی ارزش ها هستند و زاده ارزش هایند.

فردی که عضو جامعه دینی است، در معرض داوری های خداوند و در مرحله ای پایین تر، در معرض داوری های متدینان قرار دارد. ملاک و معیاری که در این داوری به کار می رود، ارزش ها و هنجارهای دینی به صورت هم زمان هستند. به تعبیر دینی، می توان گفت ارزش ها همان ایمان و هنجارها همان عمل صالح در فرهنگ دینی هستند. خداوند متعال، ایمان را به تنهایی برای سعادتمندی فرد و جامعه کافی نمی داند و عمل صالح را نیز لازم می شمارد و می فرماید: «إِنَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا؛ در حقیقت، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس ایستادگی کردند.» (فصّلت: ۳۰) و «إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند». (بقره: ۲۷۷)

بنابراین، معلوم می شود ارزش ها و هنجارها از هم جدایی ناپذیرند و تکمیل کننده یکدیگرند. همچنین قرآن می فرماید: «أَ حَسِبَ النّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنّا وَ هُمْ لایُفْتَنُونَ؛ آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟» (عنکبوت: ۲) با توجه به این آیه، آزمایش و امتحان، بدون عمل امکان ندارد.

ما کوشیده ایم در کنار معرفی برخی هنجارهای جامعه دینی، به انگیزه های نقض این

۱- جورج ریتزر، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۲، چ ۷، ص ۱۳۵.

هنجارها و جوسازی و غوغاسالاری در برابر آنها بپردازیم و در حد امکان، راهکارهایی نیز برای آن بیابیم.

ج) فشارهای هنجاری

ج) فشارهای هنجاری

دورکیم می نویسد:

هنجارهـا، پدیـده هـای اجتمـاعی هسـتند و پدیـده های اجتماعی از سه ویژگی عمومیت، خارجیت و الزام آوری برخوردارنـد. ازاین رو، هنجارها نوعی الزام آوری دارنـد و هنگامی که الزام هنجاری به انـدازه کافی در جامعه نباشد، جامعه با مشـکل روبه رو خواهد بود.(۱)

در یک جامعه سالم، افراد به رعایت هنجارهای حاکم بر آن جامعه ملزمند.

ازاین رو، افراد خارج از این قاعده که کنش های الگومند از خود صادر نکنند، با محدودیت ها و گاه تهدیدهایی روبه رو می شونـد. خاسـتگاه این تنبیه ها و محـدودیت ها در ارزش ها و سپس در هنجارهاست؛ یعنی افراد جامعه، این گونه رفتارها را بر اساس معیار و میزانی به نام هنجار ارزیابی می کنند و بر همین اساس، بر فرد ناهم نوا یا کج رو فشار وارد می آورند. از سویی، چون اِعمال این گونه محدودیت ها و فشارها از هنجار سرچشـمه می گیرد، فشار هنجاری نامیده می شود. پس می توان گفت «هنجارها دارای نیرویی فوق العاده و غیرقابل تصوری [دارنـد] که به قول دورکیم، بر زور و اراده فردی تحمیل می گردند [که انسان ها اگر بتوانند در مقابل هر نیرویی مقاومت کنند]... در مقابل این نیروی هنجاری، مقاومت کمتری خواهند داشت».(۲)

د) جوسازی و غوغاسالاری

اشاره

د) جوسازی و غوغاسالاری

در جامعه ای که اکثریت افراد جامعه به هنجارها توجه داشته باشند و رفتارهای خود را بر اساس آن تنظیم کنند، برخی افراد یا گروه ها به دلایل و انگیزه های گوناگون

ص: ۱۷

۱- جامعه شناسی نظم، صص ۱۱۰ و ۱۱۲.

۲- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، انتشار، تهران، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۱۹۷.

برای تضعیف این وضعیت می کوشند. آنها با روش های مختلف، هنجارها و ارزش های جامعه را زیر سؤال می برند و از اعتبار آنها می کاهند. در این وضعیت، جوسازی و غوغاسالاری یا به تعبیر دیگر، هنجارشکنی رخ می دهد. جوسازی و غوغاسالاری، ایجاد وضعیتی غیرعادی برای زیر سؤال بردن ارزش های جامعه است. به بیان دیگر، این دو اصطلاح، بار معنایی منفی دارند؛ هرچند از نظر واژگانی، جوسازی یا فضاسازی می تواند معنای مثبت داشته باشد. البته از نظر عرف عام و خاص و با توجه به اینکه جوسازی در این پژوهش در کنار غوغاسالاری به کار رفته است، تردیدی در معنای منفی آن نخواهد بود.

هر چند این دو اصطلاح، معنای نزدیک به هم دارند، ولی جوسازی معنایی عام تر از غوغاسالاری دارد. غوغاسالاری نوع خاصی از جوسازی است که درجه ای از شدت و تندی در آن هست و چه بسا در زمان کوتاه صورت می گیرد. به طور خلاصه، جوسازی و غوغاسالاری را می توان این گونه تعریف کرد: «ایجاد مانع بر سر راه ارزش ها و هنجارها در جهت کند یا متوقف ساختن آنها برای رسیدن به اهدافی خاص»، مانند کسانی که برای رسیدن به اهداف مادی خود بر سر راه اجرای حدود و مجازات شرعی مانع تراشی می کنند. به هر حال، هنجارشکنان و غوغاسالاران می کوشند با ایجاد فضایی غیرعادی و با تسلیم کردن افراد در برابر خود، رفتارهای آنها را به حوزه ای خارج از هنجارهای تعریف شده بکشانند و بر اساس خواست خود جهت دهند.

یک ـ معادل های جوسازی و غوغاسالاری در متون دینی

یک ـ معادل های جوسازی و غوغاسالاری در متون دینی

تعبیرها و واژه های گوناگونی در متون دینی بر مفهوم جوسازی و غوغاسالاری دلالت دارند که برخی از آنها را بررسی می کنیم.

اول ـ فتنه

فتنه در لغت به معنای امتحان و آزمایش، برگرداندن از رأی و نظر، آتش زدن،

گمراهی، بیماری، محنت و رنج، گناه و عذاب و اراده گناه کردن به کار رفته است.(۱) در کتاب لسان العرب آمده است: «أَلْفاتِنُ، أَلْمُضِلُّ عَنِ الْحَقِّ؛ فتنه کننده کسی است که [دیگران را] از راه حق خارج می سازد.»(۲) نویسنده المنجد می نویسد: «وقتی گفته می شود کسی در دین او فتنه کرد؛ یعنی او را از مسیر دین دور کرد. ازاین رو، صفت فتّان در مورد شیطان به کار رفته است؛ زیرا او مردم را از دین و مسیر حق دور می کند».(۳)

به طور کلی فتنه را می توان این گونه تعریف کرد: عملی است که با وقوع آن، فعل یا رفتار یا اراده فرد یا جامعه از حالت عادی خارج می شود و در مسیر اهداف تعیین شده حرکت نخواهد کرد. با این بیان، روشن می شود که فتنه بر جوسازی و غوغاسالاری دلالت دارد، هرچند معانی دیگری نیز می تواند داشته باشد. برای تأیید این نکته، شواهدی را از قرآن و روایات می آوریم. خداوند می فرماید: «أَلْفِتْنَهُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ.» (بقره: ۱۹۱) خداوند در این آیه، پس از دستور مبارزه با دشمنان دین و مقابله با فتنه می فرماید: فتنه شدیدتر از قتل است؛ چون در این آیه، فتنه، دشمنی مضاعف شمرده شده است. فتنه افزون بر جنگ نظامی، معنای دیگری دارد و شامل جوسازی و غوغاسالاری فرهنگی نیز می شود. همچنین خداوند متعال در آیه ۲۱۷ سوره بقره پس از اینکه فتنه را شدیدتر از قتل می شمارد، می گوید تمام تلاش فتنه گران برای آن است که شما را از دینتان باز دارند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «أَلْفِتْنَهُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» می فرماید:

فتنه از آن جهت شدیدتر است که در قتل، فقط جسم انسان در معرض خطر است و حیات دنیوی از بین می رود. این در حالی است که فتنه هم حیات دنیوی و هم حیات اخروی را در معرض خطر و تهدید قرار می دهد؛ چرا که

۱- نرم افزار نور دفتر تبلیغات اسلامی قم، لسان العرب، ج ۱۳؛ مجمع البحرین، ج ۶ ، ماده «فتن».

۲- همان.

۳- المنجد، ماده «فتن»

در واقع، دین است که به انسان و جامعه، حیات جاودانه می بخشد.(۱)

همچنین ایشان در تفسیر آیه ۱۵۵ و ۱۵۶ سوره بقره و در بیان ابزارهای دشمن، فتنه را ابزاری غیر از قتال و جنگ مسلحانه شمرده است.(۲) بنابراین، فتنه در قرآن، دست کم در برخی موارد به معنای عملی است که دشمنان دین با انجام دادن آن، برای خاموش کردن چراغ دین، ارزش ها و هنجارهای دینی می کوشند.

مولای متقیان علی علیه السلاممی فرماید:

اِنَّ الْفِتَنَ اِذا اَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَ إِذا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ، يُنْكَرْنَ مُقْبِلاتٍ و يُعْرَفْنَ مُدْبِراتٍ، يَحُمْنَ حَوْمَ الرِّياحِ، يُصِبْنَ بَلَدا و يُخْطِئْنَ بَلَدا.(۳)

فتنه ها آن گاه که روی آورند، با حق شباهت دارند و چون پشت کنند، حقیقت چنان که هست، نشان داده می شود. فتنه ها چون می آیند، شناخته نمی شوند و چون می گذرند، شناخته می شوند. فتنه ها چون گردبادها می چرخند و از همه جا عبور می کنند. در بعضی از شهرها حادثه می آفرینند و از برخی شهرها می گذرند.

در سخن دیگری از حضرت، مفهوم فتنه کاملاً با جوسازی و غوغاسالاری هم خوانی دارد:

اِنَّما بَدْءُ وُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْواءٌ تُتَّبَعُ وَ أَحْكامٌ تُبْتَدَعُ، يُخالَفُ فِيها كِتابُ اللّه وَ يَتَوَلّى عَلَيْها رِجالٌ رِجالاً عَلى غَيْرِ دِينِ اللّه فَلَوْ اَنَّ الْباطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُرْتادِينَ وَ لَوْ اَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِن لَبِسَ الْباطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعانِدِينُ و لكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هذا ضِغْثُ وَ مِنْ هذا ضِغْثٌ، فَيُمْزَجانِ فَهُنالِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطانُ عَلى أَوْلِيائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللّه

ص: ۲۰

۱- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۲ه . ق، ج ۲، ص ۶۲.

۲- همان، ص ۳۳۹.

۳- محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۱، چ ۲، خطبه ۹۳، صص ۹۲ و ۹۳.

الْحُسْنی.(۱)

بی گمان، آغاز پدید آمدن فتنه ها، هواپرستی و بدعت گذاری در احکام آسمانی است. نوآوری هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی بر گروه دیگر سلطه و ولایت می یابند که برخلاف دین خداست. پس اگر باطل با حق مخلوط نمی شد، بر طالبان حق پوشیده نمی ماند و اگر حق، از باطل جدا و خالص می گشت، زبان دشمنان قطع می شد، ولی قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می گیرند و به هم می آمیزند. آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می گردد و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند، نجات خواهند یافت.

دوم _ ارجاف

در لغت به معنای اضطراب و لرزش شدید و زلزله است. ازاین رو، به نفخه اولی «راجفه» گفته می شود. در آیه: «یَوْمَ تَرْجُفُ الرّاجِفَهُ تَتْبَعُهَا الرّادِفَهُ؛ آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه در می آورد و در پی آن، حادثه دومین [حادثه عظیم محشر] رخ می دهد.» (نازعات: ۶ و ۷) منظور از راجفه آن است که زمین به شدت می لرزد. برخی نیز بر این باورند که راجفه در این آیه به معنای عذاب شدید است. همچنان که در مورد مستکبران قوم عاد می فرماید:

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُوا فی دارِهِمْ جاثِمینَ. (اعراف: ۷۸)

[پس از آنکه کارهای زشت انجام دادند]، سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت و صبح گاهان [تنها] جسم بی جانشان در خانه هاشان باقی مانده بود.

خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید:

لَئِنْ لَمْ یَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذینَ فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِی الْمَدینَهِ لَنُغْرِیَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لایُجاوِرُونَکَ فیها إِلّا قَلیلاً. (احزاب: ۶۰)

۱- همان، خطبه ۵۰، صص ۷۰ و ۷۱.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، انتها از یک چیز را به معنای خودداری از آن می داند و ارجاف را اشاعه باطل جهت غمگین ساختن و ایجاد اضطراب می شمارد. معنای آیه نیز چنین است: قسم می خورم اگر منافقان و کسانی که قلب آنها بیمار است و ایمان در آن راه ندارد و کسانی که با پخش اخبار دروغ، در پی مضطرب ساختن مسلمانان و ایجاد تزلزل در میان آنان هستند، به این کار خود پایان ندهند، شما را علیه آنها برمی انگیزانیم، به گونه ای که در زمانی نزدیک، نفی بلد شوند و مهاجرت کنند.(۱)

با توجه به معنای لغوی و تفسیری ارجاف، روشن شد ارجاف به معنای ایجاد تزلزل و اضطراب در دین است که منافقان برای رسیدن به اهداف خود بدان دست می زنند. ازاین رو، می توان گفت این واژه قرآنی بر جوسازی و غوغاسالاری دلالت کامل دارد؛ زیرا جوسازان و غوغاسالاران نیز در تضعیف ارزش های جامعه اسلامی برای پیشبرد اهداف خود در تلاشند.

سوم ــ صدّ سبیل

الَّذینَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ وَ یَبْغُونَها عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ کافِرُونَ. (اعراف: ۴۵)

آنان که بازدارنده از راه خدایند و راه خدا را کج می خواهند، ایشان به آخرت، کافر هستند.

«صدّ» در لغت به معنای بازداشتن و منصرف کردن از کاری است.(۲) جوسازان و هنجارشکنان می کوشند با ایجاد مانع بر سر راه ارزش ها و هنجارها، جامعه اسلامی را از رسیدن به کمال مطلوب و قرب الهی و حتی رسیدن به اهداف مادی بازدارند. ازاین رو، این واژه نیز بر این مفهوم دلالت دارد.

دو ــ دسته بندی جوسازی

دو ــ دسته بندی جوسازی

با توجه به نوع و چگونگی جو ایجاد شده، جوسازی را می توان به دو نوع مثبت و

ص: ۲۲

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۳۴۶.

۲- مجمع البحرین، ج ۳، ماده «صدّ».

منفی تقسیم کرد.

اول ـ جوسازی مثبت

در این فضـا، جامعه به گونه ای است که افراد آن می تواننـد در کمال آرامش و امنیت، به هنجارهای جامعه دل بسـتگی نشان دهند و رفتارهای خود را بر اساس آن تنظیم کنند. این نوع جوسازی در حقیقت، تقویت وضعیت آرمانی جامعه است.

دوم ـ جوسازی منفی

در این نوع جوسـازی، فضای جامعه چنان ترتیب داده می شود که اعضای آن نمی تواننـد به راحتی رفتارهای خود را بر اساس ارزش هـا و هنجارهـای مبتنی بر آن تنظیم کننـد. در این فضـا، افراد معتقـد به ارزش هـا و رفتارهـای هنجارمنـد، به روش های گونـاگون زیر فشارنـد؛ زیرا الگوهـای رفتـاری آنهـا زیر فشار قرار دارد. البته می توان گفت میان فشار رفتاری و فشار هنجاری رابطه متقابل وجود دارد؛ یعنی فشار بر هنجارها موجب فشار بر رفتار هنجارمند و فشار بر رفتار هنجارمند موجب فشار و تهدید هنجارها خواهـد بود. این امر نشان می دهـد ارزش ها در چنین جامعه ای فرصت بالنـدگی نخواهند داشت. همچنین این جامعه به گونه ای است که شناخت الگوهای رفتاری درست برای اعضای جامعه دشوار است.

از نظر واژگـانی، واژه جوسـازی را در هر دو مـورد مثبـت و منفی آن می تـوان بـه کـار برد، ولی نبایـد فرامـوش کرد کـه واژه جوسازی به صورت مطلق و جدا از هرگونه پیشوند یا پسوند، در معنای دوم به کار می رود؛ زیرا عرف عام و خاص، برداشـت منفی از آن دارنـد. جوسازی در معنای مثبت با تعبیرهایی مانند فضای مثبت یا بستر مناسب به کار می رود. به هر حال، اگر هم ادعای چنین تفاهمی پذیرفته نشود، دست کم ما در این پژوهش، جوسازی را در معنای منفی آن به کار برده ایم؛ به ویژه آنکه این اصطلاح در کنار تعبیر غوغاسالاری است و همین امر، منفی بودن معنای این واژه را آشکارتر می سازد.

ص :۲۳

سه _ جنبه های جوسازی

سه _ جنبه های جوسازی

پدیده های اجتماعی، آن چنان در هم تنیده اند که جداسازی آنها دشوار است، ولی برای اینکه بتوانیم زوایای گوناگون موضوع را بررسی کنیم، به ناچار به این جداسازی نیاز داریم. در این پژوهش، جوسازی را به سه جنبه «سیاسی»، «اقتصادی» و «فرهنگی _ اجتماعی» تقسیم می کنیم. در جنبه سیاسی، افراد یا گروه های جوساز با هدف قرار دادن الگوها و ارزش های مربوط به مسائل سیاسی جامعه و زیر سؤال بردن آنها، در مسیر عمل به این هنجارها و ارزش ها سنگ اندازی می کنند و آنها را زیر فشارهای مختلف قرار می دهند تا فشارهای وارد شده از سوی هنجارها و ارزش ها را بر رفتار خود کاهش دهند. انتقادهای غیرعلمی، شعاری و بدون سند در برابر حاکمیت ولایت فقیه یا نقش و عملکرد شورای نگهبان از این گونه اند.(۱)

در جنبه اقتصادی، جوسازان در دو مرحله عمل می کنند: نخست با بیمار معرفی کردن اقتصاد جامعه به صورت اغراق آمیز، آن را پای مال کننده حقوق مردم می شناسانند. سپس برای اثبات مدعای خود، با روش های گوناگون به ایجاد مشکلات اقتصادی در جامعه می پردازند. در عین حال، در برابر هر گونه برخورد قانونی با مفاسد اقتصادی، واکنش منفی نشان می دهند. جالب اینکه در یک جامعه اسلامی، این گروه ها هرگونه مشکل اقتصادی را به حساب فرهنگ دینی می گذارند و با این روش، زمینه های تضعیف آن را فراهم می آورند.(۲)

جوسازان در جنبه فرهنگی _ اجتماعی، همه نمادها و آیین های فرهنگی جامعه را هدف قرار می دهند و آن را نقطه مقابل پیشرفت و نوگرایی معرفی می کنند. آنها با معیار قرار دادن فرهنگ مورد نظر خود، فرهنگ موجود جامعه را نقد غیرعلمی می کنند؛ مانند

۱- فصل دوم در این زمینه به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲- البته این بدان معنا نیست که ما مشکلات و ضعف های اقتصادی جامعه را انکار کنیم. سخن در این است که این مشکلات به واقعیت های اجتماعی مربوط است، نه به فرهنگ آرمانی جامعه اسلامی.

گروه هـایی که به بهـانه هایی از جمله دفاع از حقوق زن (فمینیسم)، با بی توجهی به کانون گرم خانواده، خانه دار بودن زن را ستمی بزرگ در حق او می دانند.

ص :۲۵

فصل دوم: زمینه های فردی جوسازی و غوغاسالاری

اشاره

فصل دوم: زمینه های فردی جوسازی و غوغاسالاری

بی شک، برخورداری از امنیت، رفاه و انواع امکانات اجتماعی دیگر در پرتو عضویت در جامعه ممکن است. این تعامل اجتماعی در قالب هایی صورت می پذیرد که همین قالب ها، رفتارهای ما را برای دیگران فهم پذیر می کند و به ما می آموزد چگونه در برابر اعضای جامعه، واکنش درست نشان دهیم. بر همین اساس، همان گونه که ما با عضویت در جامعه، نیازهای فردی و اجتماعی خود را برآورده می سازیم، دیگران نیز انتظار دارند با عضویت در جامعه، نیازهای خود را برآورده سازند. پس جامعه در کنار برآورده ساختن نیازهای ما، محدودیت هایی را نیز برایمان ایجاد می کند. اگر دیگران با رعایت قواعد و الگوهای تعامل اجتماعی، زمینه برخورداری ما را از مواهب اجتماعی فراهم می کنند، در مقابل، انتظار دارند ما نیز در موارد مشابه، محدودیت های حاصل از این تعامل را بپذیریم و زمینه های برخورداری آنها را از مواهب اجتماعی فراهم آوریم. ازاین رو، قاعده کلی در هر جامعه این است که افراد، الگوهای رفتاری حاکم بر جامعه را رعایت و بر اساس آن عمل کنند. این قاعده رفتاری در جامعه شناسی به «هم نوایی» تعبیر می شود، به گونه ای که در جوامع مختلف، افراد ناهم نوا، به روش های گوناگون تنبیه می شوند.

هم نوایی، امری ضروری برای جوامع و هدفی آرمانی است، ولی در عمل، خلاف آن را شاهدیم. افراد و گروه ها با انگیزه های گوناگون به هنجارشکنی دست می زنند و حتی در مرحله ای بالاتر در برابر هنجارها و ارزش های جامعه، جوسازی و غوغاسالاری می کنند و زمینه های نقض هنجارها را فراهم می آورند و حتی دیگران را به هنجارشکنی تشویق می کنند. زمینه ها و انگیزه های مختلفی، افراد و گروه ها را به چنین کنش هایی

وادار می سازد. این زمینه ها و انگیزه ها را به دو دسته فردی و اجتماعی می توان تقسیم کرد. در این فصل، زمینه ها و انگیزه های فردی را به اختصار بررسی می کنیم. در فصل بعدی، به تفصیل به انگیزه های اجتماعی جوسازی و غوغاسالاری خواهیم پرداخت.

افراد در برابر کام یابی های دیگران، واکنش متفاوتی از خود نشان می دهند. یا از این موفقیت ها خشنود می شوند یا در برابر آنها واکنش منفی نشان می دهند. گاهی نیز پیروزی ها و شکست دیگران برای آنها مهم نیست. برخورد اول، مطلوب ترین صورت است؛ زیرا دینی بودن جامعه ما ایجاب می کند اعضا آنچه را برای خود می پسندند، برای دیگران نیز بپسندند و موفقیت دیگران نیز به منزله موفقیت خود آنها تلقی شود. البته افراد با انگیزه های گوناگون از این قاعده پیروی نمی کنند و آن را زیر پا می نهند. موارد فراوانی از این انگیزه ها را می توان برشمرد که اکنون بررسی می کنیم.

۱. حسادت

۱. حسادت

«حسادت، واکنشی هیجانی است که تقریبا از دو سالگی آغاز می شود و با رشد فرد، ممکن است تا بزرگ سالی ادامه یابد و بنا بر الگوهای مختلف فرهنگی، به صورت های متفاوتی جلوه گر شود. حسادت، پاسخی طبیعی به محرک هاست و هنگامی ایجاد می شود که به اعتقاد فرد، عاطفه، محبت یا نوعی برخورداری را از دست داده باشد. در الگوی حسادت، غالبا نوعی ترس نیز وجود دارد؛ زیرا حسود احساس می کند دیگری عاطفه و محبت فرد مورد علاقه وی را نسبت به او به خطر انداخته یا موقعیت و مقامی را که او انتظار رسیدن به آن را داشته، گرفته است. بنابراین، موقعیتی که حسادت را برمی انگیزد، غالبا یک موقعیت اجتماعی است».(۱)

اسلام، پی آمدهای منفی فراوانی برای حسادت بیان می کند. یک نمونه آن را در داستان حضرت یوسف علیه السلام می بینیم که برادرانش به او حسادت می ورزند. در جریان

۱- محمدمهدی صفورایی پاریزی، مقاله «حسادت، زمینه های رشد و راه های جلوگیری از آن»، مجله معرفت، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ش ۳۸.

این داستان، حسادت چنان قوی است که برادران یوسف حاضر می شوند برای اینکه موفقیت او را نبینند، وی را به چاه اندازند. ازاین رو، حسادت عامل مهمی است که در صورت درمان نشدن، فرد یا جامعه را تباه می سازد. در همین زمینه، قرآن کریم یکی از ویژگی های مشرکان و کافران را حسدورزی به نعمت ها و امتیازهای مؤمنان می شمارد و می فرماید:

ما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ لَا الْمُشْرِکِینَ أَنْ یُنَزَّلَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَیْرٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ اللّهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللّهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظیمِ. (بقره: ۱۰۵)

کافران و مشرکان دوست ندارند خیری از پروردگار بر شما نازل شود و خداوند هر کسی را که بخواهد مشمول رحمت خود قرار می دهد و خداوند دارای فضلی بزرگ است.

الف) آثار حسادت

رفتارهای انسان از جمله حسادت، آثاری دارد. از جمله آثار عمومی حسادت که در کودک و بزرگ سال وجود دارد، خشم است. حسود، به فرد مورد حسادت غضب می کند، چنان که امام علی علیه السلامی فرماید: «أَلْحَسُودُ یَغْتاظُ عَلی مَنْ لا ذَنْبَ لَهُ؛ حسود به کسی که هیچ گناهی ندارد، غضب می کند.»(۱) شاید تنها گناه او، برخورداری از نعمتی باشد که فرد حسود از آن محروم است. چه بسا حسود به دنبال این خشم، حسادت خود را مستقیم یا غیرمستقیم آشکار سازد و فرد مورد حسادت را از نعمت هایی که دارد، محروم کند.

همچنین این اِمکان هست که حسود در برابر هنجارهای مطلوب اجتماعی قرار گیرد و با ایجاد جو منفی، آنها را تضعیف کند؛ زیرا ارزش ها و هنجارها، موانعی بر سر راه آنهاست. برای نمونه، اعراب جاهلی به دلایل گوناگون از جمله حسادت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها کوشیدند ایشان را از میان بردارند یا اینکه معاویه وقتی نام مقدس

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ . ق، ج ۷۳، ص ۲۵۶.

رسول اللّه صلی الله علیه و آله را از مؤذن شنید، گفت: «این مرد (پیامبر) نام خود را بر بالای گل دسته ها برده است. به خدا سوگند، آرام نخواهم نشست، مگر اینکه نامش را دفن کنم».(۱)

رفتارهایی مانند: تکبر، تظاهر، تقلب، ترش رویی، بدگویی از فرد مورد حسادت، گوشه گیری و مانند آن از دیگر آثار حسد است. فرد متکبر، انعطاف لازم را در برابر هنجارها ندارد و با همراه کردن دیگران با خود، نقش آنها را زیر سؤال می برد. گاهی نیز حسود، رفتارهای بهنجار افراطی از خود نشان می دهد، مانند اینکه کودک به صورت غیرعادی به فرد مورد حسادت اظهار علاقه می کند و گاهی با انجام دادن رفتارهای توجه برانگیز می کوشد فرد مورد حسادت را شکست دهد.

ب) حسد در عرصه اجتماعی

حسود به واکنش های درونی درباره فرد یا اجتماع مورد حسادت بسنده نمی کند، بلکه اگر خود به موفقیت هایی شبیه دیگران دست نیابد، بر سر راه آنان مانع تراشی می کند. حال اگر ارزش های حاکم، فرد را از این رفتارها برحذر دارد، او می کوشد با روش های گوناگون، بر سر راه ارزش ها مانع بتراشد. او در این راه تلاش می کند افراد یا گروه هایی را نیز با خود همراه سازد که ما از آنها به عنوان «قربانی» نام می بریم. به عبارت دیگر، این گونه افراد به رفتارهای انفعالی بسنده نمی کنند، بلکه برای تضعیف ارزش ها و فرهنگ جامعه، فعالانه وارد عمل می شوند.

۲. آشکارسازی

۲. آشکارسازی

یکی دیگر از عواملی که موجب ناهم نوایی و مقاومت در برابر ارزش ها و الگوهای اجتماعی می گردد، آشکارسازی است. به طور معمول، رفتار فرد در یک موقعیت، هر اندازه در معرض دید دیگران قرار گیرد، به همان میزان هم نوایی نیز تغییر خواهد کرد.

۱- شمس اللّه مریجی، جامعه شناسی نظم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۲، صص ۸۴ و ۸۵ ، به نقل از: مروج الذهب مسعودی، ج ۳، صص ۸۴ و ۸۵ .

اگر رفتار فرد در معرض نظارت دیگران باشد، چون ممکن است در صورت برآورده نشدن انتظارات از او، به نوعی تنبیه شود، هم نوایی بیشتری را از خود نشان می دهد. پژوهش های روان شناسی اجتماعی نشان می دهد رفتار خصوصی افراد در خلوت با رفتار آنها در برابر جمع متفاوت است.(۱)

آموزه های دینی نیز این نظریه را تا حد زیادی تأیید کرده است. برای مثال، دین، حضور زن و مرد نامحرم در یک مکان خلوت و دور از دید جمع را ممنوع می شمارد؛ زیرا به دلیل نبود مراقبت جمعی در این گونه مکان ها، احتمال انحراف بالا خواهد بود. در عین حال، از جمع نیز می خواهد در برابر رفتار و کنش های افراد بی اعتنا نباشند. آموزه هایی چون امر به معروف و نهی از منکر، تولّی و تبرّی از این دست مقوله ها هستند.

۳. حفظ فردیت فردی

۳. حفظ فردیت فردی

بیشتر انسان ها دوست دارند هویت فردی خویش را حفظ کنند و چون هم نوایی و تسلیم شدن در برابر خواست گروه در بسیاری از موارد این استقلال و هویت را از شخص سلب می کند، افراد ترجیح می دهند در چنین مواردی به ناهم نوایی بپردازند. «فرد می داند که چنین رفتارهایی ممکن است مورد پذیرش و تأیید دیگران قرار نگیرد، ولی در این موارد، انگیزه حفظ هویت، نیرومندتر از انگیزه هم رنگی عمل کرده [است] و مانع از هم نوایی می شود».(۲)

۴. پیشینه موفقیت آمیز

۴. پیشینه موفقیت آمیز

معمولاً افرادی که در مواردی بر دیگران برتری داشته باشند، هم نوایی کمتری از خود نشان می دهند. این قاعده کلیت ندارد، ولی دست کم بسیاری چنین هستند. آنان

۱- یوسف کریمی، روان شناسی اجتماعی، تهران، ارسباران، ۱۳۷۷، چ ۴، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.
۲- جمعی از مؤلفان، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، همت، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

وقتی در موردی خاص تشویق می شونـد، احساس می کننـد شایـد در همه زمینه ها، موقعیت بالاتری نسبت به دیگران دارنـد. نتایـج آزمایش های میـدانی در روان شناسـی اجتماعی نیز این نکته را تأیید می کند. در این آزمایش ها، وقتی از آزمودنی ها خواسته می شود در مـدل طول خطوطی اظهـار نظر کننـد و برای این اظهار نظر تقویت می شونـد، با گروه کمتر هم نوایی می کننـد و کمتر زیر نفوذ آنهـا قرار می گیرنـد. برعکس، آزمودنی هایی که اضـطراب شدیـد دارنـد، هم نوایی بیشتری نشان می دهنـد. همچنیـن عوامـل دیگری ماننـد رتبه و مـوقعیت فرد در گروه و میزان برآورده شـدن نیازهـای فرد در گروه در میزان هم نوایی تأثیر اساسی دارد.(۱)

از طرفی، جـامعه نیز در مواردی این فرآینـد را تشدیـد می کنـد و بـا دادن امتیازهـای نابجا و افراطی به برخی افراد یا گروه ها، زمینـه استفاده نـادرست از مـوقعیت را فراهـم می آورد. نمـونه عینی ایـن فرآینـد آن است که بخشـی از جـامعه، افرادی مـانند بازیگران تلویزیون یا سینما یا ورزش کاران را به عنوان الگویی برای تمام عرصه های زنـدگی معرفی می کنند. افراد جامعه به ویژه جوانـان می کوشـند همه رفتارهای اجتماعی و فردی خود ماننـد آرایش مو، نوع لباس، نوع برخوردهای اجتماعی با مردم و... را بـا این گونه افراد هماهنـگ سازنـد. این در حـالی است که چه بسـا یـک هنرپیشه یـا ورزشـکار تنها در عرصه سـینما یا ورزش موفق است، ولی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی خود بسیار ناموفق باشد. در این میان، چون جامعه رفتارهای ناقض هنجار آنها را تأیید می کند، به آسانی به نقض هنجارها می پردازند و در مواردی دیگران را نیز به این امر تشویق می کنند.

۵. حفظ موقعیت در گروه

۵. حفظ موقعیت در گروه

موقعیت های افراد را در گروه به سه دسته می توان تقسیم کرد: موقعیت بالا، موقعیت متوسط و موقعیت پایین. افراد با توجه به موقعیت هایی که در گروه یا اجتماع

۱- روان شناسی اجتماعی، ص ۱۱۱.

دارنـد، برای حفـظ این موقعیت ها تلاش می کننـد. حال اگر فردی احساس کنـد با هم نوا نشـدن، این موقعیت را از دست می دهـد یا از موقعیتش کاسـته خواهد شد، در هم نوایی و درک جایگاه هنجارهای اجتماعی خواهد کوشـید. در عین حال، فردی که احساس می کنـد با ارتکاب جرم، جایگاه خود را از دست نمی دهـد و شایـد ارتقای رتبه نیز پیـدا می کند، از زیر پا نهادن هنجارهـا یـا اجـابت دعوت جوسازان ابایی نخواهـد داشت. حتی در صورت امکان، به بهانه های مختلف با زیر فشار قرار دادن ارزش ها و هنجارها، در هم نوا کردن دیگران با خود می کوشد.

بایـد دانست افراد کـج رو و ناهم نوا می کوشـند در فرآینـد کـج روی، برای خود همکار و همـدم پیـدا کنند؛ زیرا داشـتن هم دست در ناهم نوایی، فرد را از موقعیت انفعالی خارج می کنـد و به رفتار او مشـروعیت می بخشد. افزون بر آن، کام یابی او را در این مسـیر افزون تر می سـازد و فشارهـای تنبیهی جـامعه را کاهش می دهـد. ازاین رو، افراد می کوشـند برای خود، افراد و گروه های هم دست بیابنـد و با ایجاد جوی خاص به رفتار خود مشـروعیت بخشـند و در عین حال، رفتارهای بهنجار را نیز زیر سؤال ببرنـد. برای مثـال، افراد معتـاد برای آنکه از فشارهـای اجتمـاعی بکاهنـد و خود را در برابر این فشارهـا، تنهـا نبیننـد، می کوشـند افراد دیگری را نیز به اعتیاد بکشانند. در این مرحله، فرآیند جوسازی منفی، آغاز و ارزش های حاکم بر جامعه با خطر تضعیف و حتی نابودی روبه رو می شود.

۶. احساس نیاز یا بی نیازی

۶. احساس نیاز یا بی نیازی

نیـاز یکی از محرک هـای جـامعه بشـری در حفـظ و بقـای آنهـاست. نیازهـا افزون بر اینکه انسان را به جنب و جوش و تحمل سختی ها وادار می کننـد، به زنـد گی او طراوت و معنا می بخشـند. نیاز، عناصـر مطلوب را برای انسان، مطلوب جلوه می دهد. نیاز چنان مهم است که خداوند متعال برای تشویق انسان ها به بندگی به نیاز و فقر ذاتی آنها اشاره می فرماید:

یا أَیُّهَا النّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللّهِ وَ اللّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ. (فاطر: ۱۵)

ای مردم! شما به خدا نیازمند هستید و خداوند بی نیاز و ستوده است.

هر چند نیاز مطرح شده در این آیه، به نیاز انسان به خداوند و خالق خود مربوط

است، ولی باید پذیرفت که عامل نیاز در پدیده های اجتماعی نیز جریان دارد. انسان ها وقتی به ارزش ها احترام می گذارند که احساس کنند زندگی با وجود این ارزش ها و هنجارها با آرامش همراه خواهد بود. این بدان معنا نیست که انسان ها می توانند اهمیت همه هنجارها را درک کنند. ازاین رو، باید انسان، نخست به صورت کامل، تعریف و سپس نیازهای او بر اساس همین تعریف، مشخص شود.

بنا بر آنچه گذشت، نیازها به زندگی ما جهت می دهند و نیازسازی نادرست برای افراد جامعه می تواند آنان را از اهداف و آرمان های خود دور سازد و ارزش های حقیقی انسانی را به خطر اندازد. این امر در یک جامعه اسلامی که دنیا را وسیله ای برای رسیدن به اهداف اخروی می داند، بیشتر معنا پیدا می کند. اگر نیازها به درستی شناخته شوند، موجب حرکت به سوی برآورده ساختن می شوند. کشاورزی که به آب نیاز دارد، می کوشد با برنامه ریزی اساسی، این نیاز را به خوبی برآورده سازد.

برخی نیازها به دلایل مختلف از جمله غیرمادی بودن، زود فراموش می شوند. این امر می تواند جامعه را با آسیب های جدی روبه رو سازد. خداوند در این باره، به افرادی اشاره می کند که هنگام سختی ها به درگاه الهی رو می آورند و خالصانه از او کمک می خواهند، ولی همین که نجات یافتند، خدا را فراموش می کنند:

فَإِذا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللّهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمّا نَجّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذا هُمْ يُشْرِكُونَ. (عنکبوت: ۶۵)

پس هنگامی که بر کشتی سوار می شوند، خدا را با اخلاص می خوانند، ولی هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، ناگاه شرک می ورزند.

۷. نوع بینش

۷. نوع بینش

علم و آگاهی چنان اهمیت دارد که دست کم یکی از مهم ترین اهداف دعوت پیامبران، دعوت پیروان خود به آگاهی و دانش بوده است. پیامبران و رسولان الهی همواره در دعوتشان، دوری از نادانی را سرلوحه شعارهای خود معرفی کرده اند. در

همین راستا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

لا خَیْرَ فِی الْعَیْشِ إِلّا لِرَجُلَیْنِ عالِمٌ مُطاعٌ اَوْ مُسْتَمِعٌ واعٍ.(۱)

زندگی جز برای دو کس فایده ندارد؛ دانشمندی که دیگران سخن او را به گوش جان سپارند و دانش آموزانی که دل و دیده را به سوی دانشمندان جهت دهند.

تأثیر علم و آگاهی در پای بندی به ارزش های اجتماعی از دو جهت قابل بررسی است:

الف) میزان بینش و آگاهی

این انتظار که اعضای جامعه بدون شناخت هنجارها و ارزش ها، آنها را سرلوحه عمل خود قرار دهند، انتظار بی موردی است. اساسا مسئولیت هر فردی بر اساس آگاهی های اوست. مولای متقیان علی علیه السلام بر مسئولیت مضاعف دانشمندان تأکید کرده و پذیرش مسئولیت حکومت را نیز از این منظر لازم دانسته است.

نبود شناخت لازم از محیط و زمان، پی آمدهای بسیار دردناکی دارد که جبران آن در مواردی امکان پذیر نخواهد بود. برای مثال، در واقعه کربلا حتی فرزند پیامبر را خارجی می دانستند و بسیاری به همین بهانه با امام زمان خود جنگیدند. البته زمانی هم انگشت حسرت به دندان گزیدند، ولی دیگر دیر شده بود.

جامعه شناسان به ویژه نظریه پردازان تضاد و ستیز، بر اهمیت آگاهی در جامعه تأکید دارند. مارکس گفته است تا زمانی که کارگران و قشرهای محروم و ستم دیده جامعه به خودآگاهی طبقاتی نرسند، نمی توانند در برابر سرمایه داران و ستمگران قد علم کنند و به اهداف اجتماعی خود دست یابند و همین امر، سرمایه داران را در حاشیه امن قرار خواهد داد.(۲)

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۹، چ ۳۹، ج ۱۹، ص ۳۹۶.
۲- تامین ملوین، جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا، ۱۳۸۱، چ ۳، ص ۹.

ب) کیفیت و نوع آگاهی

اعتقاد نادرست به ارزش ها و هنجارها نیز آنها را در معرض فشار و تهدید قرار می دهد و افراد را به جوسازی و غوغاسالاری برمی انگیزاند. برای نمونه، فردی که حجاب را مانع زندگی خود می داند و احساس می کند با داشتن حجاب، از بسیاری موقعیت های اجتماعی محروم شده است، بدان بی رغبت می شود و با روش های گوناگون برای زیر سؤال بردن آن می کوشد. از دیگر مصداق های بینش نادرست در مورد هنجارها، در روزهای اول انقلاب، به احترام گذاشتن بدون آگاهی برخی از مردم به سادات می توان اشاره کرد. این امر سبب گردید سید ابوالحسن بنی صدر را به دلیل سید بودن به ریاست جمهوری بر گزینند.

جوسازان و غوغاسالاران در پرتو همین نقطه ضعف ـ بینش ناقص یا نادرست ـ به تضعیف نهادهای جامعه از جمله نهاد تعلیم و تربیت می پردازند و بر سر راه آموزش درست افراد، مانع ایجاد می کنند تا به اهداف خود برسند. همچنین از ناآگاهی اعضای جامعه سوء استفاده می شود، مانند آنچه امروزه افراد یا گروه هایی با استفاده از ناآگاهی مردم، ارزش های جامعه غربی را معیاری برای ارزیابی و تأیید یا ردّ آموزه های دینی معرفی می کنند.

۸. راحت طلبی و استقامت نورزیدن

۸. راحت طلبی و استقامت نورزیدن

یکی از لوازم ایمان به ارزش ها، تعهد عملی به آنها و استقامت ورزیدن و پایداری کردن در جهت حفظ آنهاست. خداوند متعال در وصف مؤمنان واقعی می فرماید:

إِنَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ أَلّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ. (فصلت: ۳۰)

آنان که گفتند پروردگار ما خداست و بر این گفته استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنها نازل می شوند [و می گویند:] نترسید و غمگین مباشید. بشارت باد بر شما به بهشتی که به شما وعده داده شده است.

راحت طلبی در فرد و نبود استقامت در افراد جامعه، آسیب های جدی بر ارزش های

دینی جامعه اسلامی وارد می سازد. علی علیه السلام در دوران خلافت خود بارها از راحت طلبی مسلمانان و ناپایداری یاران خود شکوه کرد. برای مثال، در بیان جهادگریزی کوفیان می فرمود:

هرگاه شما را به جهاد با دشمنانتان می خوانم، چشمانتان در کاسه می گردد؛ گویی به گرداب مرگ افتاده اید یا در فراموشی و مستی به سر می برید. باب فهم سخنانم بر شما بسته است؛ گویی دیو در دلتان جای گرفته [است] و دیوانه اید.(۱)

امام در جایی دیگر درباره همین خصلت کوفیان می فرماید:

هرگاه لشکر کوچکی از شامیان به سرزمینتان نزدیک شود، هنر مردانتان این است که در خانه های خویش را فرو بندند و چونان سوسمار به سوراخ های خویش خزند یا همانند کفتاران گریزگاهی جویند... . شما در صحنه حرف و شعار، بسیارید، ولی در پس پرچم های پیکار، اندک.(۲)

به هر حال، استقامت و صبر، پیروزی و ماندگاری را به ارمغان می آورد و ناپایداری و ناشکیبایی در برابر سختی ها نیز نتایج نامطلوبی بر جای خواهد گذاشت. خداوند می فرماید:

یـا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ما لَکُمْ إِذا قیلَ لَکُمُ انْفِرُوا فی سَبیلِ اللّهِ اثّاقَلْتُمْ إِلَی الْأَرْضِ أَ رَضیتُمْ بِالْحَیاهِ الدُّنْیا مِنَ الْآخِرَهِ فَما مَتاعُ الْحَیاهِ الدُّنْیا فِی الْآخِرَهِ إِلّا قَلیلٌ إِلّا تَنْفِرُوا یُعَذِّبْکُمْ عَذابًا أَلیمًا وَ یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ وَ لا تَضُرُّوهُ شَیْئًا وَ اللّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. (توبه: ۳۸ و ۳۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود در راه خدا بسیج شوید، کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت بسیار

۱- علی شیخیان، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، دبیرخانه مجلس خبرگان، ص ۴۵۴، برگرفته از: نهج البلاغه شهیدی، خطبه ۳۴.

۲- همان، خطبه ۶۹.

اندک است. اگر بسیج نشوید [خدا] شما را به عذابی دردناک عذاب می کند و گروهی دیگر به جای شما می آورد و به او زیانی نخواهید رسانید و خداوند بر هر چیزی تواناست.

ص: ۳۷

فصل سوم: زمینه ها و ابزارهای اجتماعی جوسازی و غوغاسالاری

اشاره

فصل سوم: زمینه ها و ابزارهای اجتماعی جوسازی و غوغاسالاری

زمینه ها و ابزارهای اجتماعی جوسازی و هنجارشکنی به صورت کامل تفکیک پذیر نیستند، ولی برای نظم بخشی به بحث ها، آنها را در سه جنبه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بررسی می کنیم. باید گفت این تفکیک به معنای دخالت نداشتن و هم پوشی تمامی جنبه های یادشده نیست.

۱. اقتصادی

اشاره

۱. اقتصادی

زیر فصل ها

الف) بی عدالتی

ب) ترویج فرهنگ مصرف گرایی

الف) بی عدالتی

اشاره

الف) بی عدالتی

اگر عدالت و برابری مایه آرامش و رضایت خاطر جامعه است، به همان اندازه نیز بی عدالتی، تهدیدکننده پویایی، پایایی و اقتدار یک جامعه به شمار می رود و آن را در نزدیک ترین زمان ممکن با تباهی روبه رو خواهد ساخت. وقتی در جامعه شناسی از قشربندی و پایگاه بحث می شود، بحث منابع و عناصر سه گانه قدرت، ثروت و منزلت به میان می آید. آنچه فرد را در جامعه در یک قشر خاص قرار می دهد، دارا بودن یا دارا نبودن یک یا تمام این عناصر است. این عناصر در عین حال که «مطلوب»اند، کم یاب نیز هستند. تقریبا همه افراد جامعه برای دست یابی به این عناصر در تلاشند. ازاین رو، رقابت بر سر این عناصر جزو جدایی ناپذیر زندگی در هر جامعه ای است. اگرچه این رقابت ها کارکردهای مثبتی دارند، ولی منشأ بسیاری از تعارض های اجتماعی نیز می شوند؛ چون بیشتر افراد می کوشند برای رسیدن به عناصر مطلوب، دیگران را از گردونه رقابت بیرون کنند. ازاین رو، واقعیت اجتماعی با بسیاری از آرمان های ما فاصله دارد. نابرابری افراد در توانایی های اجتماعی، نقش فزاینده ای در متفاوت بودن

برخورداری ها دارد.

به طور کلی، اعضای جامعه انتظار دارنـد به صورت عادلانه از موهبت های اجتماعی بهره منـد شوند. در صورتی که این انتظار برآورده نشود، فرصت طلبان بهانه ای به دست می آورند و به هنجارشکنی می پردازند. آنها به این دلیل که بسیاری از اعضای جـامعه نیز از این وضـعیت ناراضـی انـد، همراهی و همکـاری ناراضـیان را با خود خواهنـد داشت. نتیجه این فرآینـد چیزی جز ضعف شدیـد هنجارها و پیرو آن، آنومی یا بی هنجاری نخواهد بود. این همان چیزی است که هنجارشـکنان در پی آنند؛ زیرا با حاکمیت آنومی و آشـفتگی اجتماعی می تواننـد بـدون تحمل فشارهای هنجاری، به رفتارهای انحرافی بپردازند و به اهداف خود دست یابند.

نظریه هـای بسـیاری دربـاره برابری یا نابرابری ارائه شـده است. برخی با تأکیـد بر نابرابری ها، انسان ها را از نظر زیستی و توان جسـمی و فکری، نـابرابر می داننـد. بر همین اسـاس، بهره منـدی نـابرابر انسـان ها را از نعمت ها امری عادی و قاعـده منـد می پندارنـد. در مقابل، گروهی نیز به برابری همه انسان ها باور دارند و بهره مندی برابر از منابع مادی را ضـروری می دانند. تامین می نویسد:

خصایص زیستی تنها زمانی می توانند در فهم سلسـله مراتب قشـربندی دخیل باشند که جزئی از گرایش ها، اعتقادات و ارزش های گروه های اجتماعی بوده و از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده باشند.(۱)

نـابرابری هـا را تنهـا در مسائـل مالی و اقتصادی نمی توان محـدود کرد. با همه اینها بایـد گفت وقتی با نگاه جامعه شـناختی به جوامع گوناگون بنگریم، خواهیم دیـد در حقیقت، این دو مؤلفه در ایجاد نابرابری های دیگر تأثیر اساسـی دارنـد و افراد را در گروه ها و پایگاه های گوناگون جای می دهند. البته

۱- همان، ص ۲۱.

نابرابری ها به هر میزان که باشند، پی آمدهای اجتماعی خود را نیز خواهند داشت. جامعه ای که نتواند این نابرابری ها را به حداقل برساند و بهره مندی عادلانه برای اعضای خود میسر سازد، با گرفتاری ها و پی آمدهای متعددی روبه رو خواهد شد که از آن میان، به تزلزل و نبود ثبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می توان اشاره کرد.

هنجارها و ارزش ها نیز قواعدی را برای رسیدن به این اهداف معرفی می کنند، ولی این واقعیت را بسیاری از افراد و گروه ها نمی پسندند و به جوسازی و غوغاسالاری در برابر ارزش ها و الگوهای هنجاری می پردازند تا به نوعی از این الگوها خلاصی یابند و بر آنها چیره شوند. ازاین رو، آنها نه تنها از وجود بی عدالتی در جامعه رنج نمی برند، بلکه آن را زمینه ای برای آشفته کردن اوضاع می دانند و برای گسترش هر چه بیشتر آن می کوشند. بر همین اساس، باید برای حفظ ارزش ها به ویژه ارزش های جامعه دینی کوشید. تبعیض و نابرابری اقتصادی را می توان در عرصه های گوناگون اجتماعی تحلیل و بررسی کرد. فقر نیز پدیده ای چند بعدی است؛ یعنی جامعه و اعضای جامعه چه بسا در یک یا چند زمینه فقیر باشند و در برخی زمینه ها فقیر نباشند.

یک ــ پی آمدهای بی عدالتی

یک ــ پی آمدهای بی عدالتی

فرهنگ اسلامی به دلیل پیوند با چشمه حکمت و عدالت الهی، برخورداری عادلانه همه انسان ها را از موهبت های معنوی و مادی ضروری می داند. برای هر یک از اقسام بی عدالتی نیز پی آمدهای متعددی برمی شمارد. یکی از مهم ترین پی آمدهای بی عدالتی، فقر اقتصادی است که خود، خاستگاه بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی می شود.

فقر از دو جهت می تواند منشأ این ناهنجاری ها باشد. از سویی، افراد و گروه هایی که به اعمال ناعادلانه دست می زنند، در اصل، رفتار نابهنجار و ضدارزشی دارند. معمولاً چنین افراد یا گروه هایی در دیگر عرصه های اجتماعی نیز رفتارهای نابهنجار و ضدارزشی از خود نشان می دهند. از سویی دیگر، کسانی که در معرض این بی عدالتی ها

قرار می گیرند، در برخی موارد، ناچار به رفتارهای نابهنجار روی می آورند که بخشی از آن، برای جبران محرومیت هایی است که در برابر بی عدالتی ها متحمل شده اند. این کار اگرچه درست نیست، ولی بر اساس چارچوب نظری بیان شده، جای گزین روش های هنجارمند و الگومند است. به ویژه افرادی که از ایمان بالایی برخوردار نیستند، با کمترین فشار به چنین رفتارهایی دست می یازند. برای مثال، برخی با این توجیه که دیگران از بیت المال دزدی می کنند، می گویند همگان می توانند چنین کنند. چنین می نماید که آنها احساس می کنند اعمال خلاف افراد، حقیقت حکم الهی را تغییر خواهد داد. رسول گرامی اسلام می فرماید: «کادَ الْفَقْرُ أَنْ یَکُونَ کُفْرا؛ نزدیک است که فقر، به کفر تبدیل شود.» نتیجه عملی همه این ناهنجاری ها آن است که ارزش ها و هنجارهایی که عامل هم بستگی و حفظ وحدت جامعه هستند، کارآیی خود را از دست می دهد و جامعه از اهداف و ارزش های دینی خود دور می شود.

نظام اقتصادی اسلام، تحقق عدالت را در عرصه اقتصاد از دو طریق پی می گیرد. از یک سو، به همه افراد جامعه حق می دهد که از یک زندگی آبرومندانه انسانی برخوردار باشند و از سوی دیگر، با بیان احکام و روش هایی برای تحقق عدالت، به دنبال متوازن کردن ثروت ها و درآمدهاست. در مقابل، هر نوع تهی دستی و بدبختی و به وجود آمدن فاصله طبقاتی را نتیجه عملی نشدن عدالت می داند و ریشه کنی فقر را برای اجرای عدالت، مؤثر می شمارد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «إِنَّ النّاسَ یَسْتَغْنُونَ إِذا عُدِلَ بَیْنَهُمْ؛ به درستی که مردم، هنگامی که عدالت و انصاف در میان آنها رعایت شود، احساس بی نیازی می کنند».(۱)

در برابر عدالت و برابری، مفهوم بی عدالتی و تبعیض قرار دارد. اصلی ترین عامل بی عدالتی را می توان تبعیض های بی مورد دانست. اگرچه تبعیض در لغت، بار منفی ندارد، ولی آن چنان با بی عدالتی قرین است که هر جا سخن از تبعیض به میان می آید،

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

بی عدالتی نیز در کنار آن می نشیند. لازم است یادآوری شود که این دو مفهوم با فقر رابطه مستقیمی دارند. پس در هر جامعه ای که نابرابری و تبعیض باشد، فقر نیز وجود خواهد داشت.

دو ــ دسته بندی بی عدالتی

اشاره

دو ــ دسته بندی بی عدالتی

زیر فصل ها

اول ــ نابرابری های بین المللی

دوم ــ نابرابری های داخلی

اول ــ نابرابری های بین المللی

اول ــ نابرابری های بین المللی

در زمینه نابرابری های بین المللی می توان به نابرابری کشورها در مقوله هایی همچون امنیت، رفاه و تکنولوژی اشاره کرد.(۱)

دوم ــ نابرابری های داخلی

اشاره

دوم ــ نابرابری های داخلی

بحث اصلی در این پژوهش، در زمینه نابرابری های داخلی است. مقصود از نابرابری های داخلی، نابرابری هایی است که در درون یک جامعه و میان اعضای آن وجود دارد که به برخی از عرصه های مربوط به آن می پردازیم.

۱. نابرابری در کار

۱. نابرابری در کار

کار در اسلام تقدس دارد و بر اساس متون دینی، عبادت به شمار می آید، چنان که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلْکادُّ عَلی عیاله کَالْمُجاهِدِ فِی سَبِیلِ اللّه ؛ کسی که برای برآوردن نیازهای زندگی خانواده اش تلاش کند، همانند

رزمنده در راه خداست.»(۲) ازاین رو، اولیای دین هماره با سفارش به کار کردن، نتایج مثبت آن را برشمرده اند. این در حالی است که بی کـاری، ناپسـند است و خسـتگی روحی و جسـمی را در پی دارد. بی کاری افزون بر مشـکلات روانی فراوانی که برای فرد بـه همراه می آورد، پی آمـدهای اجتمـاعی فراوانی نیز دارد. وقـتی فرد بی کـار اسـت، خـود و خـانواده اش بـا انـواع مشـکلات مادی مانند سوء تغذیه، نداشـتن پوشش مناسب و برخوردار نبودن از سرپناه مناسب، دست و پنجه نرم می کنند. این در حالی است که موارد یاد شده جزو نیازهای ضروری زندگی

۱- از آنجا که بحث نابرابری های بین المللی و داخلی بسـیار گسترده است و به پژوهش جداگانه نیاز دارد، از بحث مستقل در این زمینه خودداری می کنیم.

۲- شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۷.

انسانی است. به جز آن، فرد و خانواده اش از امکانات آموزشی و فرهنگی مناسب برخوردار نخواهند بود. چنین خانواده ای دست کم در برخی موارد، آماده پذیرش انحراف خواهد بود؛ زیرا هم چنان که در چارچوب نظری بحث اشاره شد، فرد اگر نتواند از طریق هنجارهای مرسوم و موجود، نیازهای خود را برآورده سازد، به روش هایی خارج از این الگوها دست می زند.

در این میان، آمار بی کاری در کشور ما با سرعت در حال رشد است، به گونه ای که تقریبا همه نهادهای جامعه به نوعی با این مسئله اجتماعی درگیر هستند.

«بر اساس برآوردهای رسمی، بی کاری در ایران در فاصله آبان ۱۳۷۵ تا پایان ۱۳۸۱ از ۴۵/۱ میلیون نفر به حدود ۴/۳ میلیون نفر، یعنی به ۴/۲ برابر رسیده است.»(۱)

یکی از مهم ترین آثار بی کاری، گسترش فقر در جامعه است که در سرمایه گذاری های صنعتی و پیرو آن، افزایش بیش از پیش بی کاری تأثیر اساسی خواهد داشت.

۲. ثروت های بادآورده

۲. ثروت های بادآورده

توزیع نابرابر ثروت در جامعه بدین معناست که افراد به صورت نابرابر و بدون در نظر گرفتن فعالیت مفیدشان، از ثروت و امکانات مادی جامعه برخوردار شوند. این امر می تواند به دلیل های گوناگون باشد؛ گاهی رانت خواری در جامعه حاکم است و دولت مردان با برخورداری از امتیازهای مختلف، زمینه را برای بهره مندی هر چه بیشتر سرمایه داران آماده می سازند. همچنین به دلیل توجه نکردن به تولید، واسطه گران بدون هرگونه فعالیت تولیدی، به سرمایه های هنگفت دست می یابند. برخی نیز به علت داشتن سرمایه های هنگفت و سپردن آن به بانک و دریافت بهره، بیشترین سوء استفاده را از این وضعیت می کنند. این در حالی است که در یک نظام اقتصادی سالم، چنین سرمایه هایی در چرخه تولید به کار گرفته می شود و دست کم بخشی از مشکلات

۱- فریبرز رئیس دانا، مسائل اجتماعی ایران، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۳، صص ۱۳۹ _ ۱۵۹.

اقتصادی جامعه را حل می کند.

با توجه به این واقعیت، باز در جامعه، افراد یا گروه هایی با انگیزه های گوناگون به جوسازی در برابر اقـدام های بازدارنده می پردازنـد. برای مثال، وقتی مجلس هفتم به تصویب طرحی جهت کاهش سود بانکی پرداخت، بسـیاری به بهانه های گوناگون، این کار را تلاشـی سیاسـی دانسـتند و آن را به زیان اقتصاد کشور ارزیابی کردنـد. برای مثال، مـدیر عامل یکی از بانک ها در همین زمینه گفت: «این طرح، سیاسی است و نه اقتصادی؛ پس باید [آن را] با رایزنی با مقامات کشور حل کرد».(۱)

به طور کلی، هر کاری که به انباشت ثروت در دست برخی افراد خاص، آن هم به صورت ناعادلانه بینجامـد، در عین حال که دیگران را زیر فشار قرار می دهـد، هنجارها و ارزش های جامعه را نیز تهدیـد خواهـد کرد. بررسـی برخی از این فعالیت ها، از واقعیتی خطرناک خبر می دهد. برای نمونه، در یکی از روزنامه ها آمده بود:

سرپرست مجتمع ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی از رسیدگی به پرونده زمین خواری ۲ تریلیون ریالی در این مجتمع خبر داد. به گزارش ایسـنا، موحدی گفت: در این پرونده، ۴۳۳ هکتـار از اراضـی متعلق به دولت و سـرمایه های عمومی به دست برخی از اشـخاص، با شـیوه جعل امضا و سند و مناسبات سوء اداری، تصرف شده که ارزش نسبی ۳۰۰ هکتار از این اراضـی، بیش از ۲ تریلیون ریـال است. وی بـا بیـان اینکه واگـذاری غیرقـانونی اراضـی و تصـرفات زمین، بخش کلانی از مفاسـد اقتصادی است، افزود: این تصـرفات در بسـیاری از موارد، مربوط به اراضـی دولتی و ملی بوده و بـا جعـل امضـای مسـئولان و اسـتفاده از سـند مجعول و پرداخت رشوه صورت گرفته است.(۲)

در جامعه اسلامی، هر مسئولی که در پی رضایت خداوند و بندگان او نباشد، جایگاه مشروعی ندارد، چنان که به فرموده رهبر معظم انقلاب، مسئولانی که موازین

۱- روزنامه هم بستگی، ۳۰/۱۰/۱۳۸۳، ص ۱.

۲- روزنامه جام جم، ۱۴/۴/۱۳۸۳.

شرعی مربوط به شغل خود را رعایت نکنند، درواقع، از مقام خود معزول هستند:

اگر کسی قدم را کج بگذارد و از این راه (تعهد به خدا و قانون) منحرف شود، چه رهبری باشد، چه رئیس جمهور و چه دیگر مسئولان پیش از آنکه ساز و کار اجرایی برای کنار گذاشتن آنها به کار بیفتد، چون فاقد شرط می شوند، خودشان معزول و کنار رفته اند.(۱)

مسئله عدالت چنان اهمیتی دارد که مولای متقیان علی علیه السلام درباره اموالی که خلیفه سوم از بیت المال خارج کرده و به افراد مورد نظر خود بخشیده بود، فرمود:

به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده باشند؛ زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است.(۲)

رهبر معظم انقلاب در زمینه توزیع نابرابر ثروت می فرماید:

شما ببینید با ثروت های بادآورده چه کارهایی می شود! در نظام جمهوری اسلامی، این روش درست نیست، غلط است. مسئولان باید مراقبت کنند. ... مسئولان باید دنبال عدالت باشند؛ دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرهنه ها باشند. کسانی که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز... همین قشرهای محروم... که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می روند دفاع می کنند و سینه سپر می کنند.(۳)

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، نرم افزار ساقی مهر، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ۱۳۸۵.
۲- نهج البلاغه دشتی، خطبه ۱۵.
۳- سخنرانی در جمع کارگران و فرهنگیان ۱۴/۲/۱۳۷۹، نرم افزار حدیث ولایت، نسخه ۱/۱، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت اللّه خامنه ای.

متأسفانه در ایران اسلامی هر چه از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی می گذرد، از ارزش ها دورتر می شویم که فساد اقتصادی یکی از مصداق های مهم این فرآیند است. بررسی برخی آمارها این مسئله را تأیید می کند. آمارها نشان می دهند شمار پرونده های مختومه اختلاس، ارتشا و جعل در دادگاه های عمومی از ۱۴ هزار پرونده در سال ۱۳۷۳، به ۱۸۹ هزار در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این بدان معناست که در این مدت، این پرونده ها از نظر کمّی ۱۳ برابر شده است.(۱)

این رشد چنان بود که حضرت آیت اللّه خامنه ای در یک فرمان هشت ماده ای خواستار مقابله فوری و ضربتی با این روند شد.(۲) وقتی فرمان مقام معظم رهبری صادر شد، تشکل های بسیاری به بررسی همه جانبه آن پرداختند. برخی این فرمان را نقطه آغازین رشد و اصلاح نظام اقتصادی دانستند و برخی نیز تنها از آن حمایت زبانی کردند. البته این کار به کام کسانی که از طریق همین فسادها به ثروت های میلیاردی دست یافته بودند، بسیار تلخ آمد. ازاین رو، به بهانه های مختلف از جمله اینکه این کار، امنیت سرمایه گذاری را به خطر می اندازد، به جوسازی در برابر این فرمان پرداختند. این در حالی است که مبارزه با مفاسد اقتصادی، امن ترین فضا را برای سرمایه گذاری فراهم خواهد ساخت که نتیجه آن، رفع معضلات اقتصادی و ریشه کنی فقر و انحراف در جامعه است و زمینه های سودجویی نامشروع امتیازطلبان را از بین می برد.

انتظار می رفت مسئولان کشور در این زمینه با یک دلی کامل، کمبودهای قانونی را برطرف سازند و راهکاری عملی پیشنهاد دهند، ولی نه تنها این انتظار برآورده نشد، بلکه حتی برخی مسئولان، هماهنگ با مخالفان، به بهانه تراشی در برابر اجرای این فرمان پرداختند. توجه به بیان یکی از نمایندگان مجلس ششم که با بهانه هایی، اجرای

۱- روزنامه صدای عدالت، ۱۷/۳/۱۳۸۲.

۲- برای مطالعه مشروح فرمان مقام معظم رهبری، نک: www.aljomeh.com/Welayat/Rahbary/Farman۸htm

این فرمان را زیر سؤال می برد، عمق قضیه را روشن تر می سازد. وی در صحن علنی مجلس گفت:

... مفاسد اقتصادی، واژه ای است که در قوانین موضوعه تعریف نشده و مجازاتی برای آن تبیین نشده است... در شرایط فعلی که تعریف روشنی از مفاسد اقتصادی وجود ندارد، هیچ قاضی نمی تواند کسی را به لحاظ ارتکاب به مفاسد اقتصادی محکوم کند.(۱)

جالب اینکه نمایندگان مجلس در آن دوره، برای تعریف مفاسد اقتصادی، هیچ گامی برنداشتند.(۲) این جوسازی ها چنان شدت گرفت که حتی برخی مسئولان به طور مشخص از برخی مجرمان حمایت کردند، به گونه ای که یکی از مسئولان بلندپایه خطاب به مقامات قضایی کشور اعلام کرد: «اگر فلان شخص [در زمینه مفاسد اقتصادی] تحت تعقیب قرار گیرد و بازداشت شود، من از مقام خود استعفا خواهم کرد».(۳) همچنین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در موضع گیری آشکار در برابر روند مبارزه با مفاسد اقتصادی، با صدور بیانیه ای تأکید کرد که شهرام جزایری (فردی که در عرض چند سال، ۶۵ میلیارد تومان از اموال بیت المال را به نام خود ثبت کرده بود) باید زنده بماند. همه اینها به معنای نادیده گرفتن منافع جمعی مردم و ترجیح منافع فردی و حزبی بر آن است.(۴)

نمونه ای دیگر از این بی مهری ها به فرمان مقام معظم رهبری در ادامه می آید که

ص: ۴۷

۱- روزنامه هم بستگی، ۹/۱۱/۱۳۸۰.

۲- ازاین رو، مقام معظم رهبری از کوتاهی مجلس ششم گلایه کرد و در دیدار با نمایندگان مجلس هفتم فرمود: «آن روزی که بنده مسئله مبارزه با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم، اما متأسفانه این طور نشد. آنها نکردند، شما نمایندگان مجلس هفتم بکنید.»، ۲۷/۳/۱۳۸۳.

۳- روزنامه کیهان، ۱۰/۲/۱۳۸۱.

۴- اقدام هایی مانند حمله به بازداشت عضو معاند یا مرتد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که مبانی دینی را زیر سؤال برده و توهین های فراوانی به اسلام و اهل بیت روا داشته بود، موجب شد تا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور اطلاعیه ای، این سازمان را نامشروع اعلام کند.

نتیجه آن چیزی جز غارت بیت المال و فقر روزافزون نخواهد بود. بنگرید:

گروهی از مدیران لرستان به حبس، جریمه نقدی و انفصال از خدمات دولتی محکوم شدند. قاضی، ده نفر از مدیران و کارکنان استانداری از جمله شهردار سابق خرم آباد و چند تن دیگر را به اتهام تغییر کاربری باغ هفت هکتاری و خرید و فروش مال غیر، به استناد ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشا، اختلاس و کلاه برداری محاکمه کرد که هشت نفر از آنان را مجرم شناخت و دو تن دیگر را تبرئه کرد. معاون استانداری لرستان، یک مدیر و شهردار سابق خرم آباد که چندی قبل توسط شورای اسلامی شهر استیضاح شد، هر یک به پنج ماه حبس تعزیری محکوم شدند. این افراد از جمله یکی از اعضای سابق شورای شهر با استناد به قانون مجازات مربوط به منافع و سود حاصله نامشروع، هر یک مشمول جریمه نقدی ده میلیارد تومانی شدند که قاضی با استفاده از اختیارات قانونی، جریمه نقدی هر یک را به ده میلیون تومان کاهش داد.(۱)

تخفیف در احکام قضایی اسلام بسیار مناسب است، ولی تخفیف با جرم باید تناسب داشته باشد. چگونه در یک تخفیف، ۹۹۰ میلیارد تومان از اموال بیت المال به مجرمان بخشیده می شود. به جز آن، در احکام اسلامی، بیشترین تخفیف ها در جرم هایی است که جنبه شخصی داشته باشد.

در ادامه، برای نمونه، حکمی را می آوریم که درباره جرایم یقه سفیدان در امریکا صادر شده است:

یکی از شرکای یک شرکت حق العمل کار نیویورک به معاملات غیرقانونی در بانک های سوییس به مبلغ ۲۰ میلیون دلار متهم گردید. وی به زندان تعلیقی به علاوه جریمه ای به مبلغ ۳۰ هزار دلار محکوم گردید. در روزی که این محاکمه انجام شد، همان قاضی در مورد کارمند حمل و نقل سیاه پوست

۱- روزنامه کیهان، ۱۹/۲/۱۳۸۳، ص ۵.

بی کار که یک دستگاه تلویزیون به ارزش ۱۰۰ دلار دزدیده بود، حکمی صادر کرد و به موجب این حکم، او به یک سال زندان محکوم گردید.(۱)

این پدیده در جامعه شناسی، جرایم یقه سفیدان نامیده می شود؛ یعنی افرادی که پست های سازمانی مهمی دارند، در عین حال که جرایم بسیار پرهزینه و مهمی را مرتکب می شوند، کمترین مجازات را می بینند.

اگر به چنین وضعیتی در جامعه غیرالهی و غیردینی غرب خرده می گیریم، روی دادن آن در جامعه دینی ما که الگوی حکومتی خود را حکومت علوی می دانیم، جای هیچ توجیهی ندارد. شهید عدالت، حضرت علی علیه السلام چنان در حفظ بیت المال حساسیت نشان می داد که می فرمود: «قلم هایتان را نازک کنید و میان سطرها را فاصله کم دهید تا کاغذ کمتری مصرف شود.»(۲) حال اگر در جامعه اسلامی مفاسد کلان اقتصادی شکل گیرد، نتیجه ای جز بدبینی افراد به ارزش ها و هنجارها نخواهد داشت و آنها را برای حرکت در مسیر جوسازی کمک خواهد کرد.

خصوصی سازی افراطی و بدون برنامه نیز یکی از مظاهر بی عدالتی در عرصه اقتصادی است. در این میان، به فروش بدون مزایده هتل لاله از سوی سازمان میراث فرهنگی و فروش کارخانه ایران رشت (تولیدکننده وسایل الکتریکی) می توان اشاره کرد.

۳. نابرابری در بهداشت

۳. نابرابری در بهداشت

بی عدالتی در این عرصه نیز زمینه های بسیاری را برای هنجارشکنی فراهم می آورد. اگر چه این هنجارشکنی به معنای جوسازی نیست، ولی بسیاری از افراد در برابر این نابرابری ها، یا هنجارها را زیر پا می نهند یا به جوسازی و غوغاسالاری می پردازند. با این حال، گروهی با انگیزه های گوناگون از جوسازان حمایت می کنند. فساد و بی عدالتی در این زمینه نیز ناشی از فساد در اقتصاد کلان کشور است.

ص: ۴۹

۱- جامعه شناسی، ص ۱۷۸.

۲- نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۰.

وجود نـابرابری در امکانـات بهـداشتی در کشور، واقعیتی انکارناپـذیر است. بـا بررسـی آمارهای رسـمی می توان بیشتر از این واقعیت آگـاه شـد. بر اسـاس این آمارها، میان گروه های مختلف اجتماعی، تفاوت های چشم گیری هست. بر اساس میانگینی که از محاسـبه جدول هزینه ها در خانوارهای شـهری و روسـتایی به دست آمده، میانگین هزینه های غیرخوراکی (شامل هزینه های بهداشتی و پزشکی و...) در میانه سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ در یک خانواده شهری، ۱۸۶۶۲۳۴ ریال و در خانواده روستایی تنها ۸۱۹۰۱۲ ریـال؛ یعنی حتی کمتر از نصف هزینه یـک خـانوار شـهری بوده است.(۱) البته در این آمـار، میـان یک خانواده شهری مرفه و غیرمرفه، تفاوتی در نظر گرفته نشـده است. در صورت وجود چنین آماری، تفاوت بسـیار چشم گیر خواهـد شد. همه این نمونه ها همان چیزی است که جوسازان و غوغاسالاران درصدد سوء اسـتفاده از آن هسـتند. ازاین رو، بسیار دیده می شود که افراد یا گروه های جوساز با تحت پوشش قرار دادن افراد بی نصیب، چهره موجهی برای خود می سازند و از این مسیر به ایده ها و عقاید خود مقبولیت می بخشند.

امروزه سـیاست های غلط و نسـخه برداری شـده از جوامع غیردینی، آسـیب های جدی به این عرصه وارد ساخته است. کاهش سرانه بهـداشت در کشورمـان، نتایـج ناگواری در پی خواهـد داشت و گروه های محروم بیشترین آسـیب را خواهنـد دیـد. این فرآینـد موجب شـده است که خـدمات بهـداشتی و درمـانی، هم از جهت کیفی و هم از جهت کمّی تنزل پیـدا کنـد. سیاسـت خصوصی سازی بی رویه در زمینه بهداشت نیز در گسترش این مشکل، سهم اساسی داشته است.(۲)

۴. نابرابری های اجتماعی

۴. نابرابری های اجتماعی

برخی بی عدالتی ها به منظور تخریب فرهنگ حاکم بر جامعه دینی رخ می دهد که از

ص: ۵۰

۱- نک: مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۳۹.

۲- توکلی، رئیس مرکز پژوهش های مجلس، روزنامه کیهان، ص ۴.

آن جمله می توان به نبود شایسته سالاری در عزل و نصب ها و نبود بهره مندی عادلانه از امکانات آموزشی اشاره کرد. از آنجا که در فرهنگ اسلامی، اصلاح حاکمان و مسئولان در هر رده شغلی، اقدامی اساسی جهت اصلاح اعضای جامعه است، عزل و نصب های بی مورد و بدون توجه به تعهد و تخصص، پی آمدهای منفی برای جامعه اسلامی دربردارد. نبود فرصت های برابر برای همه افرادی که شایستگی خدمت به مردم را در موقعیت های مختلف حکومتی دارند، نمونه دیگری از جمله بی عدالتی است. حضرت علی علیه السلاماز گماردن افراد نالایقی مانند طلحه و زبیر به کارهای حکومتی سر باز زد و در مواردی که افراد گمارده شده، بی لیاقتی نشان دادند، آنها را عزل کرد. مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید:

يُسْتَدَلُّ عَلی إِدْبارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْاُصُولِ و التَّمسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَراذِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفاضِلِ.(۱)

چهار چیز سیر قهقرایی دولت ها را فراهم می کند: از بین بردن امور اساسی، چسبیدن به کارهای فرعی، آوردن انسان های پست به عرصه مسئولیت ها و کنار نهادن انسان های بافضیلت.

بی شک، هدف نظام جمهوری اسلامی نیز شایسته سالاری و حاکمیت افراد متعهد و متخصص است. ازاین رو، وقتی ثابت شد بنی صدر به کشور و دین خیانت کرده است و تقوای لازم را برای اداره مقام ریاست جمهوری ندارد، امام وی را از این مقام عزل کرد. همچنین مقام معظم رهبری وقتی بی لیاقتی رئیس دفتر رئیس جمهور را دید، رئیس جمهور را به انتخاب فردی صالح برای تصدی این پست توصیه فرمود.(۲)

ب) ترویج فرهنگ مصرف گرایی

ب) ترویج فرهنگ مصرف گرایی

یکی دیگر از ابزارهایی که هنجارشکنان برای تضعیف و نابودی هنجارهای دینی

۱- احمد علی قانع، علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۴۴.

۲- سخنرانی در جمع اعضای هیئت دولت، ۵/۶/۱۳۸۰ .

به کار می برنـد، ترویج فرهنگ مصـرف گرایی به سـبک جوامع غربی است. جوامع امروزی، جوامعی صـنعتی یا به تعبیر بهتر، جوامع فراصنعتی هستند. از ویژگی های اصلی این گونه جامعه ها، تولید انبوه و حتی بیش از حد نیاز است و صاحبان صنایع و سرمایه، در یک زنجیره پایان ناپـذیر، تولیـد می کننـد. این در حالی است که چنین زنجیره ای، در بازار مصـرف وجود نـدارد. آنها با روش های گوناگون در ایجاد این زنجیره و جبران کمبود بازار مصـرف می کوشـند. از سویی، با توجه به مکانیزه شدن ابزارهای تولید و نظارت، «مازاد اقتصادی» نیز به شدت در حال افزایش است.(۱) بدین ترتیب، مازاد اقتصادی چنان افزایش می یابـد که صاحبان سـرمایه را به خرج های بی مورد و اضافی مانند تفریح های گران قیمت (تفریح های ساحلی و خرید ویلاها، خودروهـا و ساختمـان هـای گران قیمت) و پـاداش دهی به مـدیران وادار می کنـد. این فرآینـد سـطح تورم را بالا می برد و بر ترویج مصرف گرایی و رفاه طلبی تأثیر اساسی دارد.(۲)

در مقابل، در جامعه دینی، ارزش های دینی و هنجارهای برخاسـته از آنها در تمام مراحل زندگی حاکمیت دارد و روح دین و ارزش های دینی با روند یادشده مخالف است.(۳) اسلام بر استفاده از نعمت های الهی تأکید ورزیده است و حتی قوم یهود را به این دلیل که نعمت های الهی را خودسـرانه بر خود حرام کرده انـد، توبیخ می کند، ولی هرگونه اسـراف و تبذیر را زشت و حرام می دانـد. به هر حال، نمی توان پـذیرفت که در یک جامعه اسـلامی، افراد و گروه هایی زیر خط فقر زنـدگی کنند و در تأمین نیازهای ضروری خود ناتوان باشند و گروه اندکی چنان سرمایه ای داشته باشند که ندانند آن را چگونه خرج کنند.

بررسـی هـای تـاریخی جـامعه ایران نشـان می دهـد این جـامعه، جـامعه ای قانع است، ولی با ورود دولت های اسـتعماری، این کشورها برای افزایش تولیدات خود، با نقشه های

۱- مازاد اقتصادی عبارت است از تفاوت هزینه های تولید و به تعبیر عامیانه تر، سود حاصله از تولید.

۲- نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ص ۲۶۴.

۳- البته اسلام با تفریح و شادی مشروع مخالف نیست، بلکه با اسراف و بی توجهی به مشکلات محرومان مخالف است.

استعماری، در رواج فرهنگ مصرف گرایی کوشیده اند؛ زیرا بازارهای داخلی آنها اشباع شده بود و در پی بازارهای بزرگ خارجی برای فروش کالاهای خود بودند. با توجه به اینکه دولت های پیش از انقلاب در سیاست گذاری ها و تصمیم گیری هایشان استقلال نداشتند، دولت هایی مانند انگلیس و امریکا موفقیت بسیاری در این زمینه به دست آوردند. با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، فرهنگ مصرف گرایی تا حدّی فراموش شد، ولی متأسفانه پس از پایان جنگ و پایان یافتن برخی مشکلات مادی، افراد و گروه ها و حتی دولت ها به تبلیغ رفاه طلبی پرداختند. بدین ترتیب، تا حد زیادی فرهنگ قناعت کم رنگ شد. این در حالی است که امام صادق علیه السلام پس از بیان امتیازهای خاص شیعیان اهل بیت علیهم السلام، یکی از اوصاف مهم شیعه را قناعت می داند و می فرماید: «... وَ إِنَّ فُقَرَاءَ کُمْ لَأَهْلُ الْغِنَی وَ إِنَّ أَغْنِیَاءَکُمْ لَاَهْلُ الْقَنَاعَهِ؛ به درستی که فقیران شما اهل غنا و بی نیازی هستند و به یقین، توانگران شما اهل قناعت هستند».(۱)

امروزه در جامعه ما، بیشترین و گران ترین مصرف، ارزش دانسته می شود. این در حالی است که علی علیه السلام، بهترین و پاک ترین زندگی را زندگی همراه با قناعت معرفی می کند.(۲) رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیئت دولت، آنها را به پرهیز از تجمل گرایی فراخواند و درباره پی آمدهای این پدیده شوم فرمود:

از جمله چیزهایی که حرکت به سوی عدالت را در جامعه کند می کند، اشرافی گری مسئولان بالای کشور است. اشرافی گری حتی اگر از نوع حلال باشد، دو عیب دارد؛ اولاً اسراف است و عیب دوم که بدتر است اینکه بر اثر آن، فرهنگ سازی منفی و مسابقه مادی در جامعه صورت می گیرد. یک وقتی شنیدم سنگ نمای ساختمان یکی از وزارت خانه ها را تخریب کرده و سنگ های گران قیمت نصب کرده اند. وقتی که از وزیر مربوطه توضیح

۱- اصول کافی، ج ۸ ، ص ۲۱۴.

۲- عزالدین ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه عمومی آیت اللّه مرعشی نجفی، ۱۳۶۶، چ۱، ج۱۹، ص۵۵.

خواستم، گفت: خواستیم با این کار مشتریان خارجی را جلب کنیم. این چه منطقی است؟ به او گفتم: شما می توانستید در قسمتی از وزارت خانه تابلوی بزرگی را درست کنید و سنگ های گران قیمت را در آنجا قرار داده و در معرض مهمانان خارجی قرار دهید تا مشتری پیدا شود.(۱)

بنابراین، سیاست های نهادها هرچند هم قوی و با پشتوانه تحقیقاتی باشد، ولی اگر فرهنگ صرفه جویی میان مردم به ویژه مسئولان که بودجه های کلان را در دست دارند، اعمال نشود، باز نتیجه کار رضایت بخش نخواهد بود. صرفه جویی در نهادهای دولتی حتی در میزان اندک می تواند خانواده های بسیاری را از رفاه نسبی برخوردار سازد.

در نتیجه گیری کلی می توان گفت فرهنگ مصرف گرایی افزون بر اینکه بر گروه های فقیر جامعه فشار فراوانی وارد می سازد، موجب وابستگی جامعه نیز می شود؛ زیرا ورود کالاهای خارجی به همراه فرهنگ آن جوامع، هنجارهای جامعه واردکننده را تضعیف می کند. بر همین اساس، در جامعه ایران، افرادی که لباس های خارجی با مدل های خاص می پوشند، تلاش می کنند تمام پی آمدهای این نوع پوشش مانند مد مو و رفتارها و گفتارهای دیگر را نیز با آن هماهنگ سازند. به طور معمول، چنین افرادی پای بندی کمتری به آداب و ارزش های دینی و حتی ملی دارند. از طرفی، وابستگی به جوامع غیر هم سو در مسائل مادی موجب وابستگی در مسائل فرهنگی نیز می شود که این همان خواست جوسازان و غوغاسالاران است.

۲. فرهنگی

اشاره

۲. فرهنگی

زیر فصل ها

الف) حمله به مقدسات

ب) ترویج پلورالیسم و تعدد قرائت ها

ج) بی اعتنایی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

د) از خودبیگانگی

هـ) تهاجم فرهنگی

و) تأکید بر آزادی های بی حد و مرز

ز) نبود مقبولیت کافی در هنجارها

ح) القای ناسازگاری میان ارزش ها و منافع فردی

ط) ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش ها و دین

ی) ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی

ک) وابسته دانستن ناکامی ها به پیروی از ارزش ها و تعارض آن با دانش بشری

ل) ترویج بدعت و خرافه در لباس دین

م) الگوسازی کاذب در برابر الگوهای دینی

ن) معرفی تعصب دینی به عنوان واپس گرایی

س) در حاشیه قرار گرفتن دین

الف) حمله به مقدسات

الف) حمله به مقدسات

گروه های غوغاسالار افزون بر اینکه در راه تبلیغ ارزش های جامعه دینی

ص :۵۴

۱- نرم افزار حدیث ولایت، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (حفظ و نشر آثار حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدظله العالی، ماده «اشرافی گری». (با گزینش)

سنگ انـدازی می کننـد، با سـرمایه های شخصـی و دولتی (ماننـد اسـتفاده از سـرمایه برخی NGO هـا) به ترویـج ارزش های ضـددینی در جـامعه می پردازنـد. جـالب اینکه این گـونه افراد مسـئولیت هـای مهمی نیز دارنـد و بـا سوء اسـتفاده از امکانـات عمومی، در کنار ترویـج ارزش های غیردینی، ارزش های دینی را به سـخره می گیرنـد.ماننـد آنچه وزیر دولت پیشـین گفت: «نظریه غیرت دینی، ویران کننـده انـدیشه و فرهنـگ و تمـدن است.»(۱) یـا در جـای دیگری بیـان کرد که: «برخورد بـا توهین کنندگان چون منجر به اشاعه توهین می شود، خود، اشاعه فحشاست.»(۲) جوسازان با حربه های مختلف مانند معرفی اسلام به عنوان مکتب خشونت، در تضعیف هنجارهای دینی می کوشند و هنجارهای ضد آن را جای گزین می کنند.

نمـونه دیگری از جوسـازی هـا و غوغاسالاـری هـا کـه بی شـرمانه تریـن آنهـا نیز بـه شـمار می رود، زیر سـؤال بردن عصـمت معصومین علیهم السـلام است. یکی از مصداق های اهانت به مقدسات، سـخنرانی در یکی از اعضای گروه های سیاسی کشور خانه معلم همـدان بود. وی در این سـخنرانی با اهانت به ائمه و زیر سؤال بردن عصـمت آنها، اهانت هایی نیز به نظام روحانیت روا داشت. او گفت امامان لاهوتی نیسـتند و این روحانیون هسـتند که از لاهوتی کردن امامان، سود می برند. این شخص بارها در سـخنرانی هایش به تقلید از مارکس، دین را افیون توده ها می داند؛ حتی به همین بسنده نمی کند و دین را افیون حکومت ها نیز معرفی می کند.(۳)

در چنین مواردی، نهادهای مسـئول وظیفه دارند از مقدسات دفاع کنند و عرصه را برای چنین اقدام هایی تنگ سازند. درحالی که در عمل این گونه نیست و بسیاری از نهادها یا افراد مسئول نه تنها در برابر این اقدام های موذیانه خود واکنش جدّی نشان

ص: ۵۵

۱- تهاجم شیطانی، به نقل از: روزنامه آریا، ۱۶/۱/۱۳۷۹.

۲- روزنامه اخبار اقتصاد، ۵/۷/۱۳۷۸، ص ۱۱.

۳- تهاجم شیطانی، ص ۲۹، به نقل از: روزنامه کیهان، ۲۹/۵/۱۳۷۹.

نداده، بلکه در بسیاری از موارد، با سرزنش واکنش های صورت گرفته و جوسازی های مختلف، عرصه را برای اجرای احکام اسلامی تنگ کرده اند.

ب) ترویج پلورالیسم و تعدد قرائت ها

ب) ترویج پلورالیسم و تعدد قرائت ها

تعدد قرائت ها «عبارت است از پذیرفتن چند معنای غیرقابل جمع برای یک متن. این معانی گرچه فی حد نفسه قابل جمع نیستند، ولی قابل جمع تلقی می شوند».(۱)

مبنای تکثر گرایی، اندیشه هرمنوتیک در غرب است که بر اساس بسیاری از شاخه های آن، نسبیت در فهم به رسمیت شناخته می شود. بر این اساس، هر فردی که با متنی روبه رو می شود، آن را بر اساس دانسته هایش تفسیر می کند. در این دیدگاه، هیچ عالمی نمی تواند با ذهن خالی و بدون نگاهی خاص به سراغ متون دینی برود و به فهم مراد شارع نزدیک گردد. بر اساس این ایده، هر فهمی از دین از سوی هر کسی و با هرگونه تخصصی، درست و قابل جمع است.

تلقی قابل جمع بودن معانی به دو صورت توجیه می شود: یکی اینکه لفظی، دو یا چند معنای متضاد داشته باشد و همه آنها نیز درست باشند. دوم اینکه هیچ یک از این معانی در مقام عمل بر دیگری برتری ندارد و هر کدام را که بپذیریم، صحیح است، گرچه ندانیم کدام یک مطابق با واقع است.(۲) ازاین رو، حق و باطل و فهم مطلق در این حیطه جایگاهی نخواهد داشت. یکی از مدعیان و حامیان این نظریه می گوید: «اینکه پیامبران، دین خود را تبلیغ می کردند و به پلورالیسم دینی هم نمی اندیشیدند، حرف درستی است، ولی ما نیامده ایم پیامبری کنیم. ما که بیرون از ادیان می ایستیم، اگر به رأی پلورالیسم رسیدیم، به مقتضای پلورالیسم عمل می کنیم. البته پیامبر آمده است تا یک دین به ادیان اضافه کند و کار خود را کرد. حالا ماییم و این کوره پلورالیسم که آن را

۱- محمد تقی مصباح یزدی، تعدد قرائت ها، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۱۴.

۲- همان، ص۱۴.

به رسمیت بشناسیم یا نه».(۱)

کوره پلورالیسم بسیار داغ است و بررسی همه جانبه آن در این مجال ممکن نیست. در این مجال کوتاه، اشاره وار می توان گفت این گونه ادعاها لوازم باطل متعددی دارد:

۱. با این مبنا، فهم سخن خود انسان و هیچ سخن دیگری امکان پذیر نخواهد بود؛ زیرا اگر متون دینی، صامت هستند و جز آنچه مخاطب به آن می دهد، هیچ بار معنایی ندارند، هر متن و سخنی حتی ادعای پلورالیسم، این گونه خواهد بود؛ یعنی هیچ کسی حق نخواهد داشت قضیه ای را به صورت مطلق، حق و صحیح بداند. ازاین رو، درست بودن ادعای شخص معتقد به پلورالیسم نیز زیر سؤال خواهد رفت؛ زیرا دیگرانی نیز هستند که متون دینی را صامت نمی دانند. بنابراین، حتی بر اساس مبنای تکثرگرایی نمی توان آنها را بازخواست کرد. به عبارت دیگر، یکی از لوازم این سخن آن است که نه تنها فهم متون دینی، بلکه فهم هیچ متن و سخنی امکان پذیر نخواهد بود. لازمه پذیرش این سخن، آن است که ادعای تکثرگرایی نیز زیر سؤال برود.

۲. بحث های مربوط به علوم انسانی و دینی بحث هایی نیست که در آزمایشگاه بررسی شود، بلکه بهترین آزمایشگاه این ادعا، عرف مردم است. ازاین رو، وقتی کسی خبر مرگ شخصی را می رساند، افراد جامعه از این خبر معنای زنده شدن او را نمی فهمند. قاعده در این گونه موارد آن است که بدانند آیا گوینده در مقام بیان مقصود خود هست یا نه؟ اگر این گونه بود، به معنای ظاهری کلام اعتبار می دهند و با توجه به مکان، زمان و موقعیتی که در آن سخن گفته شده است، کلام را معنا می کنند، ولی اگر گوینده در مقام بیان معنا و مقصود نباشد، باز پلورالیسم معنا نخواهد داشت؛ زیرا سخن گوینده اصولاً عبارتی بی معنا خواهد بود. ازاین رو، در مورد هر واژه ای که او به کار برده است، تمامی معانی ممکن به ذهن می رسد و در عین حال، مجاز نخواهیم بود این معانی را بر کلام گوینده حمل کنیم.

۱- عبدالکریم سروش، کتاب نقد، سال دوم، ش ۵ و ۶ ، ص۳۴۴.

۳. مقصود از وضع عبارت ها، جمله ها و واژگان، برقراری ارتباط آسان میان انسان هاست. حال اگر بگوییم هر کسی به سلیقه خود می توانـد از یک جمله، برداشت شخصـی خود را داشـته باشـد، این برداشت با هدف آسان شدن ارتباط، متناقض خواهد بود و بـا توجه به اصـل تنـاقض، ادعـای پلوراليسم نیز به آسـانی باطـل می شود. تنـاقض دیگر در این زمینه، این است که لازمه پـذیرش پلوراليسم، پـذیرش چنـد معنای متضاد در مورد یک جمله یا عبارت است. ماننـد اینکه بگوییم پلوراليسم هم به معنای کثرت معـانی و هم به معنای وحـدت معناست. هم چنان که لازمه پـذیرش پلوراليسم اخلاقی آن است که یک عقیـده و عمل، هم صحیح و هم نادرست باشد.

به هر حال، باید بدانیم که ما در پی مفهوم سـخن گوینده _ که در بحث حاضـر، شارع است _ هستیم وگرنه با اندک ارتباطی می توان معانی گوناگون را بر یک متن تحمیل کرد. برای مثال، وقتی در علم رایانه، سـخن از نرم افزار به میان می آید، کسـی که با این حوزه علمی آشـنا نیست، چه بسا احساس کند که نرم افزار چیزی است که نرم بوده و مشت پرکن است، درحالی که نه تنها چنین معنایی به ذهن یک فرد آشـنا با دانش خطور نمی کنـد، بلکه چنین معنایی برای او خنده دار خواهد بود. از همین جـا روشن می شود که برای فهم هر متنی، مواد اولیه لازم است. البته نبایـد فراموش کرد که این مواد اولیه یا مقـدمات، بایـد با حوزه ای که این متن و سـخن در آن صادر شده است، متناسب باشد. ازاین رو، نمی توان برای فهم متون دینی با هر مواد اولیه ای به سـراغ متون دینی رفت و آن را تفسـیر کرد و آن گاه آن را بیان شارع دانست. لازمه پای بندی به چنین مبنایی، آن است که اگر کسـی از مـا آب خواست، به او نـان دهیم و بگوییم که مـا این گونه می فهمیم. اساسـا بنابراین انـدیشه، یادگیری زبان هـای مختلف بی معنـا خواهـد بود؛ زیرا این گونه آموزش هـا برای فهمیـدن مقصود متکلم است، درحـالی که بر اسـاس مبنای پلوراليسم، واژگان نمی توانند مقصود متکلم را به ما برسانند.

از سـوی دیگر، بایـد توجه داشت که پـذیرش پلوراليسم در حوزه مسائـل اخلاـقی و عملی، بسـیار مشـکل سـازتر است؛ زیرا بر اساس این مبنا نمی توان کسی را به خاطر

ص :۵۸

رفتارش بازخواست کرد؛ چون او عـذر خواهد آورد که من اخلاق را این گونه می فهمم. ازاین رو، فلسـفه اخلاق، ارزش ها و ارسال پیامبران بیهوده خواهـد نمود. چنین افراد و گروه هایی با توجه به لوازم خطرناکی که این پدیده در پی دارد، به ترویج و گسترش آن می پردازند تا با آزادی ها و بی قیدی ها، خواسته هایشان را عملی سازند.

در روایت هـای بسـیاری، از تفسـیر به رأی قرآن و حتی روایات نهی شـده ایم. برای نمونه، رسول گرامی اسـلامی می فرمایـد: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْیِهِ، فَقَدِ افْتَری عَلَی اللّه ِ الْکَذِبَ؛ هر کس قرآن را به رأی و نظر خودش تفسیر کند، پس به یقین، به خداوند تهمت (دروغ) زده است.»(۱) همچنین می فرمایـد: «ما امَنَ بِی، مَنْ فَسَّرَ بِرَأْیِهِ کَلامِی؛ هرکس سـخنم را به رأی و نظر خودش تفسیر کنـد، به من ایمان نیاورده است.»(۲) حال اگر بپـذیریم هر تفسـیری از قرآن و روایت بر اساس سـلیقه خواننـده صـحیح باشد، باید همه این روایت ها را کنار گذاشت.

در پایـان بایـد گفت اگر منظور از تکثرگرایی، زنـدگی مسالمت آمیز پیروان مـذاهب گوناگون با همـدیگر است، دین اسـلام بیشتر از هر دین و مـذهب دیگری بر آن تأکیـد کرده است. قرآن می فرمایـد: «قُلْ یـا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ إِلّا اللّهَ... ؛ بگو ای اهـل کتـاب! بیاییـد بر سر سـخنی که میـان مـا و شـما یکسان است، بایستیم که جز خـدا را نپرستیم.» (آل عمران: ۶۴) اگر هم پلورالیسم به این معناست که عقیده داشته باشیم که مسیحیت هم مانند اسلام است و تفاوتی با هم ندارنـد، چنین انـدیشه ای باطل است و هر عقل سـلیمی، نادرستی آن را می فهمـد. مگر پـذیرفتنی است هم اسـلام که به توحید فرا می خواند و هم مسیحیت که ادعای تثلیث و سه گانه بودن خداوند را بیان می کند، درست باشد.(۳)

نتیجه ای که فرآیند ترویج تساهل و تسامح به دست می دهد، از آن جهت به سود

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ه . ق، ج۲۷، ص ۱۹۰.

۲- همان، ج۲۹، ص۴۶.

۳- محمد تقی مصـباح یزدی، نظریه سیاسـی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۷.

جوسازان است که می کوشند باطل را به عنوان یک امر حق جلوه دهند و زمانی که جامعه همه چیز را حق قلمداد کند، مقصود آنها به راحتی بدون کم ترین هزینه ای برآورده خواهد شد.

ج) بی اعتنایی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

ج) بی اعتنایی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

یکی از آموزه های مهم در حفظ و ترویج ارزش های جامعه دینی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. اساسا در یک جامعه اسلامی، بی تفاوتی در برابر ارزش ها معنا ندارد و هر کس در برابر خداوند متعال، مسئول است و بازخواست می شود. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «کُلُّکُمْ راعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسئولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ.»(۱) ازاین رو، در مبانی دینی بر اجرای دستورها و هنجارهای دینی برای هدایت انسان ها و حفظ آنها از گمراهی ها تأکید فراوان شده و پاداش ها و عقاب هایی نیز برای فعل یا ترک آن وعده داده شده است.

نزول سوره عصر در اوایل اسلام، گواه همین مطلب است. همچنین خداوند متعال در قرآن می فرماید:

وَ لْتَکُنْ مِنْکُمْ أُمَّةٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران: ۱۰۴)

باید در میان شما کسانی باشند که امر به معروف و نهی از منکر کنند و همانان رستگارانند.

به هرحال، باید توجه داشت که بقای دین و ارزش های دینی، به این دو مقوله مهم وابسته است. شهید مطهری در این زمینه می نویسد:

امر به معروف و نهی از منکر، یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام و به اصطلاح علت مُبقیّه است. اصلاً [اگر] این اصل نباشد، اسلامی نیست.(۲)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، بیروتلبنان، الوفاء، ۱۴۰۴ ه . ق، ج ۷۲، ص ۳۹.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰، ج ۱۷، ص ۲۳۵.

متأسـفانه جوسـازان و غوغاسالاـران در جـامعه دینی مـا، امر به معروف و نهی از منکر را بـا روش هـای گوناگون تضـعیف می کننـد. می گوینـد این مسئله هیـچ گـونه لزومی نـدارد و در جوامـع دیگر هم چنین چیزی نیست؛ چـون نوعی فضولی در کـار دیگران است. مـا برای اینکه اثبـات کنیم در همه جوامع حتی در جوامعی که به ظاهر ادعای آزادی دارنـد، چنین چیزی وجود دارد، بر اسـاس برخی نظریه هـای مشـهور در جـامعه شناسـی به این موضـوع می پردازیم تـا راه بهـانه جویی برای برخی بهـانه جویان و ناآگاهان بسـته شود. هر چند اگر چنین نظریه هایی هم نبود، هیچ نقصی بر این فریضه وارد نبود؛ زیرا منبع صدور آن وحی خداوندی است که هیچ نوع باطلی در آن راه ندارد.

یک ـ تبیین جامعه شناختی امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

یک ـ تبیین جامعه شناختی امر به معروف و نهی از منکر

نظـارت اجتمـاعی یکی از مهم ترین ضـمانت های اجرایی برای اجرای هنجارها و یکی از بحث های مهم در بحث های جامعه شنـاختی است. ضـمانت هـای اجرایی فراوانی برای هنجارهـا هست. اکنون به دو مورد از آنهـا می پردازیم که تناسب زیادی با بحث امر به معروف و نهی از منکر دارند:

اول ـ امر به معروف و جامعه پذیری۱ دینی

اول ـ امر به معروف و جامعه پذیری(۱) دینی

در چارچوب های نظری جامعه شـناختی از جمله جامعه پذیری و کنترل اجتماعی، به تبیین ضـرورت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر می تـوان پرداخت.(۲) «جامعه پـذیری» یا «اجتماعی شـدن» عبارت است از «آن دسـته از واکنش های متقابلی که باعث می شوند افراد، مؤلفه های اساسی شخصیت را که برای مشارکتشان در جامعه

۱- socialization.

۲- البته این بـدان معنـا نیست که اگر چنین پدیـده ای با چنین چارچوب هایی قابل تبیین نبود، زیر سؤال می رفت؛ زیرا به باور ما این علوم نیز تا زمانی اعتبار دارند که با مبانی دینی ما سازگار باشند. اصولاً لازم است این علوم با توجه به مبانی اصیل دینی تصـفیه شونـد و قابـل اسـتفاده در یـک جـامعه دینی باشـند. این امر بخشـی از آن چیزی است که مقـام معظم رهـبری به عنوان اسلامی کردن دانشگاه ها بر آن تأکید کرد.

ضروری است، به دست آورند.»(۱) به عبارت دیگر، جامعه پذیری فرآیندی است که فرد در آن، ارزش ها، هنجارها و الگوهای اجتماعی را فرا می گیرد و در کنش های اجتماعی خود به کار می بندد. اساسا جامعه ای که به ارزش ها و هنجارهای خود اهمیت ندهد، دچار گسیختگی خواهد شد؛ زیرا ارزش ها و هنجارها بخش نرم افزاری یک جامعه اند که به بخش های مادی جامعه معنا می بخشند و آنها را به همدیگر پیوند می دهند. بر همین اساس، فرآیند جامعه پذیری، فرآیندی حیاتی برای جامعه به شمار می رود و اعضای جامعه باید هم از ارزش ها و هنجارها آگاه باشند و هم تعهد عملی به آنها نشان دهند. نکته مهم در اینجا آن است که این فرآیند به جامعه دینی اختصاص ندارد و برای هر جامعه ای ضرورت دارد. البته چون خاستگاه بسیاری از ارزش های اجتماعی در یک جامعه اسلامی، خداوند حکیم است، فرآیند جامعه پذیری دینی هم اهمیت حیاتی دارد. به هر حال، اجتماعی شدن نه تنها موجب حفظ و تثبیت هنجارهاست، بلکه آزادی های مشروع اعضای جامعه را نیز تأمین می کند.

دوم ــ امر به معروف و کنترل اجتماعی۱

اشاره

دوم ــ امر به معروف و کنترل اجتماعی(۲)

بر اساس آنچه در بحث چارچوب نظری بیان شد، اگر هنجارها ضعیف شوند، جامعه با مشکل روبه رو خواهد بود. یکی از ابزارهایی که می تواند هنجارها را از چنین وضعی نجات دهد، مراقبت اجتماعی است که در مرحله پس از جامعه پذیری قرار می گیرد. در مواردی که افراد به صورت داوطلبانه به پیروی از هنجارها تن نمی دهند، جامعه از ابزارهایی استفاده می کند که آنها را به پذیرش عملی هنجارها و ارزش ها وا می دارد و به اصطلاح از اعضای خود مراقبت می کند. «کنترل اجتماعی، مجموعه ای از منابع مادی و نمادین است که یک جامعه برای تضمین هم نوایی رفتاری اعضای خویش در برابر کج روی با مجموعه ای از قوانین

۱- جاناتان اچ. ترنر، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، مترجم: محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چ۱، ص۱۸۱.

۲- Social control.

و اصول معین و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد».(۱)

کنترل اجتماعی به دو نوع رسمی و غیر رسمی تقسیم می شود.

۱. کنترل رسمی

۱. کنترل رسمی

این نوع کنترل را نهاد حکومت اعمال می کند و معمولاً با قوه قهریه همراه است. به این صورت که در نهاد حکومت، قوانین وضع شده، ابلاغ و بر اساس آن، تنبیه و مجازات متناسب با کج روی های صورت گرفته در برابر هنجارها در نظر گرفته می شود؛ مانند قوانین و مقرراتی که در زمینه رانندگی تدوین شده است و افراد در صورت رعایت نکردن آنها با مجازات های گوناگون روبه رو می شوند. این نوع کنترل، رسمی است. ازاین رو، حوزه عملکرد و تأثیر آن نیز بیشتر به هنجارهای رسمی مربوط است.

۲. کنترل غیر رسمی

۲. کنترل غیر رسمی

محدوده کنترل رسمی به هنجارهای رسمی محدود است و در عین حال، امکان اعمال آن در تمام هنجارها وجود ندارد. ازاین رو، جامعه، ابزاری را نیز به عنوان کنترل غیررسمی برای حفظ ارزش های خود در نظر می گیرد.

کنترل غیررسمی عبارت است از الگوهای تنبیه و مجازات که در طول زمان میان اعضای جامعه رواج می یابد. این نوع مجازات از نگاه های پرسش گرانه تا برخی مجازات های عملی را دربرمی گیرد. این گونه مجازات ها اگرچه به ظاهر، قاعده و قانون مدوّنی ندارند، ولی آنچنان فرد کج رو را زیر فشار قرار می دهند تا او از هنجارشکنی دست بردارد. این در حالی است که در این نوع کنترل، معمولاً ـ به قوه قهریه متوسل نمی شوند، بلکه بیشتر بر فشارهای روانی تأکید می شود. برای مثال، نگاه جامعه به فرد کج رو می تواند او را به پیروی از هنجارها وا دارد. امر به معروف و نهی از منکر نیز مصداقی از این نوع کنترل است. اگر امر به معروف و نهی از منکر به صورت یک

۱- علی سلیمی و محمد داوری، جامعه شناسی انحرافات و کج روی، زیر نظر غلام رضا صدیق اورعی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۵۸۵.

فرهنگ درآیـد، افراد مجرم خود به خود کنـترل می شونـد و دیگر جرئت ارتکـاب جرم را نخواهنـد داشت. برای مثـال، وقتی شخص دزد، با نگاه های تنبیه آمیز و طردکننـد و بی اعتماد روبه رو شود، از کار خود پشـیمان می شود و به احتمال زیاد دیگر دزدی نخواهد کرد.

امروزه بـا نفوذ فرهنگ غربی و اباحه گری، بی اعتنایی ها ترویـج یافته است. ازاین رو، مجرمان و هنجارشـکنان از اینکه مجرم معرفی شونـد، ابایی ندارنـد؛ زیرا نظارت های اجتماعی تضـعیف شـده و با گذشت زمان و با تبلیغات منفی، کارآیی خود را از دست داده است. امروزه فردی که اختلاـس هـا و دزدی هـای کلاـن کرده است، در مجـامع عمومی، به آسانی و بـدون تحمل هرگونه فشـار اجتمـاعی ظـاهر می شود. این وضـعیت، نـتیجه برخی اقـدام هـای منفی جوسـازان و هنجارشـکنان است که افراد جامعه نیز در بسـیاری موارد، نادانسـته از آن پیروی می کنند. متأسفانه گاهی برخی مسئولان نیز به هم نوایی عملی با جوسازان می پردازنـد و بـه بهـانه هـای گونـاگون، امر بـه معروف و نهی از منکر را تضـعیف می کننـد. برای مثـال، وقـتی «در شـهر یزد پلاکاردهـایی بـا مضـمون «در جامعه ای که عبور از چراغ قرمز منع می شود، چگونه با عبور از خط عفاف برخورد نمی شود؟» که سـخنی از شـهید آیت اللّه دکتر بهشتی است، نصب شد، اسـتاندار یزد با احضار مسـئول سـتاد امر به معروف و نهی از منکر این استان از وی خواست که این پلاکاردها جمع آوری شود».(۱)

در نتیجه این گونه اقـدام هـا، ارزش هـای حیـاتی جـامعه به فراموشـی سپرده می شود و هنجارهـایی که در مرتبه پـایین تر قرار دارنـد، اهمیت می یابنـد، به گونه ای که امروزه در جامعه اسـلامی ایران اگر کسـی از چراغ قرمز عبور کند، به گونه ای با وی برخورد

۱- ماهنامه یالثارات الحسین علیه السلام، ۲۴/۱/۱۳۸۴، ص۲.

می شود که گویی مرتکب بزرگ ترین گناهان شده است.(۱)

دو ـ پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

دو ـ پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

زیر فصل ها

اول ـ سلطه بدکاران

دوم ـ فراموشی ارزش ها و هنجارها

سوم ـ گسترش روحیه بی اعتنایی

چهارم ـ قداست شکنی ارزش ها

پنجم ـ عذاب الهی

اول ـ سلطه بدکاران

اول ـ سلطه بدکاران

معتقدان به ارزش ها و هنجارها وقتی عزت خواهند داشت که از باورها و ارزش های جامعه خود دفاع کنند، وگرنه اشرار بر جامعه سلطه خواهند یافت و جامعه را به سوی فساد می کشند. رسول اکرم صلی الله علیه و آلهمی فرماید:

لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ أَوْ یُسَلِّطَنَّ اللّه ُعَلَیْکُم شِرارَکُمْ فَیَدْعُوا خِیارُکُمْ فَلایُسْتَجابُ لَهُمْ.(۲)

باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، در غیر این صورت، خداوند، بدان شما را بر شما مسلّط می کند. آن گاه خوبان شما دعا می کنند، ولی دعایشان مستجاب نمی شود.

استاد مطهری در تفسیر این حدیث می فرماید:

یعنی باید امر به معروف و نهی از منکر داشته باشید. این دو باید وجود داشته باشند، وگرنه بدان شما بر شما مسلط می شوند و در اثر این امر، خوبان شما آن قدر پست و ذلیل می شوند و عزتشان را از دست می دهند که وقتی خود آنها به درگاه ظالمان

و بدان می روند و آنها را صدا می زنند [و درخواستی می کنند]، به آنها اعتنا نمی شود.(۳)

بی گمان، یک جامعه به ظاهر دین دار، ولی بی عزت نخواهد توانست زمینه های اجرای ارزش های دینی را فراهم کند.

دوم _ فراموشی ارزش ها و هنجارها

دوم _ فراموشی ارزش ها و هنجارها

ص :۶۵

۱- البته مقصود تجویز عبور از چراغ قرمز نیست، بلکه مسئله این است که باید اولویت ها درست تشخیص داده شود.

۲- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶.

۳- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، چ۱۹، ج۲، صص ۴۶ و ۴۷.

هنجارهـا و ارزش هـا آموختنی است و هر چیز آموختنی در معرض فراموشـی است. امر بـه معروف و نهی از منکر، عـامل یادآوری در جامعه است و ارزش ها را برای اعضای جامعه یادآوری می کند. حال اگر این مقوله مهم فراموش شود، ارزش ها نیز بـا گـذشت زمان با خطر فراموشـی روبه رو خواهنـد بود. برای مثال، بسـیاری از افراد جامعه اسـلامی ما هنوز نمی داننـد چه کسـانی برای آنها مَحْرَم و چه کسانی برای آنان نامحرم هسـتند. فراموشـی ارزش ها با ترک عملی آنها ملازم است؛ زیرا لازمه عمل به یک ارزش و هنجار، آگاهی به وجود آن و آشنایی با جزئیات عمل به آن است.

سوم _ گسترش روحیه بی اعتنایی

سوم _ گسترش روحیه بی اعتنایی

امروزه در فرهنگ غربی، مقوله ای به نام «بی توجهی مـدنی» رایـج شـده است. بـدین ترتیب هر فرد، زمانی که با انحراف های اجتماعی روبه رو می شود، تا وقتی که به طور مسـتقیم به زیان خودش نباشـد، هیـچ گونه واکنشـی از خود نشان نمی دهـد. بر همین اساس، در جامعه ما نیز برخی افراد یا گروه ها که پای بنـدی چنـدانی به ارزش ها ندارنـد، می کوشـند این پدیـده را در جامعه اسـلامی رواج دهند. این در حالی است که در فرهنگ ناب اسلامی، بی اعتنایی در برابر انحراف های اجتماعی، به ویژه انحراف از ارزش هـای دینی بسـیار نکوهیـده است. بر اسـاس آمـوزه هـای دینی، همـه اعضـای جـامعه در برابر ارزش هـا و هنجارهـای جـامعه مسـئولیت دارنـد. خداونـد بـا توجه ویژه به ارزش هـا، خواسـته است از این طریق، جامعه انسانی را در برابر انحراف هـای اجتمـاعی، بیمه و سـعادت انسـان هـا را تأمین کنـد. بر همین اساس، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یکی از فروع مهم عملی در جامعه اسلامی است که تمام اعضای جامعه اسلامی باید به آن عمل کنند.

چهارم _ قداست شکنی ارزش ها

چهارم _ قداست شکنی ارزش ها

همان گونه که امر به معروف و نهی از منکر، سـبب نهادینه شدن ارزش ها در جامعه می شود، ترک آن نیز افراد را در قداست شکنی و زیر پـا نهـادن ارزش ها گسـتاخ تر می سازد؛ زیرا مانعی بر سـر راه خود نمی بیننـد و حرمت شـکنی ارزش ها برایشان عادی

جلوه می کند.

پنجم _ عذاب الهی

پنجم _ عذاب الهی

بدترین نتیجه ترک امر به معروف و نهی از منکر، گرفتار شدن به عذاب الهی است. اگر مؤمنان به ارزش های دینی بی اعتنا باشند، امکان دارد خداوند آنها را عذاب دهد. بر اساس شواهد قرآنی و روایی، منظور از عذاب، عذاب دنیوی و اخروی است. امام رضا علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذا تَواكَلَتِ النّاسُ اَلْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقاعٍ مِنَ اللّه .(۱)

زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر را به همدیگر واگذار کردند، منتظر عذاب الهی باشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خدای تعالی دو ملک فرستاد تا شهری را بر سر اهلش سرنگون سازند. وقتی به آنجا رسیدند، مردی را یافتند که با زاری و تضرع، خدا را می خواند. یکی از دو فرشته به دیگری گفت: آیا این دعاکننده را نمی بینی؟ گفت: چرا، ولی آنچه را خدا فرموده است، انجام می دهم. اولی گفت: نه من کاری نمی کنم تا از پروردگارم بپرسم. سپس به سوی خدای متعال بازگشت و گفت: پروردگارا! چون به آن شهر رسیدم، فلان بنده تو را دیدم که تضرع و دعا می کرد. خداوند فرمود: فرمانم را اجرا کن که آن مرد هرگز به خاطر من چهره درهم نکشیده و غیظی نکرده است».

متأسفانه امروزه به روش های گوناگون به فریضه امر به معروف و نهی از منکر می تازند و به بهانه فضولی در کار دیگران، به آن بی مهری می شود. بی گمان، چنین اندیشه ای ناشی از هجوم فرهنگ غربی و ترویج آن در جامعه اسلامی است؛ زیرا یکی از عادت های رفتاری در جوامع غربی، مفهوم «بی توجهی مدنی» است. یعنی هر فرد در جامعه با اینکه رفتارهای دیگران را می بیند، هیچ واکنشی نشان نمی دهد و در برابر آن

۱- فروع کافی، ج ۵، ص ۵۹، به نقل از: حماسه حسینی، ج ۲، صص ۴۴ و ۴۵.

بی اعتنا است؛ مگر اینکه فرد مقابل، حقوق شخصی او را زیر پا نهد. هنجارشکنان نیز با این حربه می کوشند جامعه اسلامی را به آن سو بکشانند و با این گونه زمینه سازی ها، با هر چه مخالف این فرهنگ باشد، مبارزه می کنند و آن را نشان عقب ماندگی و واپس گرایی معرفی می کنند. این در حالی است که بی توجهی مدنی، بی اعتنایی در برابر تباهی حقوق دیگران است و خودخواهی و تکبر را ترویج می دهد و نوعی عافیت طلبی است. این امر، درست نقطه مقابل فرهنگ اسلامی است که چنان به ارزش ها اهمیت می دهد که در صورت لزوم، فدا شدن افراد را در راه آنها لازم می داند. فرهنگ شهادت در اسلام بر همین اساس پایه ریزی شده است.

بی توجهی مدنی وقتی درست است که سرنوشت افراد جامعه با یکدیگر ارتباط نداشته باشند، در حالی که بر اساس آموزه های دینی، ارزش ها و هنجارهای دینی چونان کشتی است که سوراخ کردن هر قسمت از آن، همه سرنشینان آن را غرق می کند؛ یعنی اگر فرد یا گروهی درصدد زیر پا گذاشتن ارزش ها و هنجارهای دینی باشد، همه اعضای جامعه را با خطر نابودی روبه رو ساخته است. با این وضعیت، نمی توان توجیه کرد که یک فرد مسلمان در برابر تضعیف ارزش ها ساکت بنشیند. ازاین رو، وقتی از امام حسین علیه السلامدرباره فلسفه قیام کربلا پرسش شد، در تبیین این حرکت انقلابی فرمود:

إِنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِرا وَ لا بَطِرا وَ لا مُفْسِدا وَ لا ظالِما وَ إِنَّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصلاحِ فِی أُمَّهِ جَدِّی صلی الله علیه و آله أُرِیدُ أَنْ امُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أَسِیرُ بِسِیرَهِ جَدِّی وَ أَبِی.(1)

من از روی فساد و ستم قیام نکردم، بلکه برای اصلاح امت جدم قیام کرده ام. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدم رسول اللّه صلی الله علیه و آله و پدرم عمل کنم.

به هر حال، الگوی یک حکومت اسلامی باید سیره و رفتار پیامبر و دیگر معصومان علیهم السلام باشد. با دقت در

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

رفتار و سخنان آنها روشن می شود که امر به معروف و نهی از منکر، امری حیاتی برای بقای جامعه اسلامی و استقرار دستورهای دینی است. ازاین رو، لازم است در نظام جمهوری اسلامی، برنامه ریزی کلان صورت گیرد تا امر به معروف و نهی از منکر به صورت یک فرهنگ درآید.

د) از خودبیگانگی

اشاره

د) از خودبیگانگی

هرجا سخن از هویت به میان آید، بحث از خودبیگانگی نیز ضرورت می یابد. ازاین رو، این دو موضوع را در کنار هم بررسی می کنیم.

«هویت دینی»(۱) عبارت است از نمادها و مؤلفه هایی که عضو یک جامعهدینی با کمک آنها، خود را به دیگران معرفی می کند و از اعضای جوامع دیگر و حتی برخی از اعضای جامعه خود، ممتاز می سازد.

«از خودبیگانگی»(۲) نیز فرآیندی است که فرد در آن اهمیت و ارزش خود رافراموش می کند و منفعلانه، خود و فرهنگ جامعه خود را در رسیدن به موفقیت و سعادت، ناتوان می انگارد. به عبارت دیگر، خودبیگانگی، فرآیندی جامعه شناختی است که در آن، آدمیان و جوامع، خویشتن خویش را از دست می دهند.(۳)

شهادت امام حسین علیه السلام، پی آمد از خودبیگانگی مردمی است که خود را مسلمان می نامیدند، ولی به دلیل از خود بیگانه شدن توده ها و حتی خواص، امام معصوم خود را بدون توجه به فضیلت هایش، تنها برای برآورده شدن اهداف شیطانی حاکمان طاغوتی شان به شهادت رساندند.

به فرموده قرآن، همه انسان ها در ابتدای آفرینش به ربوبیت خداوند شهادت داده و عهد بسته اند که غیر او را نپرستند.(۴) همه انسان ها هویت دینی و خدایی دارند؛ هر چند

ص: ۶۹

۱- Religion idntifi.

۲- alination.

۳- آرون ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۲، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۴- «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنّا کُنّا عَنْ هذا غافِلینَ؛ و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان

گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این امر غافل بودیم».
اعراف: ۱۷۲

بسیاری، آن را در عمل فراموش کرده باشند. قرآن از زبان مؤمنان می فرماید: آنها خود را به خدا معرفی می کنند و می گویند: «إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ.» همه اینها گواه است بر اینکه همه انسان ها هویتی الهی دارند.

در موارد بسیاری، این هویت فراموش می شود. بسیار دیده می شود افراد به خواهش نفس یا خواسته دیگران پاسخ مثبت می دهند و به لوازم هویت دینی پای بند نیستند. حال پرسش این است که چرا فرآیند از خودبیگانگی شکل می گیرد و انسان ها برخلاف عهدی که با خدای خود بسته اند، او را فراموش می کنند. همچنین چرا در مرحله دیگر، شایستگی های خود را فراموش می کنند و برخوردهای انفعالی از خود نشان می دهند.

در مرحله ای بالاتر، برخی گروه ها به این فرآیند شوم دامن می زنند و درصدد تقویت آن برمی آیند. دشمنان اسلام می کوشند با این ترفند، روح ناامیدی را میان مسلمانان تزریق کنند و آنها را از اتکا به خود بازدارند؛ زیرا تنها از این رهگذر می توانند به اهداف شوم خود دست یابند.

از خودبیگانگی از آن جهت مسیر جوسازی را تسهیل می کند که جامعه ازخودبیگانه، به راحتی در برابر تبلیغات منفی تسلیم می شود و این از آن جهت است که خود را در جامعه جهانی نادیده می بیند.

در اینجا، لازم است به برخی ریشه های از خودبیگانگی و اقدام های جوسازان و غوغاسالاران اشاره شود.

یک ـ ریشه های از خودبیگانگی

اشاره

یک ـ ریشه های از خودبیگانگی

زیر فصل ها

اول ـ خود فراموشی

دوم ـ فراموشی خدا

اول ـ خود فراموشی

اول ـ خود فراموشی

از دیدگاه اسلام، شناخت خود اهمیت فراوانی دارد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خود را بشناسد پس به یقین پروردگار خود را شناخته است».(۱) خداوند متعال نیز در قرآن کریم، انسان را خلیفه خود معرفی می کند و می فرماید: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلیفَهً؛ و هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.» (بقره: ۳۰) این موضوع، ارزش و اهمیت انسان را آشکار می سازد.

حال که خدا ما را با این هدف آفریده است که خلیفه او باشیم، بالاترین شناخت آن است که ما را در مسیر خلیفه اللّه بودن قرار دهد. زمانی که چنین شناختی حاصل شد، ناگزیر باید به لوازم آن پای بند باشیم و به گونه ای عمل کنیم که در شأن یک خلیفه الهی باشد. پس آنچه با این هدف سازگار نباشد، نماد خودبیگانگی و خودفراموشی خواهد بود، چنان که شیطان به خداوند گفت همه بندگانت را گمراه خواهم کرد، مگر آنهایی را که در شمار مخلصان باشند. پس باید گفت کسانی که خود را فراموش کرده اند، از صبغه الهی به صبغه شیطانی سقوط کرده اند و جامعه ای که چنین اعضایی داشته باشد، جامعه از خودبیگانه ای خواهد بود.

به هر حال، توجه به هدف آفرینش، در حل مشکل ازخودبیگانگی نقش بسیار مهمی خواهد داشت. البته خودفراموشی، به دو بخش خودفراموشی فردی و اجتماعی تقسیم می شود؛ یعنی فرد یا جامعه می تواند با فراموشی توان مندی های خود، به از خودبیگانگی دچار شود.

دوم ــ فراموشی خدا

دوم ــ فراموشی خدا

شناخت خود به شناخت خدا می انجامد؛ زیرا هر که خود را شناخت و خدایی بودن خود را درک کرد، ناگزیر به سوی خدا خواهد رفت؛ زیرا وقتی انسان خود را می شناسد، خدا را نیز در وجود خود می یابد و همین شناخت، او را به سوی خدا و دستورهایش رهنمون می سازد. بنابراین، کسی که خدا را فراموش کند، خود را نیز

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲، ح ۲۳.

فراموش خواهد کرد. در قرآن آمده است:

وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللّهَ فَأَنْساهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ. (حشر: ۱۹)

و چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی کرد. آنان همان نافرمانانند.

پس شناخت خود و خدا با همدیگر رابطه متقابل دارند و نبود هریک از این دو مستلزم نبود یا کاستی در دیگری خواهد بود. به همین علت، مخالفان دینی بودن جامعه می کوشند با ایجاد اختلال در هریک از این شناخت ها، اعضای جامعه را از اعمال عبادی و الهی دور سازند و از هر وسیله ای برای موفقیت در این زمینه، بهره می برند. نمونه آن، آیین های جشن و عزاداری است که بدون توجه به شناخت آموزه های دینی با چهره ای به ظاهر مقدس و با تأکید صرف بر احساس برگزار می شود و پی آمدهای منفی فراوان دارد.

دو ـ نمودهای از خودبیگانگی

اشاره

دو ـ نمودهای از خودبیگانگی

زیر فصل ها

اول ـ فراموشی نمادهای فرهنگ خودی

دوم ـ دوستی با دشمنان

سوم ـ اعتماد نداشتن به توانایی ها

اول ـ فراموشی نمادهای فرهنگ خودی

اول ـ فراموشی نمادهای فرهنگ خودی

یکی از نمودهای مهم ازخودبیگانگی، فراموشی نمادهای فرهنگ خودی است. در این فرآیند، فرد به دلایل مختلف به فرهنگ خود پای بندی ندارد و به فرهنگ بیگانه دل بستگی نشان می دهد. از خودبیگانگی می تواند در نوع برخوردها، احوال پرسی ها، دیدارها، مراسم و مانند آن نمایان شود، مانند آنچه امروزه برای تشویق افراد یا گروه ها از کف زدن به عنوان تشویق استفاده می کنند. بی گمان، وقار و متانت یک مؤمن و نیز برکات و آثار دنیوی و اخروی صلوات، مانع از آن می شود که یک مؤمن آگاه، کف زدن را جای گزین صلوات سازد. از سویی، چون امروزه کف زدن نماد تشویق در جوامع

غیرمسلمان است، این امر می تواند به نوعی هم رنگی انفعالی با آن جوامع باشد.

فراموشـی نمادهای فرهنگی دیگرماننـد زبان مادری، پوشـش متناسب با فرهنگ دینی و تغـذیه نامتناسب با فرهنگ خودی نیز جزو همین دسته خودبیگانگی است که هر

ص: ۷۲

کـدام از آنهـا پی آمـدهای خـاص خود را خواهـد داشت. برای مثـال، وقتی فرد به زبـان مادری خود بی اعتنا باشـد و آن را به فراموشـی سـپارد، به پی آمـدهای زبانی که به آن تکلم می کند ــ دست کم در برخی موارد ــ پای بندی خواهد داشت و این پدیـده، مقـدمه ای برای تزلزل و خودبـاختگی فرهنگی خواهـد بود. به عبـارت دیگر، فراموشـی نمادهـای فرهنگی ماننـد زبـان مادری، تمرین انفعال در همه عرصه های فرهنگی است.

این همـان چیزی است که جوسـازان و غوغاسالاـران و دشـمنان نظـام اسـلامی در پی آن هسـتند؛ زیرا جامعه منفعل با کمترین هزینه، به دنبـال جوسـازان و دشـمنان خود حرکت خواهـد کرد. این وضـعیت برای جـامعه ای اسـلامی که با منبع لایزال عزّت پیوند دارد، شایسته نیست و بر همین اساس، خداوند متعال هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان را رد می کند و می فرماید:

لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلاً. (نساء: ۱۴۱)

خداوند هیچ گونه سلطه ای از سوی کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

برای مقابله با این بخش از خودبیگانگی، باید مسئولان فرهنگی با معرفی کامل فرهنگ خودی به کودکان و نوجوانان، آنها را از فرهنگ های وارداتی بی نیاز سازنـد. همچنین لازم است نقاط ضـعف فراوانی که در فرهنگ غربی وجود دارد، شـناسایی و به اعضای جامعه معرفی شود.

دوم ــ دوستی با دشمنان

دوم ــ دوستی با دشمنان

نکته دیگری که می توانـد نشـان از خودبیگـانگی باشـد، دوستی با دشـمنان است. به عنوان نمونه در چنـد سال اخیر، دشـمنان کوشـیده اند این شـبهه را القا کنند که امریکا با جامعه ایران دشمنی ندارد.(۱) ازاین رو، در مقطعی از زمـان، هم زمان با طرح نظریه ارتباط با امریکا، مصاحبه ها و مقاله های فراوانی با موضوع «توهّم توطئه» صورت می گیرد.(۲)

ص :۷۳

۱- مجله کیان، شماره، ۴۲، ص ۲.

۲- مجله جبهه، شماره ۸ ، ۱۸/۲/۱۳۷۸، ص ۲.

همچنین بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ برخی مسئولان دستور دادند که مردم در راهپیمایی ها و تظاهرات پرچم امریکا را آتش نزنند.

متأسفانه القای چنین شبهه هایی موجب گمراهی برخی افراد شد. مقام معظم رهبری در سخنانی فرمود:

یک عده می خواهند وانمود کنند که ما اصلاً دشمن نداریم! یک عده می خواهند وانمود کنند که اصلاً توطئه ای علیه ملت ایران نیست! اینها هم رفیق های همان ها هستند! در روزنامه ها می نویسند و گاهی در سخنرانی ها می گویند که اصلاً توطئه ای وجود ندارد؛ خیالات است که شما می کنید، خیالات است![...]نه، دشمن از همه طرف توطئه می کند.(۱)

در پاسخ به این گونه شبهه آفرینی ها باید گفت شکی نیست که امریکا و پیروان آن اسلام را قبول ندارند و از کافران هستند. خداوند متعال یکی از ویژگی های غیر مؤمنان را دوستی با کفار و پذیرش ولایت آنها معرفی می کند و می فرماید:

وَ الَّذینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ أُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فیها خالِدُونَ. (بقره: ۲۵۷)

کسانی که کفر ورزیده اند، سرورانشان، طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها بیرون می برند. آنان اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

همچنین می فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصاری أَوْلِیاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمینَ. (مائده: ۵۱)

ای کسانی که ایمان آوردید! یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید؛ [زیرا]بعضی از آنها دوست برخی دیگرند. هر کس از شما آنها را به دوستی بگیرد، از آنهاست و همانا خداوند، ستم کاران را هدایت نمی کند.

از این آیه روشن می شود که هر کس یهود و نصارا را به دوستی برگزینند، از

۱- آزادی یا توطئه، قم، انتشارات فیضیه، جمعی از فضلا و روحانیان، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۱۷.

ستم کاران است و البته این غیر از ایجاد الفت در روابط انسانی و اجتماعی است. بر همین اساس، باید به این نکته توجه داشت که اگر هم روزی مصلحت جامعه اسلامی این باشد که رابطه با امریکا صورت پذیرد، این به معنای دوستی با آنها نخواهد بود، بلکه این گونه ارتباط ها که با بسیاری از کشورهای دیگر نیز وجود دارد، صرفا جهت تأمین منافع جامعه اسلامی است؛ همچنان که قطع رابطه نیز بر همین مبنا صورت گرفته است. بزرگ ترین مصلحت یک جامعه اسلامی، عزت است و خداوند هرگز اجازه ذلت پذیری در برابر مشرکان و کافران را به مسلمانان نداده است. قرآن می فرماید: «لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلاً؛ خداوند هرگز به زیان مؤمنان، برای کافران راه تسلطی قرار نداده است». (نساء: ۱۴۱)

خداوند چنان به عزت مسلمانان اهمیت می دهد که ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان را حتی به صورت موقت، جایز نمی داند. این بدان دلیل است که مرد بر زن تسلط دارد و خداوند نخواسته است که حتی یک زن مؤمن در برابر مرد غیرمؤمن تسلیم باشد. از اینجا، می توان به اهمیت عزت انسان ها در جامعه اسلامی پی برد. این در حالی است که ما پس از پیروزی انقلاب، برخوردهای انفعالی فراوانی دیده ایم. برای نمونه، زمانی که امام خمینی رحمه الله اشغال سفارت امریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام را «انقلاب دوم» نامید، مهندس بازرگان، رئیس دولت موقت گفت: «این عمل بسیار زشت و غیراخلاقی است که این دانشجویان انجام می دهند و همه با این عمل مخالف هستند و عمل آنها ضد انقلاب، اسلام، امام و همه چیز است».(۱)

از سویی دیگر، دشمنی عملی غرب با جوامع اسلامی نیز چنان روشن است که به توضیح نیاز ندارد. زمانی که برج های دوقلو مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۲ میلادی فرو ریخت، بوش، مسلمانان را به تکرار جنگ های صلیبی تهدید کرد؛ جنگ هایی که در آن، صدها هزار مسلمان به دست سربازان مسیحی کشته شدند. نمونه

۱- منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی زمینه ها و پی آمدها، قم، نشر معارف، ۱۳۸۱، ص۱۷۶.

دیگری از دشمنی امریکا با اسلام و مسلمانان در تجاوز امریکا به عراق در سال ۱۳۸۲ صورت گرفت که در آن هزاران مسلمان بی گناه را به قتل رساندند و مردم مسلمان این کشور را به گونه های مختلف شکنجه کردند. با این حال، برخی از آن به آزادسازی عراق تعبیر می کنند و می گویند امریکا هیچ گونه دشمنی با اسلام و مسلمانان ندارد. این در حالی است که برمر، حاکم امریکایی عراق، در تابستان ۱۳۸۲ دستور داد عبارت «اللّه اکبر» را از پرچم عراق حذف کنند.(۱)

از دشمنی های امریکا با ایران می توان به تشویق و تجهیز دولت عراق برای حمله به ایران، کودتای ناکام علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم های اقتصادی ایران پیش و پس از جنگ تحمیلی (که هنوز ادامه دارد)، مانع تراشی و جوسازی علیه ایران در راه دست یابی به فن آوری هسته ای و نمونه های دیگر اشاره کرد. ازاین رو، باید گفت ساده لوحانه است اگر کسی تصور کند امریکا با ما بنای آشتی دارد.(۲)

سوم _ اعتماد نداشتن به توانایی ها

سوم _ اعتماد نداشتن به توانایی ها

نشان دیگری از خودبیگانگی در جامعه اسلامی، بی اعتمادی به توانایی های داخلی است که جامعه را در بخش های مختلف به خارج وابسته می سازد و نیروهای داخلی را با سرشکستگی روبه رو می کند. نمونه برجسته ای از این نوع خودبیگانگی ها، اتکا نکردن به متخصصان خودی و اتکا به نیروهای خارجی است. برای مثال، در زمان حکومت پهلوی و مدت ها پس از آن که هنوز هم در مواردی ادامه دارد، عرف جامعه این بود که به کالاهای خارجی بیشتر اهمیت می دادند. امام امت در این زمینه فرموده بود:

به مجرد اینکه کسی مریض می شود، می گویند باید برود انگلستان، باید برود اروپا، با اینکه اطبا اینجا هم هست. در ذهن من این است که یکی از بستگان محمدرضا مخلوع ملعون، لوزتین پیدا کرده بود. از اروپا برای او یک کسی

۱- اخبار سراسری شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران، تاریخ ۱۲/۵/۱۳۸۲.

۲- مضمون سخنان مقام معظم رهبری، ۲۵/۶/۱۳۷۳.

که عمل لوزه بکند، آوردند. در صورتی که [به نظر] اطبا، این عمل لوزه یک عمل آسانی است.(۱)

اعتماد به خود و خوداتکایی در عرصه علمی، لازمه بالندگی یک جامعه است. ازاین رو، در زمان جنگ و پس از آن، به دلیل تحریم هـای بیگانگـان، ایران توانست در عرصه های گوناگون به پیشـرفت های علمی فراوانی برسـد که اوج آن در عرصه فن آوری هسته ای است.

سه ـ پی آمدهای از خودبیگانگی

اشاره

سه ـ پی آمدهای از خودبیگانگی

زیر فصل ها

اول ـ زندگی ذلت بار

دوم ـ غضب الهی

سوم ـ انفعال و ذلت پذیری

اول ـ زندگی ذلت بار

اول ـ زندگی ذلت بار

فراموشـی خود به فراموشـی خـدا می انجامـد و فراموشـی خـدا نیز پی آمـدهای منفی فراوانی دارد. کسـی که از یاد خـدا روی گرداند، زندگی ذلت باری خواهد داشت و در قیامت با ذلتی بزرگ تر روبه رو خواهد بود:

وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرى فَإِنَّ لَهُ مَعيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ أَعْمى. (طه: ۱۲۴)

و هرکس از یاد من دل بگردانـد، در حقیقت، زنـدگی تنگ و سـختی خواهـد داشت و روز رسـتاخیز، وی را نابینا محشور می کنیم.

دوم ـ غضب الهی

دوم ـ غضب الهی

خداوند متعال در حدیث قدسی می فرماید: «بنده ام، من تو را دوست دارم. پس تو نیز مرا دوست داشته باش.» فردی که وجود خود را از خـدا می دانـد، همیشه به یاد اوست و خود را مـدیون خدا می شـمارد. خداوند متعال در عین حال که بندگان شاکر خود را دوست دارد، به بنـدگان فراموش کـار خود نیز بی توجه است. قرآن درباره کافران می فرمایـد: «به آنها در قیامت گفته می شود ما شـما را فراموش کردیم، هم چنان که شـما این روز را فراموش کردیـد و جایگاه شـما آتش است و یاری کننده ای برای شما نیست.»(۲)

ص: ۷۷

۱- به نقل از: غرب زدگی، تهران، نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثار اللّه، ۱۳۷۸، چ ۲.
۲- «وَ قیلَ الْیَوْمَ نَنْساکُمْ کَما نَسیتُمْ لِقاءَ یَوْمِکُمْ هذا وَ مَأْواکُمُ النّارُ وَ ما لَکُمْ مِنْ ناصِرینَ». جاثیه: ۳۴

همچنین درباره منافقان می فرماید: «آنها خدا را فراموش کردند. پس خدا آنها را فراموش کرد».(۱)

سوم _ انفعال و ذلت پذیری

سوم _ انفعال و ذلت پذیری

چون خداوند، قادر مطلق است، کسانی که به او تکیه کنند، هیچ گاه احساس ضعف نخواهند کرد، ولی افراد بی توجه به خدا، به دلیل نداشتن پشتوانه قوی، احساس ضعف می کنند و در مشکلات مادی و معنوی فردی و اجتماعی، از خود انفعال نشان می دهند. نمونه عینی این افراد، کسانی هستند که در مقابل دشمنان اسلام موضع انفعالی می گیرند؛ مانند کسانی که در برابر توطئه های غرب در برابر پیشرفت های هسته ای ایران، فریاد منفعلانه تعطیلی این فعالیت ها را سر می دهند.

نمونه های دیگری را نیز می توان برای انفعال و ذلت پذیری آورد. برای مثال، برخی از خودباختگان، در جریان انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری پیشنهاد دادند که مجامع بین المللی بر انتخابات ایران نظارت داشته باشند،(۲) درحالی که نظارت بین المللی در کشورهایی رایج است که ثبات سیاسی ندارند. درخواست چنین نظارتی، چیزی جز خودباختگی و انفعال نیست، درحالی که خداوند متعال اجازه نمی دهد مؤمنان در برابر کافران ذلت نشان دهند:

لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً. (نساء: ۱۴۱)

خداوند هیچ راه سلطه ای را برای کافران بر مؤمنان باز نگذاشته است.

ه_) تهاجم فرهنگی

اشاره

ه_) تهاجم فرهنگی

«فرهنگ» در اصطلاح جامعه شناسانه آن «عبارت است از ارزش هایی که اعضای یک جامعه دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می کنند و کالاهای مادی که تولید می کنند».(۳)

ص: ۷۸

۱- «نَسُوا اللّهَ فَنَسِیَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِینَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». توبه: ۶۷

۲- روزنامه اعتماد، ۱۱/۲/۱۳۸۴.

۳- جامعه شناسی، چ ۱۲، ص ۵۶.

هر قومی، فرهنگی دارد که بخشی از آن را در زمان حال ایجاد می کند و قسمت اساسی آن را از گذشته خود به ارث می برد. فرهنگ، سند هویت اعضای یک جامعه است. افراد جامعه با مراجعه به فرهنگ، رفتارها و کنش های خود را جهت می دهند.

جامعه ما، میراث دار دو فرهنگ سترگ است؛ یکی فرهنگ ملی و ایرانی است که از نظر زمانی، مقدّم بر فرهنگ دوم است و دیگری فرهنگ دینی و اسلامی است که هر چند متأخر از فرهنگ ملی است، ولی به سبب نفوذ و قلمرو گسترده آن، در تار و پود جامعه ما تنیده شده است. فرهنگ دینی و اسلامی ما از آموزه های وحیانی و سیره معصومین علیهم السلام گرفته شده است و بخشی از عناصر و فرهنگ ملی که با آموزه های دینی در تضاد نباشد، مورد پذیرش اسلام است.

هرچند در طول تاریخ، فرهنگ ها با همدیگر ارتباط داشته اند، ولی امروزه، با توجه به افزایش و پیشرفت ارتباطات، ارتباط فرهنگ ها نیز گسترده تر و عمیق تر شده است. بنابراین، فرهنگ ها در این ارتباط متقابل، بر همدیگر تأثیر می گذارند. پرسشی که مطرح می شود، این است که محدوده این اثرگذاری و اثرپذیری تا کجاست؟

برخی بر این عقیده اند که هر جامعه ای می تواند در ارتباط با فرهنگ های دیگر، بخش یا بخش هایی از آن فرهنگ ها را که با فرهنگ جامعه سازگاری دارد، بگیرد و بر غنای فرهنگی خود بیفزاید(۱) و آنچه را با فرهنگ جامعه سازگاری ندارد، نپذیرد. برخی نیز به صورت نظری یا عملی معتقدند اگر قرار است از فرهنگی استفاده کنیم، باید همه عناصر آن را در فرهنگ مقصد وارد کنیم. برای مثال، آرنولد توین بی در این زمینه نظریه ای دارد که به اختصار اشاره می شود:

اگر ملتی برخی اجزا و عناصر شکل دهنده فرهنگ و تمدن ملت دیگر را اخذ کند ـ نه همه آن را ـ این اجزا و عناصر فرهنگی بیگانه و جدا شده، قدرت آن را دارد که ساختار فرهنگی ملت اخذکننده را تخریب کند؛ زیرا این عناصر و

۱- مقصود از غنا در اینجا، غنا در عناصر مادی مانند تکنولوژی و صنعت است.

اجزا که در جسمی غیر از جسم خود شروع به فعالیت می کنند، همانند یک ویروس غیرقابل کنترل، به اجزایی ویرانگر و زیان مند تبدیل می شوند.(۱)

درست است که عناصر فرهنگی به همدیگر وابسته اند، ولی وقتی به یک فرهنگ دیگر وارد می شوند، این ارتباط را از دست می دهند و به بیان دیگر، تنها یک عنصر از عناصر متعدد هستند. حال اگر فرهنگ گیرنده این عنصر فرهنگی، از غنا و تعالی بهره مند باشد، می تواند این عنصر تازه وارد را با خود تطبیق دهد و از دیگر آثار ویرانگر آن به دور ماند. اگر فرهنگ مقصد از خود ضعف نشان دهد، آن عنصر خواهد توانست فرهنگ مقصد را ویران سازد.

با توجه به اینکه فرهنگ اسلامی از غنا و تعالی برخوردار است، می تواند در عین حال که خود را حفظ می کند، فرهنگ های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار دهد. نمونه این مسئله، ورود اسلام به ایران است. اسلام در عین حال که به تأیید برخی اجزای فرهنگ ایرانی پرداخت، توانست خود را نیز به خوبی حفظ کند.

پس آنچه توین بی می گوید از سویی، درست و از سویی دیگر، نادرست است؛ زیرا هر جامعه ای که فرهنگ بیگانه را به صورت کامل و بدون غربال بپذیرد، نابودی فرهنگ خود را فراهم ساخته است. نمونه های آن، در جوامع اسلامی و غیراسلامی مانند مصر، ترکیه و هند به روشنی دیده می شود.

یک ـ ابزارهای تهاجم فرهنگی

اشاره

یک ـ ابزارهای تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

اول ـ استفاده از فن آوری

دوم ـ ترویج افراطی گردشگری

اول ـ استفاده از فن آوری

اول ـ استفاده از فن آوری

به باور اندیشمندان مکتب فرانکفورت، تسلط بر جامعه، در گذشته بیشتر از طریق ساختارهای اقتصادی صورت می گرفت، ولی امروزه بیشتر از راه فرهنگ است. امروز سرکوبی ناشی از عقلانیتِ تکنوکراتیک، جای استثمار اقتصادی غالب را گرفته است. «عقلانیت صوری» وِبر به همین موضوع اشاره دارد و هدف آن، سلطه و نه رهاسازی

۱- محمـد مهـدی آصـفی، دنیـای اسـلام و تهاجم فرهنگی غرب، ترجمه: تقی متقی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۴۶.

مردم است. این عقلانیت را در جامعه شناسی باید غیر از عقلی دانست که رسیدن به هدف در آن بر اساس ارزش های انسانی عـدالت، صـلح و شادمـانی است. تکنولوژی نیز امروزه در خـدمت همین عقلانیت تکنوکراتیک است.(۱) مارکوزه می گوید: «این اشـتباه است که ما تکنولوژی را بی طرف یا خنثی بدانیم. تکنولوژی، امروز در دست اربابان خود در جهت سلطه فرهنگی آنهاست».(۲)

باید توجه داشت که تقلید کورکورانه و انفعالی از تکنولوژی غیربومی می تواند آسـیب های جدّی بر پیکر فرهنگ وارد و آن را با خطر نابودی روبه رو سازد. برای مثال، غرب در عرصه های مختلف تکنولوژی، پیشرفت های فراوانی کرده است. یکی از این موارد، تکنولوژی ساخت مسکن است. متأسفانه جامعه ما زمانی که این تکنولوژی را از غرب گرفت، لوازم فرهنگی آن را نیز پذیرفت که تضعیف عفاف و حذف مؤلفه های اخلاقی بود.

امروزه ساختـار معمـاری خانه های ما یادآور خانه های غربی است و پیروی از فرهنگ دینی در ساخت آن در نظر نبوده است. امروزه با تقلید از فرهنگ غربی، آشپزخانه ها به صورت باز (open) ساخته می شوند و در اتاق خواب نیز به پذیرایی باز می شود. در نتیجه، هیـچ گونه انـدرونی و بیرونی در خـانه هـا وجود نـدارد تـا اگر نامحرمی در خانه مهمان بود، دست کم هنگام خواب، امنیت اخلاقی وجود داشـته باشـد. مگر اینکه به آزادی های موجود در غرب پای بنـد باشـیم و ماننـد آنها ارتباط های عاطفی و مهمان نوازی را که از دسـتورهای دینی است، کنار بگذاریم. همچنین ساختمان ها به گونه ای ساخته می شود که هر ساختمان به داخل ساختمان های مقابل دید دارد.

یکی از مهم ترین ابزارهای تهاجم فرهنگی، استفاده از اینترنت است. این تکنولوژی اگرچه دستاوردهای مثبتی دارد، ولی ابزار مهمی جهت تخریب فرهنگ های ناسازگار با

۱- نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ص ۲۰۴.

۲- همان.

آرمان های کشورهای غربی است. امروزه چندین میلیون سایت غیراخلاقی به فعالیت می پردازند و این امر به گونه ای رواج دارد که در برخی موارد به کارکرد اصلی فعالیت های اینترنتی تبدیل شده است.

دوم _ ترویج افراطی گردشگری

دوم _ ترویج افراطی گردشگری

یکی دیگر از نمودهای تهاجم فرهنگی، ترویج بیش از حد فرهنگ گردشگری است. نباید غافل شد که یکی از اهداف مهم یک گردشگر در کنار بازدید از مکان های فرهنگی و دیدنی، خوش گذرانی به هر صورت ممکن است. این پدیده اگرچه با فرهنگ گردشگران سازگاری دارد، ولی در تعارض آشکار با فرهنگ دینی جامعه اسلامی ایران است. به عبارت دیگر، هر فرد یا گروه غیربومی که به جامعه ای وارد می شود، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، فرهنگ خود را نیز به جامعه مقصد وارد می کند. از این موضوع می توان به عنوان «اشاعه فرهنگی» یاد کرد.(۱) اگرچه برخی جنبه های مادی فرهنگ را به وسیله صنعت گردشگری می توان به دنیا شناساند، ولی نباید فراموش کرد که بی دقتی در این امر، نه تنها فرهنگ دینی ایران را تبلیغ نخواهد کرد، بلکه به ابزاری برای ترویج فرهنگ بیگانه تبدیل خواهد شد. ازاین رو، اگر هم به خاطر برخی دلایل اقتصادی و سیاسی، گسترش این صنعت ضرورت داشته باشد، لازم است به گونه ای برنامه ریزی شود که فرهنگ دینی در این مسیر آسیب نبیند.

دو _ عرصه های تهاجم فرهنگی

اشاره

دو _ عرصه های تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

اول _ تضعیف نهاد خانواده

دوم _ گسترش ابتذال و اباحی گری در جامعه

سوم _ سرمایه گذاری نکردن برای ترویج ارزش های دینی

اول _ تضعیف نهاد خانواده

اول _ تضعیف نهاد خانواده

خـانواده از مهم ترین نهادهای اجتماعی است که کودک در آن مراحل جامعه پـذیری را می گذرانـد و با فرهنگ جامعه خود آشـنا می شود. دین اسلام ارزش فراوانی برای خانواده قائل است و تشکیل خانواده را سپر امنیتی برای حفظ دین بر می شمارد. رسول گرامی اسلام می فرماید: «أَلنِّکاحُ سُنَّتِی، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَیْسَ مِنِّی؛ ازدواج، سیره و

ص: ۸۲

۱- همان.

سنّت من است. هر کس از آن روی گرداند، از امت من نیست.»(۱) همچنین می فرماید: «هر کس ازدواج کند، نصف دین خود را کامل کرده است».(۲)

وجود آموزه های دینی فراوان در زمینه وظایف هر یک از اعضای خانواده، اهمیت فوق العاده این نهاد مقدس را نشان می دهد. این در حالی است که جوسازان و هنجارشکنان به بهانه های گوناگون، این نهاد حیاتی را تضعیف می کنند. آنها با ترویج شبهه هایی درباره وظایف هر یک از اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و طرح موضوع هایی مانند مردسالاری و نسبت دادن آن به دین، هم دین را زیر سؤال می برند و هم فضای تفاهم و دوستی موجود در خانواده را ناآرام می سازند. این گونه افراد و گروه ها فلسفه تشکیل خانواده را در رفع نیازهای جنسی، خلاصه بر اساس همین مبنای نادرست، بی بند و باری را ترویج می کنند. این در حالی است که قرآن، فلسفه تشکیل خانواده را رسیدن به آرامش معرفی می کند:

وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ. (روم: ۲۱)

و از نشانه های او این است که از خود شما زوج هایی آفرید تا به واسطه آنها آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد. همانا در آن برای گروهی که بیندیشند، نشانه هایی است.

جامعه در سایه این آرامش، مسیر پیشرفت مادی و معنوی را می پیماید و به آرمان های خود می رسد. یکی از راهکارهای حکومت اسلامی برای حفظ جامعه به ویژه جوانان از گزند انحطاط و تهاجم فرهنگی، ترویج امر مقدس ازدواج است. حتی یکی از سیره های حسنه رسول اللّه صلی الله علیه و آله، فراهم ساختن زمینه ازدواج جوانان بوده است؛ زیرا مشکل بودن ازدواج، جامعه را به سوی انحراف می کشاند و این همان چیزی

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۸۰.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

است که دشمنان دین در آرزوی آن هستند.

هنجارشکنان و غوغاسالاران که در برخی موارد، خود را مدافع حقوق زن معرفی می کنند، حضور زن در خانه را ستمی بزرگ در حق وی به شمار می آورند، ولی در موارد دیگر، حق طبیعی او را کاملاًـ نادیده می گیرند. جامعه اسلامی در صورتی می تواند با این حرکت های تخریبی مقابله کند که مبانی دینی را برای خود روشن سازد و آن را سرلوحه حرکت خویش قرار دهد.

باید دانست اشتغال زنان که به صورت افراطی از سوی این گونه افراد حمایت می شود و انگیزه ازدواج، تربیت فرزند و خانه داری را در میان زنان پایین آورده است، یکی از عوامل افزایش طلاق به شمار می رود. این در حالی است که اگر اشتغال به صورت عادلانه و با توجه به مبانی دینی باشد که سرپرستی اقتصادی خانواده را به مرد داده است، بسیاری از مشکلات بی کاری نیز حل خواهد شد.(۱)

دوم ـ گسترش ابتذال و اباحی گری در جامعه

دوم ـ گسترش ابتذال و اباحی گری در جامعه

مبانی فکری هر جامعه، ارزش های آن جامعه را نیز برای اعضایش تعریف می کند. ارزش ها چونان قطب نمایی هستند که به هنجارهای عملی جهت می دهند و مثل سند هویت یک جامعه عمل می کنند.

جوسازان و غوغاسالاران با تکیه بر جنبه مادی و غریزی انسان، در ترویج هنجارهایی می کوشند که به ارضای این بخش از نیاز انسان می پردازد. افزون بر آن، با بهره گیری از ضعف های موجود در جامعه اسلامی مانند بی عدالتی می کوشند دین را در عرصه برآورده ساختن نیازهای بشری، ناتوان معرفی کنند.

با نگاهی واقع بینانه خواهیم دید که ترویج ابتذال در واقع تیشه زدن به ریشه هنجارهاست. زمانی که می گوییم در جامعه خاصی ابتذال رواج دارد، به این معناست

۱- ما مخالف اشتغال زن نیستیم، ولی معتقدیم در مواردی که شغلی، ویژه زن نیست و مردی که سرپرست خانواده است و مسئولیت تأمین هزینه زندگی را دارد و بی کار است، باید در اولویت قرار گیرد.

که در آن جـامعه، پـای بنـدی به ارزش ها جای خود را به دل بسـتگی به ضـد ارزش ها داده است. ترویـج ابتـذال، یعنی ایجاد فضایی که کنشـگران در آن نمی تواننـد به راحتی بر اساس هنجارهای حاکم عمل کنند. همچنین ارزش های موجود به ارزش های آرمانی و دست نایافتنی تبـدیل می شود و جای خود را به ضد ارزش ها می دهد، به گونه ای که ضد ارزش ها به تدریج به ارزش تبـدیل می شونـد. ازاین رو، بارهـا دیـده ایم افراد بی قیـد و بنـد نه تنهـا رفتارهـای هنجارمنـد نشـان نمی دهنـد، بلکه رفتارهـای نادرست خود را مبنای رفتار دیگران قرار می دهنـد و بر همین اساس، رفتارهای ارزشـمند و هنجارمنـد را به تمسـخر می گیرنـد. برای مثال، افراد متعهـد و مـذهبی را واپس گرا معرفی می کننـد و می گوینـد: «آن دسـته از جوانانی که به مساجد روی می آورنـد یا کتب دینی را مطالعه می کنند، از نظر ساختار فکری و روانی، ضـعیف هسـتند؛ یعنی ضـعفای نسل جوان از نظر فکری و روانی و کم اطلاع ترین آنها هستند».(۱)

تقوا، عامـل بازدارنـده ای است که در نبود آن حتی به بیت المال هم رحم نخواهـد شـد. برای مثال، مسـئولان دولتی در اسـتان خوزسـتان، بـا هزینه کردن میلیون هـا تومـان از بیت المـال، مراسم پـای کوبی بـا حضور رقاصان وارداتی از ارمنسـتان، برگزار کردند و نام آن را «جشنواره ایران زمین» نهادند. این در حالی است که این گونه مراسم غیردینی هیچ سنخیتی با فرهنگ دینی جامعه ایران نـدارد. بر همین اساس، مراجع عظام و عالمان دینی به شدت در برابر این اعمال هنجارشـکنانه به واکنش پرداختند و اصلاح و پاک سازی وزارت ارشاد را خواستار شدند.

بایـد توجه داشت که برخی از این اقـدام هـا به نـام آزادی هـای اجتمـاعی صورت می گیرد، درحالی که در یک جامعه دینی، آزادی تا جایی است که به اخلاق و ارزش های دینی جامعه آسیب وارد نشود. هر چه کنترل های معقول، ضعیف تر باشد،

۱- م. سـلحشور، تهاجم شـیطانی، قم، انتشارات فیضیه، ۱۳۸۰، چ ۲، ص ۳۳، به نقل از: روزنامه فتـح، ۱۵/۱۰/۱۳۷۸، سخنی از محمد مجتهد شبستری.

سوء استفاده ها نیز بیشتر خواهد شد. برای مثال، «در شام غریبان اباعبدالّله الحسین علیه السلام که میلیون ها ایرانی سیاه پوش در ماتم سیدالشهدا علیه السلام و مظلومیت اهل بیت امام حسین علیه السلامو شهدای کربلا به سوگواری و عزاداری پرداختند، جمعی از دختران و پسران لاابالی در میدان محسنی و خیابان میرداماد تهران تجمع کردند و با روشن کردن شمع، سوت و کف زدن، هلهله سر دادند. در این مراسم، دختران و زنان بدحجاب و بی حجاب با لباس های مستهجن و چسبان و با روسری های توری و بدون روسری به همراه پسران لاابالی با تیپ های غربی با وقیح ترین شکل به تمسخر و اهانت به اعتقادات مذهبی پرداختند. پخش موسیقی تند، افتادن روسری های توری دختران و زنان و به آغوش کشیدن آنان توسط پسران از جمله رخدادها در این مراسم عزاداری بود».(۱)

این گونه اقدام ها در حالی صورت می گیرد که سیدالشهدا علیه السلام، هدف خود را نجات اسلام و ارزش های اسلامی معرفی می کند: «أَلا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لایُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْباطِلَ لایُتَناهی عَنْهُ؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟»(۲) درحالی که زینب علیهاالسلام در راه حفظ دین اسیر شد، ولی برخی از هنجارشکنان و غوغا سالاران در بی حرمتی عجیبی، آزادانه مقدسات دینی را به تمسخر گرفتند. «در جمهوری اسلامی ایران، جلوی چشم بیگانگان، دختر و پسر از روی آتش پریدند و همدیگر را در آغوش گرفتند و [وقتی] مسلمانان کشورهای دیگر مشاهده می کنند، از خود می پرسند آیا اینجا کشور اسلامی است؟ آیا این همان جایی است که امام خمینی رحمه الله انقلاب کرد؟ چه کسی این کارها را انجام داد؟ آیا کسی غیر از حاکمان نااهل...؟»

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۴/۱۲/۱۳۸۳.

۲- ابن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۰ ه . ق، ص ۲۴۹.

(۱)

همه اینها این نکته را گوشزد می کند که هر قدمی هر چند کوچک در مسیر تخریب ارزش ها برداشته می شود، قدم های بزرگ تر را نیز در پی خواهد داشت. اگر همان زمان به بهانه تساهل و تسامح افراطی، این اقدام ها به وسیله برخی مراکز فرهنگی رواج داده نمی شد و قوه قضاییه با این گونه انحراف ها برخورد جدی می کرد، دیگر امروز این گونه جرئت نمی کردند به عزاداری سیدالشهدا علیه السلام اهانت کنند.

متأسفانه سینما، رادیو و تلویزیون و برخی کتاب ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، در ترویج اباحی گری و بی قیدی مؤثرند. البته باید به این نکته توجه داشت که این گونه اقدام ها نه تخریب هنجارها که تخریب مبانی هنجارها؛ یعنی ارزش هاست. ترویج ابتذال افزون بر آسیب رسانی به ارزش های دینی، آثار زیان بار مادی فراوانی نیز بر جای خواهد گذاشت که جبران آن در بسیاری موارد، ناممکن یا بسیار هزینه بر است. افزایش آمار ایدز تا ۴۰ هزار نفر،(۲) ارمغان بی بندوباری هایی است که در جامعه اسلامی ما ترویج می شود.

سوم _ سرمایه گذاری نکردن برای ترویج ارزش های دینی

سوم _ سرمایه گذاری نکردن برای ترویج ارزش های دینی

در کنار این همه هزینه های غیرمشروع یا به ظاهر مشروع برای حفظ برخی بناهای تاریخی غیردینی (تخت جمشید)،(۳) در راه سرمایه گذاری برای ترویج ارزش های دینی بی مهری های فراوانی می شود. برای مثال، به بهانه های واهی از پذیرش درخواست کمک جزئی برای تهیه جایزه کلاس قرآن خودداری می شود،(۴) درحالی که بسیاری از سرمایه های کلان بیت المال در آموزش موسیقی پاپ و مانند آن صرف می گردد.

سه _ راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی

اشاره

سه _ راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی

مواردی که گذشت، اشاره ای گذرا به حرکت دشمنان برای زدودن فرهنگ دینی

۱- محمدتقی مصباح یزدی، در پرتو آذرخش، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۴۹.

۲- هفته نامه پرتو، ۲۳/۱۰/۱۳۸۳.

۳- اگرچه حفظ این بناها به خودی خود نامشروع نمی نماید، ولی باید توجه داشت حفظ فرهنگ دینی واجب عینی و فوری است و حفظ بناهای تاریخی در صورتی می تواند موجه باشد که اولویت بندی مناسب صورت گیرد.

۴- نویسنده، خود در زمان دولت اصلاحات با این معضل مواجه بوده است.

بود. دشمنان دین می کوشند با تضعیف تعهد دینی مردم، جامعه اسلامی را زیر سلطه خود قرار دهند. برای مقابله با تهاجم فرهنگی، نخست باید باور داشته باشیم که مورد تهاجم قرار گرفته ایم؛ زیرا احساس درد، بهترین مشوق برای یافتن درمان است. متأسفانه بسیاری هنوز هم توطئه های دشمنان اسلام و ایران را توهم می پندارند. راهکارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی را می توان چنین برشمرد:

اول _ معرفی فرهنگ غنی اسلام

اول _ معرفی فرهنگ غنی اسلام

دین مقدس اسلام و ارزش های آن، توان برآورده کردن همه نیازهای مادی و معنوی مردم را دارد. ازاین رو، شناساندن این فرهنگ، مهم ترین عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی است. در اینجا وظیفه خطیر مبلّغان دین آشکار می شود و حمایت نهادهای فرهنگی به ویژه سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از این قشر الزامی می نماید. با کمال تأسف، برخی از این نهادها نه تنها در راه ترویج دین گام چندانی بر نمی دارند، بلکه بودجه بیت المال را صرف ترویج مسائلی مانند آموزش موسیقی می کنند که در برخی موارد با روح اسلام سازگاری ندارد.

معرفی فرهنگ اسلام به جهان بسیار مفید خواهد بود؛ زیرا فرهنگ اسلام برگرفته از منبعی فناناپذیر است که هیچ گونه نقصی در آن نیست و با فطرت پاک انسانی نیز هماهنگی دارد. وقتی از خانم فرانسوی تازه مسلمانی پرسیدند چرا مسلمان شده ای؟ گفت:

در الجزایر و کنار یک زمین کشاورزی دیدم مردی حرکات خاصی انجام می دهد و به طرز خاصی خم و راست می شود و پیشانی بر خاک می گذارد. از کسانی که در آن اطراف بودند، پرسیدم او چه می کند؟ گفتند نماز می خواند. با شنیدن این حرف به سوی او رفتم تا از خودش سؤال کنم. او در پاسخ گفت: من نماز می خوانم و به این طریق با خدای خود ارتباط برقرار می کنم. وقتی این نکته را شنیدم، بلافاصله من نیز مسلمان شدم؛ چرا که با خود گفتم دینی که [در آن] ارتباط با خدا به این آسانی است و در هر

مکانی امکان ارتباط وجود دارد، بهترین و کامل ترین دین است.(۱)

دوم _ آموزش و بسیج عمومی

دوم _ آموزش و بسیج عمومی

در متون دینی بر آشنا ساختن اعضای جامعه با فرهنگ دینی تأکید فراوانی شده است. وقتی آموزگار یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام، آیه «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ» را به او آموزش داد، سید الشهدا علیه السلام هزار دینار و هزار حلّه به آموزگار داد و دهان او را پر از مروارید کرد و فرمود: «آنچه دادم، نمی تواند با آنچه آموخت، برابری کند».(۲)

آشنا ساختن مردم با فرهنگ به اندازه ای اهمیت دارد که اسپنسر، جامعه شناس انگلیسی می نویسد:

اخلاق و آداب و زبان و تمدن خودتان را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خودشان واگذارید که «همیشه» از آن شما خواهند بود.(۳)

این عمل، سنگینی مسئولیت نهادهای فرهنگی و آموزشی مانند خانواده و آموزش و پرورش و رادیو و تلویزیون را می رساند. در عین حال، لازم است فضایی در جامعه ایجاد شود که همه در برابر ارزش های دینی احساس مسئولیت کنند. بسیج عمومی در این مسیر و ایجاد دغدغه دینی در جامعه می تواند موفقیت چنین طرح هایی را ضمانت کنند.

سوم _ پاسخ به شبهه ها

سوم _ پاسخ به شبهه ها

از آنجا که غوغاسالاران برای پیشبرد هدف های خود به طرح شبهه می پردازند و در تشویش اذهان عمومی می کوشند، لازم است جلسه های علمی با حضور کارشناسان دینی و با مشارکت جوانان تشکیل شود. این امر تا حد زیادی فعالیت دشمنان را خنثی خواهد کرد. امامان معصوم علیهم السلام به این امر توجه اساسی داشتند و شاگردانی نیز در

۱- دیلمی، هزار نکته درباره نماز، قم، انتشارات حرم، ۱۳۸۲.

۲- محمد محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، چ ۸ ، ج ۱، ص ۷۲.

۳- محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۱۵۲.

همین راستا پرورش دادند. برای مثال، امام صادق علیه السلام، شاگردان فراوانی پرورش داد که هر کدام در رشته ای خاص تخصص داشتند. امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری نیز در بیان خود بر بیداری و تخصص و فعالیت گسترده روحانیت برای حفظ دین از آسیب ها تأکید فراوانی داشته و دارند.

چهارم ـ مشارکت دادن جوانان در جلسه های دینی

چهارم ـ مشارکت دادن جوانان در جلسه های دینی

متأسفانه جلسه های دینی، مورد بی مهری قرار می گیرند. ازاین رو، باید با تخصیص کمک های مادی و معنوی، آنها را رونق داد. مشارکت دادن جوانان در این زمینه در حضور فعال آنان در این جلسه ها تأثیر اساسی داشته دارد؛ زیرا خود را در متن جامعه و مشکلات مربوط به آن می بینند و حس مسئولیت پذیری در آنها زنده می شود. همچنین وقتی هدایت برخی جلسه ها در دست جوانان باشد، جوانانِ دیگر نیز به دلیل اینکه از نظر سنی و سلیقه با آنان سنخیت دارند، به صورت فعال تری در این گونه محافل شرکت می کنند که ثمره عملی آن، چیزی جز بیمه شدن ارزش های دینی نخواهد بود. اهمیت اساسی این بحث بدان دلیل است که جوانان از سویی دارای احساس و روحیه پاک هستند و از سوی دیگر، سرمایه گذاری بر روی آنان از آن جهت که سرمایه آینده جامعه هستند، بسیار عاقلانه به نظر می رسد. همچنان که دشمنان دین با آگاهی از این واقعیت مهم، برای منحرف کردن جوانان تلاش می کنند.

نکته تأسف بار این است که چنین اراده ای برای برخورد با تهاجم فرهنگی در میان برخی مسئولان کمتر دیده می شود. ازاین رو، حتی در برخی موارد، بودجه هایی که برای مبارزه با تهاجم فرهنگی تصویب می شود، در مسیر تهاجم فرهنگی مانند ترویج موسیقی و مانند آن صرف می شود.(۱) حجت الاسلام والمسلمین قرائتی با اعتراض به

۱- توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب در این زمینه روشنگر خواهد بود. ایشان می فرماید: «اینکه ما فرض کنیم با صدای ساز و نی، این فرد به خدا نزدیک می شود، مقدار زیادی از اینها حرف است.» ایشان در ادامه می فرماید: «به نظر من، پخش موسیقی در برنامه های سحر ماه رمضان که افراد برای عبادت و شنیدن دعا بیدار شده اند، لازم نیست. اصلاً چه لزومی دارد که بین دو برنامه، موسیقی و ساز وجود داشته باشد. سخنرانی در جمع مسئولان صدا و سیمای مراکز استان ها، ۷/۱۲/۱۳۷۰.

این گونه اقدام ها، خطاب به مسئولان امر گفت: «چرا بودجه برخورد با تهاجم فرهنگی غرب را برای ساختن استخرهای شنا، خرید رایانه و بازی شطرنج هزینه می کنید؟»(۱)

پنجم _ قاطعیت در برخورد با هنجارشکنان

پنجم _ قاطعیت در برخورد با هنجارشکنان

یکی از آسیب هایی که جامعه دینی را تهدید می کند، برخورد انفعالی با هنجارشکنان است. اگرچه احکام دینی در برخی موارد به نرمی و ملایمت با خطاکاران سفارش می کند، در مواردی نیز به برخورد قاطع تأکید کرده است. این امر بدان جهت است که اصولاً نمی توان به بهانه مدارا با افرادی خاص، کل جامعه را فدا کرد. بر همین اساس، در متون دینی بر برخورد قاطع با نافرمانی هایی که ارزش ها را خدشه دار می سازد، تأکید شده است. برای نمونه، قرآن در زمینه تنبیه دزد (در صورتی که با شرایط مورد نظر باشد) می فرماید: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَهُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاء بِما كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللّه وَ اللّه عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببُرید و خداوند توانا و حکیم است». (مائده: ۳۸)

خداوند متعال برای چنین کسانی عذاب سخت در دنیا و آخرت را وعده می دهد و این هشداری به مسئولان و اعضای جامعه اسلامی است که ارزش ها را از خطر نابودی حفظ کنند. با وجود اینکه اسلام، دین رحمت است، درباره برخورد با افراد فاسد می فرماید: «به این گونه افراد، رأفت و رحمت نشان ندهید.»(۲) همچنین دستور می دهد هنگام مجازات این گونه افراد، گروهی از مؤمنان نیز شاهد عذاب آنها باشند؛ زیرا این شهادت، عامل بازدارنده ای است که جامعه را از فساد حفظ خواهد کرد.

ص: ۹۱

۱- سخنرانی در مشهد، مجله صبح، ش ۹۸، تیر ۱۳۷۸، ص ۲.

۲- «الزّانِيَهُ وَ الزّانی فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَهَ جَلْدَهٍ وَ لاتَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَهٌ فی دينِ اللّهِ إنْ كُنْتُمْ تُؤمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لْيَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَهٌ مِنَ الْمُؤمِنينَ؛ به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در کار دین خدا، نسبت به آن دو دل سوزی نکنید، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند». نور: ۲

و) تأکید بر آزادی های بی حد و مرز

اشاره

و) تأکید بر آزادی های بی حد و مرز

کسانی که با حاکمیت اسلام مخالفند، به بهانه های گوناگون به سنگ اندازی می پردازند. یکی از توطئه های این افراد و گروه ها، تأکید بر آزادی انسان است. آنها ادعا دارند افراد جامعه در پای بندی به احکام دینی آزادند. آنان در این زمینه به برخی آیات قرآن نیز استناد می کنند و با ایجاد شبهه می کوشند کسانی را که از مبانی دینی آگاهی ندارند، گمراه سازند. در ادامه، برخی آیات مورد استناد آنها را می آوریم.

خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ؛ پس تذکر ده که همانا تو تذکردهنده ای و سلطه گر بر آنان نیستی.» (غاشیه: ۲۱ و ۲۲) جوسازان ادعا می کنند از این آیه و آیات مانند آن برمی آید که پیامبر حق ندارد در زندگی مردم اظهار نظر کند و لازم نیست مردم از پیامبر اطاعت کنند. همچنین در آیه دیگر می فرماید: «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ؛ و بگو حق (اسلام) از طرف خداست. پس هر کس خواست، ایمان آورد و هر کس خواست، کفر ورزد.» (کهف: ۲۹) از این آیه نیز استفاده می کنند که کسی حق ندارد درباره رفتار نیک یا بد دیگران اظهار نظر کند و هر کس آزاد است هرگونه رفتار کند.

جالب اینکه این گونه جوسازی ها به نام دفاع از حقوق بشر و مانند آن صورت می گیرد. آنان با محوریت بخشیدن به انسان، وی را در برابر خداوند قرار می دهند و مکلّف بودن انسان را در برابر خدا زیر سؤال می برند.

یک ــ پاسخ برون دینی

یک ــ پاسخ برون دینی

این ادعا (آزادی بی حد و حصر) با حکم عقل سازگار نیست؛ زیرا در جوامعی هم که حکومت دینی در آن حاکم نیست، برای اینکه با هرج و مرج و بی نظمی روبه رو نشوند، قوانینی در جهت محدودیت آزادی انسان وضع می کنند؛ زیرا اگر هرکس بنا بر خواسته های نفسانی اش عمل کند، هرج و مرج بر جامعه حاکم می شود. در چنین جامعه ای، زورمندان، خواسته های خود را بر جامعه تحمیل می کنند و آزادی دیگران را

خواهند گرفت؛ یعنی نتیجه آزادی بی حد و مرز، چیزی جز نابودی جامعه نخواهد بود. بنابراین، قوانینی که در جوامع سکولار حاکم است، آزادی را تا حدی می پذیرد که مزاحم حقوق دیگران نباشد. بر همین اساس، مختار بودن انسان، ملازم با بی قیدی او نیست.(۱) به طور کلی، بسیار غیرعاقلانه است که کسی بخواهد آزادی را به قیمت محدود کردن آزادی دیگران، تفسیر و معنا کند.

دو ـ پاسخ درون دینی

دو ـ پاسخ درون دینی

با تأمل در آیات قرآن روشن می شود که:

۱. حاکم اسلامی باید جامعه را به سوی هدف های الهی حرکت دهد. خداوند متعال می فرماید: «إِنّا أَنْزَلْنا إِلَيْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْکُمَ بَيْنَ النّاسِ بِما أَراکَ اللّهُ؛ ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا با آنچه به تو آموخته است، در میان مردم داوری کنی». (نساء: ۱۰۵) همچنین در آیه ای دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان واقعی را سرپرست مردم معرفی می کند و می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّکُمُ اللّه ُوَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُواْ؛ ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر و کسانی هستند که ایمان آورده اند». (مائده: ۵۵)

۲. اعضای جامعه باید از این دستورها اطاعت کنند:

فَلا وَ رَبِّکَ لايُؤْمِنُونَ حَتّى يُحَکِّمُوکَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لايَجِدُوا فى أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليمًا. (نساء: ۶۵)

به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند مگر آنکه تو را درباره آنچه میان آنان مایه اختلاف است، داور گردانند، سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی و تردید نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

مفهوم آیه این است که تا اطاعت عملی و ترجیح حکم ولیّ خدا بر حکم خود در کار نباشد، ایمانی نیز نخواهد بود. البته این گونه نیست که هر فردی بدون در نظر گرفتن ویژگی های لازم به مقام خلیفه اللهی برسد؛ زیرا خود خداوند برخی انسان ها را

۱- نظریه سیاسی اسلام، ص .

دشمن پیامبران معرفی می کند، چنان که می فرماید: «وَ کَذلِکَ جَعَلْنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیاطینَ اْلإِنْسِ وَ الْجِنِّ؛ این گونه در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم.» (انعام: ۱۱۲) روشن است که وقتی خداوند در مورد انسان چنین سخن بگوید، همه انسان ها را خلیفه الهی نخواهد دانست.

امام خمینی رحمه الله نیز درباره حد و مرز آزادی می فرماید:

آزادی معنایش این نیست که بنشینید برخلاف اسلام صحبت کنید. آزادی در حدود قانون است و قانون این کشور، اسلام است. آزادی در حدود این است که به اسلام ضربه نخورد.(۱)

شعار آزادی مطلق، دام فریبنده ای بیش نیست که در جوامع غربی با هدف های خاصی مطرح شده است. با همین شعار، انسان امروز به دامی گرفتار آمده است که خلاصی از آن آسان نیست. از این روست که می گوییم وجود ضمانت اجرایی برای احکام الهی، امری ضروری است و اگر این ضمانت نباشد، تعهد عملی مؤمنان نیز ممکن نخواهد بود. پس این احکام به ویژه در بخش احکام اجتماعی باید ضمانت اجرایی لازم را داشته باشند.

ز) نبود مقبولیت کافی در هنجارها

ز) نبود مقبولیت کافی در هنجارها

عوامل متعددی در پای بندی مردم به هنجارها دخالت دارند. این عوامل را می توان به عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. منظور از عوامل درونی آن است که انجام هنجار از توان افراد جامعه بیرون نباشد. این نکته در آموزه های اسلامی به خوبی مورد توجه بوده است. خداوند در قرآن می فرماید: «ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ؛ در دین شما سختی قرار نداده است.» (حج: ۷۸) یعنی آموزه های دینی به گونه ای نیست که معتقدان را زیر فشار تحمل ناپذیری قرار دهد. دیگر اینکه باید در برابر هزینه ای که افراد برای عمل به هنجار می پردازند، منفعتی برای آنان داشته

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۸۶. با گزینش

باشـد. این نکته نیز دربـاره ارزش های دینی به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. به این صورت که در متون دینی، اگر عملی از مؤمنان خواسته می شود، در برابر آن به پاداش اخروی متناسب با آن نیز اشاره می گردد:

مَنْ عَمِلَ صَالِحا مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (نحل: ۹۷)

هر کس ــ از مرد یا زن ــ کار شایسته کند و مؤمن باشد، به یقین، او را به زندگی پاک زنده می داریم و به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد.

البته برخی هنجارهـا در میـان مردم مقبولیت ندارنـد و به آنهـا عمـل نمی شود و حـتی در برخی موارد، به فراموشـی سپرده می شود. هنجارهای رسـمی؛ یعنی قوانین دولتی در برخی موارد این گونه انـد. این بدان جهت است که این قوانین بشـری هسـتند. برای مثال، امروزه به طور معمول، هر کس که مالیات خود را به دولت نپردازد، جامعه او را زیر فشار قرار نمی دهد، بلکه حتی جامعه در برخی موارد، افراد را به بی توجهی به این قوانین تشویق می کند. این امر یا به این دلیل است که این قوانین در برخی موارد عادلانه نیست(۱) یـا اینکه به علت ناعادلانـه بودن بسـیاری از قوانین دیگر، قوانین عادلانـه نیز اعتبار خود را از دست می دهـد. روشن است که در چنین وضـعیتی، مالیاتی پرداخت نخواهـد شد؛ زیرا جامعه، مالیاتی را که شامل یک چهارم درآمدی است که بـدون کسـر مالیات نیز مخارج یک خانواده را تأمین نمی کنـد، ناعادلانه می داند. همچنین اگر مردم به دولت اعتماد نداشـته باشند، قوانین مصوب آن را نیز اجرایی نخواهند دانست.(۲) همچنین قوانینی که دربردارنده سـخت گیری های بیش از حد برای زندگی روزانه هستند (مانند برخی قوانین راهنمایی و رانندگی) با بی مهری روبه رو خواهند شد؛ زیرا هدف از

۱- برای نمونه، نک: روزنامه اعتماد، ۳۰/۳/۱۳۸۴، ص ۳.

۲- سیدحسین شرف الدین، جزوه درسی انحرافات اجتماعی.

تصویب چنین قوانینی، آسانی در زنـدگی مردم است، درحالی که بیشتر مردم معتقدنـد این هنجارها و قوانین، زنـدگی آنان را دچار مشکل می سازد.(۱)

بایـد توجه داشت که نبود مقبولیت هنجارهـا، همیشه ویژگی ذاتی آنهـا نیست، بلکه گـاهی افراد یا گروه هایی که دل بسـتگی چنـدانی به هنجارهـا ندارنـد، موجودیت آنهـا را به خطر می اندازنـد. چون به هر حال، هنجارها در عین آسان کردن زنـدگی، محدودیت هایی نیز ایجاد می کنند که برخی حاضر نیستند این محدودیت کم را نیز تحمل کنند.

به هر حال، دست اندرکاران فرهنگی و سیاسی باید توجه داشته باشند که: ۱. هنجارهای رسمی در قبال محدودیت های جزئی که برای جامعه ایجاد می کنند، منافعی نیز برای آنها داشته باشند.

۲. هنجارهای دینی را کارشـناسان دینی به صورت تخصصی چنان تبیین کنند که از جذابیت آنها نکاهد و مقاومت منفی ایجاد نکند.

ح) القای ناسازگاری میان ارزش ها و منافع فردی

ح) القای ناسازگاری میان ارزش ها و منافع فردی

یکی از آسـیب هـایی که هنجارها و ارزش های جامعه دینی را تهدیـد می کنـد، این است که اعضای آن جامعه احساس کنند ارزش هـا و هنجارهـای موجود نه تنهـا به سود آنها نیست، بلکه از جنبه های مختلف، آنها را در محـدودیت قرار می دهـد. در این صورت، آنها ارزش ها را به روش های گوناگون زیر سؤال می برنـد و تضـعیف می کنند. یکی از دلایل احساس تعارض، احسـاس دوگـانگی میـان برخی هنجارهـای جاهلی و هنجارهای دینی است که بسـیار خطرناك است. وجود این گونه تعارض ها، افراد جامعه را از

۱- اگرچه دخالت دادن رأی اکثریت درباره قوانین تکلیفی اولیه اعتبار ندارد، ولی روشن است که در ارتباط با احکام وضـعی و قوانین ثانویه، لازم است دقت شود که این قوانین زنـدگی را برای اعضای جامعه تسـهیل کنـد، چون خداونـد متعال به عنوان کامل ترین قانون گذار، این نکته را در نظر گرفته است و می فرماید: «لا حرج فی الدین».

تعهـد عملی به هنجارهـا بـاز خواهـد داشت. همچنـان که قوم شـعیب در برابر تکلیف و پیام الهی بهانه گیری می کردنـد و می گفتند:

قالُوا یا شُعَیْبُ أَ صَلاتُکَ تَأْمُرُکَ أَنْ نَتْرُکَ ما یَعْبُدُ آباؤُنا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فی أَمْوالِنا ما نَشاءُ. (هود: ۸۷)

ای شعیب! آیا نماز تو امر می کند آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم؟

شعیب نیز به قوم خود می گفت:

قـالَ یـا قَوْمِ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ کُنْتُ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبّی وَ رَزَقَنی مِنْهُ رِزْقًـا حَسَـنًا وَ مـا أُریـدُ أَنْ أُخـالِفَکُمْ إِلی ما أَنْهاکُمْ عَنْهُ إِنْ أُریـدُ إِلاَّ الْإِصْلاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ ما تَوْفیقی إِلاّ بِاللّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنیبُ. (هود: ۸۸)

گفت: ای قوم من! بیندیشـید اگر از جـانب پروردگارم دلیل روشـنی داشـته باشم و او از سوی خود، روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرسـتش او دست بردارم.] من نمی خواهم در آنچه شما را از آن باز می دارم، با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم.] من قصـدی جز اصـلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم، نـدارم و توفیق من جز به [یاری] خـدا نیست. بر او توکل کرده ام و به سوی او باز می گردم.

یکی دیگر از عوامـل ایجاد این احساس آن است که میان رفتارهای موجود در جامعه و ارزش های دینی، دوگانگی دیـده می شود. این ویژگی، در جـامعه امروز ایران نیز تـا حـد زیـادی وجود دارد. فرامرز رفیع پور، اسـتاد جامعه شناسـی دانشـگاه شـهید بهشتی می نویسد:

یکی از دانشـجویان دختر شهرستانی بسیار خوش قلب و بامحبت، مدتی برای نوشتن پایان نامه اش با من کار می کرد. ظاهر او با دانشـجویانی که با من کار می کردند، کمی متفاوت بود. آراسـته، انگشتر و دستبند طلا و با مانتویی به خیال خودش مدرن، با دکمه های بزرگ روشن که حکایت از پیروی کورکورانه از هنجارهای یک فرهنگ عقب افتاده می کرد. بالاخره روزی

مورد سؤال من قرار گرفت. گفت: من بیرون از دانشگاه چادر سر می کنم و اصلاً هم از تجملات خوشم نمی آید، ولی... جو دانشگاه به گونه ای است که اگر آدم مثل بقیه بچه ها نباشد، مسخره اش می کنند.(۱)

یکی دیگر از دلایل ایجاد این احساس، ایجاد محدودیت های شدید و بدون دلیل از سوی برخی نهادها و سازمان های رسمی و غیر رسمی است. برای مثال، مدت ها در جامعه ایران مرسوم بود که دختر و پسر هنگام ازدواج نباید همدیگر را ببینند و این ملاقات را خلاف عرف و شرع می دانستند، درحالی که این رسم نه با عقل سازگار است و نه در شرع وجود دارد و تنها افراد را در تعارض با ارزش ها و هنجارهای دینی قرار می دهد؛ زیرا افراد جامعه به علت ناآگاهی، آن را به حساب دین می گذارند و نادرستی این رسم را به ارزش های دینی تعمیم می دهند. آن گاه این ارزش ها را با وجود اینکه شناخت کاملی از آن ندارند، زیر سؤال می برند. این نکته زمانی اهمیت می یابد که برخی افراد یا جریان ها به دلیل کینه ای که با دین دارند، با تأکید بر این گونه رسم ها، به عمد آنها را جزو دین معرفی و بر همین اساس، بی رحمانه به آموزه های دینی حمله می کنند.

ط) ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش ها و دین

ط) ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش ها و دین

جوسازان و غوغاسالاران به علت مخالفت با آموزه های دینی، با هجمه به قوانین تنبیهی اسلام، آنها را خشن و نامنطبق با حقوق بشر معرفی می کنند و بدین وسیله، اسلام و احکام اسلامی را زیر سؤال می برند. آنان غافلند که احکام دینی بر اساس نیازهای انسانی وضع شده است و با آن سازگاری کامل دارد. از آنجا که اسلام، دینی کامل و همه جانبه نگر است، برای افرادی که به هنجارشکنی می پردازند و ارزش های

۱- شمس اللّه مریجی، عوامل مؤثر در انحراف از ارزش ها، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، چ ۱، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

جامعه را نادیده می گیرند متناسب با جرمی که مرتکب می شوند، برخی قوانین تنبیهی را در نظر گرفته است تا رفتارهای خود را بـا فضای جامعه اسـلامی هماهنگ کننـد. البته این امر خاص جامعه اسـلامی نیست، بلکه همه جوامع چنین قوانین و مقرراتی دارنـد. نقطه قوت قوانین اسـلامی این است که به علت وحیانی بودن، هیـچ گونه نقصـی ندارند و عادلانه ترین قوانین هسـتند، درحالی که قوانین بشری، خطاهای فراوان دارند که به مرور زمان، نمود بیشتری می یابند.

بـدون قوانین تنبیهی، اعضـای جـامعه حتی از آزادی های مشـروع خود نیز محروم خواهنـد بود؛ زیرا آزادی به معنای بی قیـد و بندی ایجاب می کند که آزادی یک فرد بتواند آزادی همه جامعه را زیر سؤال ببرد و این عین خشونت است. ازاین رو، قوانین جزایی و کیفری اگر چه در مواردی با برخی افراد، برخوردی به ظاهر خشن را تجویز می کند، ولی این برخورد به ظاهر خشـن ماننـد اعدام افراد انگشت شـمار، نتیجه ای جز لطف به دیگر اعضای جامعه نخواهد داشت. این در حالی است که ورای قوانین به ظـاهر محبت آمیز مـدعیان حقوق بشـر، چیزی جز خشونت نیست. ازاین رو، قتـل و کشـتار چنان در جوامع غربی به ویژه در امریکـا عـادی است که یـک دانش آموز دوران ابتـدایی در کلاـس درس، چنـد نفر از هم کلاسـی ها و معلمش را به قتل می رساند. بر همین اساس، دفاع برخی دولت های استعماری از حقوق بشر چیزی جز تراژدی غم بار خشونت، قتل و کشتار نیست.

ی) ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی

ی) ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی

فرهنـگ به آسانی از میان نمی رود و عناصـر به ظاهر فراموش شـده آن به بهانه های مختلف در کنش اعضای جامعه نمود می یابـد. این نکته زمـانی اهمیت می یابـد که در یـک جـامعه دینی، برخی از عناصـر فرهنگ سـنتی و ملی جامعه با فرهنگ دینی جـامعه در تعـارض باشـد. در این صـورت، بازیـابی آنهـا می توانـد فرهنـگ دینی موجود را بـا خطر فراموشـی روبه رو سـازد. خداوند متعال با ناپسندشمردن پیروی کورکورانه از فرهنگ

ص :۹۹

گذشتگان، این عمل را دست کم در بسیاری از موارد بدون پشتوانه عقلی و منطقی کافی معرفی می کند و می فرماید:

وَ إِذا قیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لایَعْقِلُونَ شَیْئًا وَ لایَهْتَدُونَ. (بقره: ۱۷۰)

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می گویند: نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم؛ آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم درخور پیروی هستند].

قرآن مجید با تأکید بر الگوآفرینی برای زندگی بشر، بی توجهی به الگوهای دینی، بازگشت به گذشته و خروج از ولایت الهی را زشت می شمارد(۱) و موجب خسران و پشیمانی معرفی می کند.(۲) به طور کلی، برگشت به فرهنگ غلط و غیردینی چنان ناپسند است که تعبیر «جاهلیت» را درباره آن به کار برده است.

در جامعه ایرانی، بازگشت به گذشته در شکل های دیگری از جمله برخی رفتارهای افراطی ملی گرایانه یا رفتارهای منتسب به آیین زرتشت از جمله تقدس دادن به آتش صورت می گیرد که گاه فرهنگ دینی جامعه را با بحران روبه رو می سازد. ترویج چهارشنبه سوری و روشن کردن آتش از این گونه رفتارهاست. این حرکت ها در برهه ای از تاریخ انقلاب، چنان پیش رفت که حامیان ترویج فرهنگ ملی در برنامه ای تصمیم داشتند مراسم تحویل سال را که هر سال در مشهد مقدس صورت می گیرد، به تخت جمشید منتقل کنند و توجه مردم را که هر سال به ضریح پاک امام رضا علیه السلامچشم دارند، به سوی نمادهای طاغوت برگرداندند که این توطئه با هوشیاری رهبر انقلاب خنثی شد.

۱- «وَ ما مُحَمَّدٌ إِلّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ وَ مَنْ یَنْقَلِبْ عَلی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللّهَ شَیْئًا وَ سَیَجْزِی اللّهُ الشّاکِرِینَ». آل عمران: ۱۴۴

۲- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تُطیعُوا الَّذینَ کَفَرُوا یَرُدُّوکُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرینَ». آل عمران: ۱۴۹

اصولاً ملی گرایی بدون توجه به فرهنگ و ملیت اسلامی، نوعی بازگشت جاهلانه به گذشته است. این عمل از آنجا که نوعی بزرگ داشت گذشته بدون توجه به ضعف های آن است، رفتاری ناپسند به شمار می رود که تا حدودی از سال ۱۳۲۰ به بعد در جامعه ایران ریشه دوانده و مشکلات اعتقادی فراوانی برای این جامعه به یادگار گذاشته است. اثرگذاری برگشت به جاهلیت در جوسازی بدین گونه است که جوسازان و غوغاسالاران به بهانه ترویج فرهنگ ملی، فرهنگ دینی جامعه را تضعیف می کنند. با تضعیف و افول ارزش های دینی، حساسیت نسبت به آنها کم می شود و جوسازان در گام های بعدی با موانع کمتری روبه رو خواهند بود.

ک) وابسته دانستن ناکامی ها به پیروی از ارزش ها و تعارض آن با دانش بشری

ک) وابسته دانستن ناکامی ها به پیروی از ارزش ها و تعارض آن با دانش بشری

یکی دیگر از ابزارهایی که برای جوسازی و هنجارشکنی در برابر هنجارهای جامعه اسلامی به کار می رود، القای تعارض آموزه های دینی با علوم بشری و پیشرفت های مادی است. این جوسازی ها که از رنسانس در اروپا سرچشمه می گیرد، به تدریج لابه لای آثار ترجمه ای، به کشورهای اسلامی نیز راه یافته است. برخی ناآگاهان با مقایسه غلط اسلام با مسیحیت تحریف شده، می کوشند نقاط ضعف در مسیحیت را به اسلام نیز نسبت دهند. آنها عامل عقب ماندگی جامعه اسلامی را پیروی از آموزه های دینی معرفی می کنند و در سکولاریزه کردن این جامعه می کوشند. اقدام آتاتورک در ترکیه که به تعطیلی بسیاری از ارزش های دینی و حذف دین از متن زندگی مردم انجامید، از مهم ترین گام هایی بود که در این زمینه برداشته شد. هم زمان با آتاتورک، رضاخان نیز در ایران به اجرای همین هدف های استعماری پرداخت. تغییر شکل لباس ملی و از همه مهم تر، کشف حجاب و تعطیلی منبرها و روضه خوانی ها از جمله اقدام های رضاخان در بی دین کردن جامعه اسلامی ایران بود.(۱)

ص: ۱۰۱

۱- دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، ص ۱۱۲.

در این زمینه به نکاتی اشاره می کنیم:

۱. اینکه می گویند اسلام با علم و پیشرفت ناسازگاری دارد، ادعایی بی دلیل بوده و با متون و آموزه های دینی، مخالف است. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، دلیلی آشکار بر نادرستی این ادعاست، چنان که در جنگ بدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اسیران جنگی وعده داد هر کس به ده مسلمان خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد خواهد شد.

۲. اینکه پیشرفت علمی اروپا را پی آمد دین زدایی بدانیم، درست نیست و هیچ گونه استناد علمی ندارد. شاید بتوان گفت این پیشرفت با فرآیند سکولاریزاسیون یا عرفی شدن در جامعه غربی هم زمان است، ولی صرف هم زمانی نمی تواند دلیل بر مدعا باشد. اساسا همه می دانند که پدیده های اجتماعی دلایل متعددی دارد و تک علتی نیستند. ازاین رو، کسی نمی تواند ثابت کند که پیشرفت اروپا، پی آمد دین زدایی بوده است.

۳. اگر هم بپذیریم که دین در اروپا و غرب مانع پیشرفت بوده است، باز دلیل بر این نیست که در جوامع اسلامی نیز دین عامل عقب ماندگی باشد؛ زیرا این مقایسه یک قیاس مع الفارق است که در یک طرف آن، دین ناب الهی و در طرف دیگر، ادیانی چون مسیحیت تحریف شده قرار دارد. به یقین، مقایسه مسیحیت تحریف شده با اسلام ناب، بسیار نارساست. ازاین رو، مطالعه اندیشه های عالمانی چون شیخ بهایی که افزون بر زبردستی در فقه، از علوم بشری فوق العاده ای نیز بهره مند بودند، بسیار مهم است.

ل) ترویج بدعت و خرافه در لباس دین

اشاره

ل) ترویج بدعت و خرافه در لباس دین

بدعت در لغت، هر چیز جدید است و در اصطلاح، عبارت است از هر چیز جدیدی که پس از کمال دین در آن وارد می شود، درحالی که در دین ریشه ندارد.(۱)

نوآوری در هر زمینه ای مطلوب است. با این حال، دین، پدیده ای بشری نیست و خداوند، آن را برای سعادت و هدایت انسان ها فرستاده است و خود انسان به اندازه

ص: ۱۰۲

۱- مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۹۹.

خدا از اهداف آفرینش آگاه نیست. ازاین رو، افزودن هر چیز در دین، انحراف آن را از مسیر اصلی (یعنی رسیدن به خدا) ممکن می سازد. به همین دلیل، در متون دینی بر حفظ دین از بدعت ها و سلیقه های بشری تأکید فراوانی شده است. البته این مطلب بدان معنا نیست که در عرصه دین هرگونه نوآوری ناپسند است، بلکه آنچه ما در صدد رد آنیم، معرفی هنجارهای ساختگی به عنوان دین است، وگرنه برخی نوآوری ها در عرصه ترویج دین مانند روش های جذاب تبلیغ و آموزش دین، نه تنها بد نیست، بلکه بسیار مطلوب نیز هست.

پی آمدهای بدعت

اشاره

پی آمدهای بدعت

آشنایی با پی آمدهای پدیده های اجتماعی می تواند ما را در عمل بدان یا دوری از آن مصمم سازد. ازاین رو، به برخی از آثار مهم بدعت اشاره می کنیم تا در جهت پاک سازی جامعه از هرگونه باورهای خرافی و شرک آلود، اثرگذار باشد:

۱. فراموشی ارزش های اصیل

۱. فراموشی ارزش های اصیل

اگر بدعت ها یا هنجارهای خودساخته در جامعه رواج یابد، ارزش های اصیل به فراموشی سپرده می شود و اعضای جامعه به آنها بی توجهی می کنند. عمل به ارزش ها در عین حال که اعضای جامعه را از نبود الگو در رفتارها نجات می دهد، به ارزش ها پایداری می بخشد و آنها را از خطر زوال و فراموشی حفظ می کند. این در حالی است که با نبود چنین تعهد عملی، ارزش ها از جامعه رخت برمی بندد و از اذهان مردم و سیره عملی آنها پاک خواهد شد. همچنان که در صدر اسلام، عبارت «حی علی خیر العمل» از اذان و اقامه حذف گردید و امروزه برخی از مسلمانان گمان می کنند در اصل اسلام، چنین چیزی نبوده است. بر همین اساس، مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید: «هیچ بدعتی به وجود نیامد، مگر اینکه به دنبال آن سنّتی نیک ترک شد».(۱)

ص: ۱۰۳

۱- «ما أُحدِثَتْ بِدْعَةٌ اِلّا تُرِکَ بِها سُنَّةٌ»، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، صص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. جای گزینی ارزش های ساختگی

۲. جای گزینی ارزش های ساختگی

زمانی که ارزش های اصیل و درست فراموش شوند، ارزش های متضاد با آنها که مبنای دینی نیز ندارند، جای گزین خواهند شد؛ زیرا اعضای جامعه در رفتارها و کنش های خود به الگوهای عملی نیاز دارند و وقتی الگوهای درست وجود نداشته باشد، به سوی الگوهای نادرست گرایش می یابند. برای مثال، برهنه شدن در عزاداری ها، بزرگ شدن روز به روز علم ها و وارد کردن موسیقی در این محافل از جمله بدعت ها و آفت هایی است که امروزه وارد عزاداری حسینی شده است و شاید روزی فرا برسد که شاهد تبرک جستن از این گونه ابزارهای موسیقی باشیم. ائمه علیهم السلام، وجود بدعت را زمینه ساز کفر می شمارند و در عین حال، مقابله با آن را بسیار سخت و مستلزم زیرکی خاصی می دانند. سلمان فارسی می گوید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اواخر عمر شریف خود خطبه ای خواند و در آن فرمود: «هر بدعتی که در دین وارد می شود، موجب گمراهی است و کسانی که در دین گمراه شوند، به عذاب الهی دچار خواهند شد».(۱)

همچنین امروزه می بینیم با نام دفاع از حقوق زن، مدیریت مرد در خانواده و جامعه که مورد تأکید اسلام است، زیر سؤال رفته و زن سالاری در برخی خانواده ها حاکم شده است. رواج صوفی گری نیز که در آن برخی اعمال و اذکار ساختگی مرسوم است، مصداق بسیار خطرناک دیگری از بدعت در دین است که برخی آگاهان و ناآگاهان، دانسته یا ندانسته آن را ترویج می کنند.(۲)

بدعت در دین چنان خطرناک است که ائمه اطهار علیهم السلام، مسلمانان را از هم نشینی با بدعت سازان به شدت نهی کرده اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

با بدعت سازان همراهی و دوستی نکنید و با آنها هم نشین نباشید تا شما هم

۱- عَنْ سَلْمانِ الْفارْسِیِّ رَضِیَ اللّه عَنْهُ قالَ خَطَبَنا رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله فَقالَ مَعاشِرَ النّاسِ إنّی راحِلٌ عَنْ قَرِیبٍ وَ مُنْطَلِقٌ إلَی الْمُغِیبِ أُوصِیکُمْ فِی عِتْرَتِی خَیْرا وَ إیّاکُمْ وَ الْبِدَعَ فَإنَّ کُلَّ بِدْعَهٍ ضَلالَهٌ وَ الضَّلالَهُ وَ أَهْلُها فِی النّارِ. کفایه الأثر، ص ۴۱.

۲- هفته نامه افق حوزه، ۱۶/۶/۱۳۸۴، ش ۴۳، ص ۵.

یکی از آنها نشوید؛ زیرا رسول اللّه صلی الله علیه و آله می فرماید: «شخص بر دینِ دوست و هم نشین خود است».(۱)

با توجه به پی آمدهای منفی بدعت، باید این واقعیت را پذیرفت که امروزه خلق بدعت های گوناگون در عرصه دین، آن را به شدت تهدید می کند. این امر نه بدان جهت است که دین از میان رفتنی است که ادعایی بس باطل است، بلکه از آن جهت مهم است که گوهر دین بدون حضور در واقعیت جامعه، سعادت جامعه را تأمین نخواهد کرد، چنان که نگاه کردن به آب گوارا بدون خوردن آن، تشنه را سیراب نمی سازد.

به هر حال، اگر بخواهیم جامعه سعادتمندی داشته باشیم، باید به لوازم ایمان و تسلیم شدن در برابر خدا پای بندی کامل داشته باشیم. توجه به یک واقعه تاریخی، ما را به این نکته رهنمون می سازد. روزی امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود فرمود: دعای «یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلی دِینِکَ» را بخوان. آن فرد گفت: «یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصارِ». امام فرمود: آیا من این گونه گفتم؟ آن شخص عرض کرد: «آیا خداوند مقلب الابصار نیست؟» امام در پاسخ فرمود: «هست، ولی آن گونه که من می گویم، بگو».(۲)

۳. عذاب الهی

۳. عذاب الهی

بدعت و وارد کردن مسائل غیردینی در دین، چنان خطرناک است که خداوند متعال در این زمینه در مورد پیامبر و فرستاده خود نیز کوتاه نمی آید و می فرماید:

وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ. (الحاقه: ۴۶)

ص: ۱۰۵

۱- «عَنْ أَبِی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدَعِ وَ لاَ تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِیرُوا عِنْدَ النَّاسِ کَوَاحِدٍ مِنْهُمْ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله أَلْمَرْءُ عَلَی دِینِ خَلِیلِهِ وَ قَرِینِهِ». کافی، تهران ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۴۲ .
۲- عبداللّه جوادی آملی، اسرار عبادات، قم، نشر الزهرا، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱.

و اگر [او]پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، ما وی را با قدرت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می کردیم.

این گونه سخن گفتن با پیامبری که بنده خاص خداست، نشان می دهد افزودن هر چیزی در دین به شدت مورد غضب خدا خواهد بود. ازاین رو، در متون دینی بر عذاب دنیوی و اخروی بدعت گذاران تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

ألا إنَّ اتِّبَاعَ الْبِدَعِ بِغَیْرِ هُدًی مِنَ اللّه ِ ضَلَالٌ و کُلُّ ضَلَالَهٍ بِدْعَهٌ وَ کُلُّ بِدْعهٍ فِی النَّار.(۱)

آگاه باشید که پیروی از بدعت، گمراهی است و هر گمراهی، بدعت است و نتیجه هر بدعت، آتش دوزخ خواهد بود.

به هر حال، زشتی بدعت چنان است که ائمه هدی علیهم السلام به برائت جستن از آنها دستور می دهند. نکته مهم تر اینکه در برخی موارد که امید اصلاح بدعت گذاران نیست، قتل آنها به دست حاکم اسلامی لازم می شود. شیخ مفید رحمه الله درباره عقیده تشیع در برابر بدعت گذاران می فرماید:

همه امامیه معتقدند تمامی اصحاب بدعت کافر هستند و بر حاکم اسلامی فرض است که با اقامه بیّنه، آنها را به راه حق دعوت کند و توبه دهد. پس اگر از بدعت خود توبه کردند و به راه راست آمدند که مطلوب حاصل است، وگرنه آنها را به قتل می رساند؛ زیرا آنها از ایمان دور شده اند و هرکدام از آنها که به همان حال بمیرد، اهل جهنم و آتش خواهد بود.(۲)

البته باید توجه داشت که میان فرقه های اسلامی در زمینه برخورد با اصحاب بدعت تفاوت چندانی وجود ندارد. ما برای اختصار، از پرداختن به آرای دیگر فرقه های اسلامی خودداری می کنیم.

۱- اصول کافی، ج ۸، ص ۷.

۲- بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۷۷.

۴. تضعیف ارزش های دینی در عرصه بین المللی

۴. تضعیف ارزش های دینی در عرصه بین المللی

ارزش های الهی بی نقص است و هیچ گونه خلافی در آنها یافت نمی شود و دشمنان دین دستاویزی برای تضعیف آنها ندارند. دشمنان با دستاویز قرار دادن بدعت ها، برای شبهه افکنی در مبانی دینی می کوشند. دشمنان، بدعت ها را در قالب دین معرفی می کنند و با برجسته کردن نقاط ضعف آن، به تضعیف وجهه دین می پردازند. برخی رفتارهای به ظاهر دینی از جمله قمه زدن از جمله رفتارهایی است که پی آمدهای منفی فراوانی دارد و دشمنان با نشان دادن تصویر چنین اعمالی به جامعه جهانی، وانمود می کنند که این اعمال جزو دین است و شیعیان موظف به این کار هستند. چنین هنجارهای خودساخته ای به دلیل اینکه مبانی قابل دفاعی ندارند، بیشترین بهانه را به دست دشمنان می دهد تا با معرفی این گونه بدعت ها به عنوان دین، به اهداف شوم خود که همانا تخریب چهره اسلام است، نزدیک تر شوند. البته گوهر دین نزد خداوند متعال محفوظ است. قرآن به زیبایی می فرماید:

يُرِيدُونَ أن يُطْفِؤُوا نُورَ اللّه ِبِأفْوَاهِهِمْ وَ يَأبَى اللّه ُإلَّا أن يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهُ الْكَافِرُونَ. (توبه: ۳۲)

می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا اینکه نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید.

رخت بر بستن ارزش های ناب از جامعه به معنای این است که دین حقیقی در جامعه حاکم نیست. این دین تحریف شده نه توان برآورده ساختن نیازهای دنیوی و اخروی پیروانش را دارد و نه مقوله ای قابل دفاع خواهد بود؛ زیرا با کوچک ترین شبهه ای سست می گردد و به فراموشی سپرده می شود. برای مثال، قمه زنی در مراسم عزاداری اباعبداللّه الحسین علیه السلام، واقعیتی اجتماعی است که هرچند قابل دفاع نیست، زمینه های فراوانی را برای تخریب چهره اسلام و به ویژه تشیع فراهم ساخته است. دشمنان با سوء استفاده از احساس پاک عزاداران بارها شبهه پراکنی کرده اند که اسلام دینی است که از پیروانش می خواهد بدون هیچ دلیلی، خود را با تیغ، خون آلود کنند تا

مسلمان واقعی شناخته شوند. آنان با پخش فیلم هایی در این زمینه و معرفی آن به عنوان بخشی از حقیقت دین اسلام، مردم دنیا را به اسلام بدبین می کنند. وقتی کمونیست ها در آذربایجان شوروی مسلط شدند، دستور دادند تمام مظاهر دینی از جمله نماز (چه فردی و چه اجتماعی) تعطیل شود و حتی مسجدها تعطیل شدند، ولی تنها مراسمی که اجازه دادند باقی بماند، قمه زنی بود؛ زیرا آن را ابزاری برای تضعیف اسلام و تبلیغ علیه آن می دانستند.(۱)

بنابراین، بدعت در دین بسیار خطرناک است و ارزش های دینی را تهدید می کند و به آسیب های اجتماعی دیگری می انجامد؛ زیرا در جامعه دینی، دین، شکل دهنده رفتارهای اعضای جامعه است و اگر این منبع آسیب ببیند، آسیب های دیگر نیز خود را نشان خواهند داد. این باور غلط که امام زمان در جامعه ای ظهور می کند که ستم در آن فراوان باشد، پس باید با گسترش ستم، زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم سازیم، از جمله بدعت هایی است که در جامعه اسلامی ترویج می شود.

م) الگوسازی کاذب در برابر الگوهای دینی

م) الگوسازی کاذب در برابر الگوهای دینی

الگوهای نظری در تنظیم کنش های اجتماعی تأثیر بسزایی دارند، ولی وجود الگوهای عملی در جامعه، تأثیر مهم تری در کیفیت رفتارهای اعضای جامعه خواهد داشت. این امر چنان اهمیت دارد که خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را الگوی مؤمنان معرفی می کند و می فرماید:

لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَکَرَ اللّهَ کَثیرًا. (احزاب: ۲۱)

به یقین، برای شما در اقتدا به رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان

۱- نرم افزار حدیث ولایت، نسخه ۱/۱، ماده «قمه»، سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم در صحن امام خمینی رحمه الله حرم مطهر امام رضا علیه السلام، ۱/۱/۱۳۷۶ با اندکی گزینش.

یاد می کند.

همچنین امام زمان علیه السلام که خود، الگوی جامعه اسلامی است، می فرماید: «دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، الگوی شایسته ای برای من است».(۱)

افراد عالم عامل با توجه به اینکه عمری را در راه عمل به آموزه های دین گذرانده و به مراتبی از کمال معنوی رسیده اند، می توانند الگوی مناسبی برای اعضای جامعه باشند. این در حالی است که هنجارشکنان و غوغاسالاران با روش های گوناگون می کوشند با زیر سؤال بردن الگوهای اصیل و دینی، به معرفی الگوهای غیردینی بپردازند. برای نمونه، یکی از «بازیگران سینمای ایران در گفت و گو با مجله سینمای خانواده می گوید: من اصلاً خودم را در این جایگاه نمی دانم که بخواهم برای جوانان الگو باشم. جوانان می توانند برای الگوبرداری از بزرگانی که تعدادشان هم کم نیست، استفاده کنند ... . من جوانانی را می شناسم که برای رسیدن به الگوی مطلوب از زرتشت استفاده می کنند. این جوانان قطعا موفق تر هستند».(۲)

این سخن از دو جهت نادرست است: اول اینکه الگویی که وی معرفی می کند، با فرهنگ و ارزش های جامعه متناسب نیست، بلکه در تعارض با آن قرار دارد. از سوی دیگر، ایشان نه تنها در حدی نیست که به معرفی الگو بپردازد، بلکه خود به الگو نیاز دارد. جای تعجب است افرادی که مقلد دیگران هستند، الگوی زندگی معرفی شوند، چنان که نباید یک فوتبالیست را به صرف اینکه در حرفه ورزشی خود موفق است، به عنوان الگوی زندگی فردی و اجتماعی دیگران معرفی کنیم.

اگر وجود الگوی عملی در زندگی بسیار کارساز است، به همان اندازه الگوسازی غلط برای جامعه خطرناک است. همگان باید در برابر این گونه رفتارهای تخریبی مقابله

۱- «وَ فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللّه ِلِی اُسْوَهٌ حَسَنَهٌ». محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۸۱.

۲- هفته نامه پرتو، ۱۶/۸/۱۳۸۳.

کننـد و از این طریق، فرهنـگ جامعه را از آسـیب ها در امان نگاه دارنـد. وقتی در زمان امام راحل، گفت وگویی از تلویزیون پخش شد که در آن، زن گفت وگو شونده گفت: «الگوی زنان ما باید قهرمان سریال سال های دور از خانه (اوشین) باشد، نه فاطمه زهرا علیهاالسـلام؛ چرا که زهرا دیگر قدیمی شده است!» ایشان در واکنش به این اهانت بی شرمانه، در نامه ای به رئیس سازمان صدا و سیما فرمود:

با کمال تأسف و تأثر، از صـدای جمهوری اسـلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش شـده است که انسان از بازگو کردن آن شرم دارد. فردی کـه ایـن مطلب را پخش کرده است، تعزیر و اخراج می گردد و دست انـدرکاران آن تعزیر خواهنـد شـد. در صورتی که ثابت شود قصـد توهین در کار بوده است، بـدون شک، فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر این گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه، توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولان بالای صدا و سیما خواهد شد و البته در تمامی زمینه ها قوه قضاییه اقدام می نماید.(۱)

ن) معرفی تعصب دینی به عنوان واپس گرایی

ن) معرفی تعصب دینی به عنوان واپس گرایی

اگر اعضای جامعه به ارزش ها پای بنـد نباشـند، ارزش ها تضـعیف و به تدریج، از جامعه زدوده خواهد شد. ازاین رو، اعضای جامعه برای حفظ ارزش های دینی و اجتماعی باید پای بندی اعتقادی و عملی به این ارزش ها نشان دهند و این همان تعصب صحیـح است. این در حالی است که جوسازان و غوغاسالاران با واپس گرا معرفی کردن این پای بنـدی و زیر سؤال بردن آن، در تضـعیف آن می کوشـند. این گونه پـای بنـدی، تعصبی از روی علم و آگـاهی و در جهت حفـظ ارزش هـای جامعه است. ازاین رو، نه تنها منفی نیست، بلکه لازم و مطلوب است.

به نمونه هـای فراوانی از این دست می توان اشاره کرد. برای مثال، با زدن برچسب های مختلف به افراد مـذهبیماننـد مقـدس مآب، واپس گرا، کج فکر، عوام و

۱- نامه به مدیر عامل صدا و سیما، ۹/۱۱/۱۳۶۷، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۷ .

ساده لوح، جایگاه اجتماعی آنها را زیر سؤال می برنـد. لازم است در یک جامعه دینی، نهادهای فرهنگی و آموزشـی با برنامه ریزی هـای دقیـق و منطقی، تعصب عالمـانه را به معنـای تعهـد دینی به اعضـای جـامعه آموزش دهنـد و آن را از تعصب هـای جاهلی باز شناسند.

س) در حاشیه قرار گرفتن دین

س) در حاشیه قرار گرفتن دین

بهترین شـکل زندگی در یک جامعه دینی آن است که ارزش ها و هنجارهای دینی به صورت کامل و در تمام مراحل زندگی حاکم شود. ارزش های اجتماعی در یک جامعه اسـلامی، باید برآمده از متن دین باشد. ازاین رو، مطلوب ترین شکل زندگی آن است که این ارزش ها در تمام کنش ها و رفتارهای فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و قطب نمای خوبی ها و بـدی ها باشد. تنها در این صورت، می توان یک جامعه را به معنای واقعی آن دین دار دانست.

یکی از آسیب هایی که جامعه اسلامی را تهدید می کند و بدخواهان نیز به آن دامن می زنند، این است که دین و ارزش های دینی در کنش های جامعه دیـده نشود. به عبارت دیگر، اعضای جامعه فقط به ارزش ها معتقـد باشـند و در عمل بدان پای بند نباشند. این همان چیزی است که امام حسین علیه السلام از آن به «لَعِق» تعبیر کرده است. در این فرآیند، دین نه به عنوان برنامه زندگی، بلکه مانند لیسیدن غذاست. هم چنان که لیسیدن غذا، انسان را سیر نمی کند، تنها اعتقاد داشتن به ارزش ها نیز جامعه را دین دار نمی سازد.

بر همین اسـاس، لازم است ارزش هـای اسـلامی در تمـام مراحـل زنـدگی اجرا شود؛ زیرا تنهـا در این صورت، وعـده حقیقی خداونـد در سـعادتمندی جامعه دینی در دنیا و آخرت تحقق می یابد. به هر حال، یک جامعه به صـرف اعتقاد به اسـلام و اهل بیت پیامبر علیهم السلام و توسل به آنها نمی تواند دینی باشد.

امروزه ساختمان های جامعه اسلامی ما مطابق با معیارهای دینی ساخته نمی شود؛ در

ص: ۱۱۱

سریال ها و فیلم های تلویزیونی و سینمایی، رفتارهای برخی بازیگران مطابق با دین نیست؛ نوع پوشش برخی افراد جامعه با موازین دینی سازگار نیست و در ارتباطات اجتماعی، ارزش های دینی حاکم نیست. این موارد نشان می دهد که جامعه هنوز به طور کامل دینی نشده و ارزش های دینی اجرا نگشته است. یکی دیگر از نمونه های جوسازی برای قرار دادن دین در حاشیه زندگی، طرح حذف معاونت پرورشی از وزارت آموزش و پرورش در زمان حاکمیت اصلاح طلبان بود.

اگر ما بخواهیم در پرتو آموزه های دینی، جامعه ای سعادتمند داشته باشیم، باید این ارزش ها در متن رفتار توده ها مشهود باشد. بر همین اساس، نهادهای برنامه ریز فرهنگی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، آموزش و پرورش و دانشگاه ها باید زمینه های چنین فرآیندی را با برنامه ریزی های دقیق و منطقی فراهم سازند.

۳. سیاسی

اشاره

۳. سیاسی

زیر فصل ها

الف) احساس خطر از حاکمیت اسلام و ارزش های دینی

ب) تهاجم به روحانیت

ج) ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی

د) تفرقه افکنی و ایجاد ناامیدی

هـ) تخریب چهره افراد اثرگذار

و) حادثه آفرینی

ز) قدرت طلبی

ح) ترویج تساهل و تسامح

ط) تبلیغات روانی یا جنگ رسانه ای

الف) احساس خطر از حاکمیت اسلام و ارزش های دینی

اشاره

الف) احساس خطر از حاکمیت اسلام و ارزش های دینی

جوسازان و غوغاسالاران به درستی به قدرت اسلام پی برده اند. آنها می دانند که هر جا اسلام حاکمیت یابد، به سرعت در قلب ها جای می گیرد. بر همین اساس، از حاکمیت ارزش های دینی بسیار واهمه دارند. دشمنان همواره با روش های گوناگون به سنگ اندازی در برابر حاکمیت دین پرداخته اند. در صدر اسلام با انواع روش ها مانند تطمیع و تهدید پیامبر و یاران او کوشیدند اسلام حاکمیت نیابد. حتی قانونی وضع شد که بر اساس آن، گوش کردن به قرآن ممنوع بود.(1) قرآن می فرماید: «وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لا تَسْمَعُوا لِهـذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فیهِ لَعَلَّکُمْ تَغْلِبُونَ؛ کافران گفتند به این قرآن گوش ندهید و هنگام خواندن آن جنجال کنید؛ شاید پیروز شوید». (فصلت: ۲۶)

ص: ۱۱۲

۱- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳، چ۹، ج۱، ص۳۳۳.

پس از پیروزی انقلاب نیز دشمنان با روش ها و ابزارهای پیشرفته تر به تبلیغ علیه اسلام پرداختند. افراد یا گروه هایی با زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت دینی، در متزلزل ساختن پایه های آن کوشیدند و حتی به اقدام نظامی مانند ترور روی آوردند. این گونه افراد و گروه ها مانند سازمان مجاهدین خلق، گروه فرقان و چند گروه دیگر می دانستند اگر ارزش های دینی حاکمیت یابد، آنها نخواهند توانست به اهداف شوم خود برسند. ازاین رو، جوسازی می کردند و جامعه را زیر فشار روانی قرار می دادند. نهضت آزادی چنان به این جوسازی ها ادامه داد که امام راحل در نامه ای به وزیر کشور وقت، فعالیت این تشکل سیاسی را نامشروع اعلام کرد. بخشی از نامه چنین است:

نهضت به اصطلاح آزادی، صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانون گذاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه، جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد،... از ضرر گروهک های دیگر، حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان بیشتر و بالاتر است.(۱)

امروز نیز این روند چه در داخل و چه در خارج ادامه دارد. گویا برخی هنوز پس از دیدن موفقیت های نظام اسلامی در برابر قدرت های جهانی، نمی خواهند قدرت اسلام را بپذیرند و در برابر آن سر تسلیم فرود آورند. خداوند در قرآن می فرماید:

یُریدُونَ أَنْ یُطْفِؤا نُورَ اللّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللّهُ إِلاّ أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ. (توبه: ۳۲)

می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا نورش را کامل کند؛ هر چند کافران را خوش نیاید.

از آنجا که دشمنان خارجی به نیروی اسلام پی برده اند، سیاست مداران آنها از حاکمیت آن ابراز نگرانی کرده اند. چامسکی، اندیشمند امریکایی در پی دگرگونی های

۱- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۸۱.

عراق و حمله نظامی امریکا به آن کشور می گوید:

صحبت کردن درباره حق حاکمیت، استقلال و عراق دموکراتیک یک جوک بی مزه است. من اصلاً این احتمال را ممکن نمی دانم که امریکا و انگلیس اجازه دهند یک عراق مستقل پدید آید. در چنین حکومتی، شیعیان حاکم خواهند بود که احتمالاً به عنوان اولین گام درصدد بهبود روابط خود با ایران برمی آیند. این امر می تواند سبب خودمختاری شیعیان در منطقه گردد و این چیزی نیست که امریکایی ها آن را بخواهند. اگر چنین امری صورت گیرد، ایران، عراق و مناطق نفت خیز عربستان که قطب نفتی در جهان اند، شیعی خواهند شد و امریکا هرگز به تحقق چنین امری اجازه نمی دهد.(۱)

غوغاسالاران داخلی و خارجی با روش های مختلف مانند تهدید، تطمیع، توطئه، ترویج جدایی دین از سیاست و تشویق به مشارکت نکردن در تصمیم گیری های سیاسی، به اعمال نفوذ در جوامع دینی به ویژه جامعه ایران به عنوان نماد یک جامعه دینی مستقل می پردازند و از این راه، احساس خطر خود از حاکمیت ارزش های اسلامی را نشان می دهند. ما در این مجال اندک برخی از این روش ها و ابزارها را بررسی می کنیم:

یک ـ سنگ اندازی در راه پیشرفت جامعه اسلامی

یک ـ سنگ اندازی در راه پیشرفت جامعه اسلامی

غوغاسالاران تاب دیدن پیشرفت های مادی و معنوی ایران اسلامی را ندارند و با روش های گوناگون در برابر این پیشرفت ها می ایستند. جوسازی هایی که در مورد انرژی صلح آمیز هسته ای می بینیم، شاهدی بر این مطلب است که دشمنان در هیچ زمانی خواستار استقلال و پیشرفت جوامع اسلامی نیستند. در این میان، امریکا بیشترین تلاش را برای به انزوا کشاندن ایران داشته است.

دو ـ تحریم انتخابات

دو ـ تحریم انتخابات

انتخابات، مظهر مشارکت مردمی در تعیین سرنوشت کشور است و زمینه های

۱- WWW.kayhannews.com.۶۱/۱۱/۳۸۳۱ /

بالندگی جامعه اسلامی و حاکمیت هر چه بیشتر دین را فراهم می آورد. ازاین رو، دشمنان در این زمینه با روش های گوناگون، جوسازی می کنند تا مشارکت مردمی را کاهش دهند.

یکی از شایع ترین روش های بدخواهان، تحریم انتخابات است. آنان در هر مرحله از انتخابات از مردم می خواهند که در انتخابات شرکت نکنند. امریکا بودجه ای هفت و نیم میلیون دلاری تصویب کرد تا با کمک به دشمنان ایران اسلامی، مردم را از حضور در مرحله نهم انتخابات ریاست جمهوری منصرف سازند.(۱) حتی بوش، رئیس جمهور امریکا، در بیانیه ای با اعلام غیرمردمی بودن انتخابات در ایران، از مردم ایران خواست تا در انتخابات شرکت نکنند.(۲)

باید دانست این حربه در جامعه اسلامی ایران کارگر نیست؛ زیرا نظام عقیدتی موجود در این جامعه، دینی و ولایی است و چون نظام سیاسی با نظام عقیدتی هم سو است، آموزه های دینی، مؤمنان را از پیروی از چنین دستورهای شیطانی بر حذر می دارد. بر همین اساس، بیش از هفتاد درصد از واجدان شرایط شرکت در انتخابات، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند.

از سوی دیگر، نوعی ارتباط عاطفی که در نظام ولایی ریشه دارد، میان مردم و حاکمان جامعه اسلامی برقرار شده است. به عبارت دیگر، نظام حکومتی در جامعه اسلامی با نظام زندگی فردی افراد عجین است و هم چنان که هیچ کس در انجام عبادت های فردی اش از کسی اجازه نمی گیرد، در مسائل اجتماعی نیز این گونه است؛ یعنی هر کس وظیفه خود می داند که در انتخابات شرکت کند. بر همین اساس، حربه تحریم در طول این سال ها هرگز کارساز نبوده و انتخابات هر دوره گسترده تر از دوره های پیش و با شور و شوق هر چه بیشتر مردم انجام پذیرفته است.

ص: ۱۱۵

۱- هفته نامه پرتو، ۱۴/۲/۱۳۸۴.

۲- روزنامه کیهان، ۲۸/۳/۱۳۸۴.

سه _ توسل به خشونت

سه _ توسل به خشونت

وقتی غوغاسالاران از کارآیی راهکارهای دیگر ناامید می شوند، به اقدام های خشن تر مانند حمله نظامی دست می زنند. در تاریخ انقلاب اسلامی، خشونت های فراوانی علیه انقلاب صورت گرفته است. شورش کردستان و دخالت بنی صدر در شعله ور ساختن فتنه، ترور شخصیت های برجسته انقلاب مانند شهید آیت اللّه بهشتی، شهید آیت اللّه مطهری، شهید رجایی و شهید باهنر و حتی ترور مردم عادی به دست منافقان از جمله اقدام هایی است که در سال های اولیه انقلاب رخ داد. البته دشمنان خارجی نیز در این زمینه فعال بودند. امریکایی ها ابتدا با حادثه طبس و کمک به معاندان داخلی، فتنه گری آغاز کردند و هنگامی که آن را کارساز ندیدند، با تحریک و تجهیز صدام، حمله نظامی همه جانبه ای علیه انقلاب اسلامی ایران صورت دادند. به هر حال، دشمنیِ دشمن شگفت نیست و باید اعضای جامعه اسلامی و به ویژه مسئولان، در برابر این گونه تحرکات، با هوشیاری کامل، واکنشی مطلوب در برابر غوغاسالاران نشان دهند.

چهار _ سلطه سیاسی

چهار _ سلطه سیاسی

سلطه سیاسی، مقدمه سلطه بر فرهنگ است. ازاین رو، غوغاسالاران می کوشند بر جوامعی سلطه یابند که فرهنگ آن جامعه را در تضاد با منافع خود می بینند. از همین رو، در یک حرکت به ظاهر آرام، از گروه ها و جریان هایی که مخالف با فرهنگ و نظام اسلامی هستند، حمایت مادی و معنوی می کنند. در همین راستا، سازمان دیده بان حقوق بشر کمک های فراوانی به معاندان نظام جمهوری اسلامی کرده است. همچنین سازمان حقوق بشر فرانسه که یک سازمان دولتی است، جایزه سال حقوق بشر خود را به یکی از افراد معاند نظام تقدیم کرد. نخست وزیر فرانسه در مراسم اعطای جوایز، ایران را یکی از کشورهایی معرفی کرد که حقوق بشر در آن نقض می شود. این در حالی است که حقوق بشر در سطح ابتدایی نیز در فرانسه رعایت نمی شود.(۱) در این زمینه می توان به

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳/۹/۱۳۸۴.

مواردی همچون ممنوع بودن حجاب اسلامی در مدرسه ها و دانشگاه های این کشور، محاکمه روژه گارودی در پی رد ادعای هولوکاست مبنی بر سوزاندن یهودیان در کوره های گاز و اخراج، شکنجه و زندانی کردن آنها اشاره کرد.

ب) تهاجم به روحانیت

اشاره

ب) تهاجم به روحانیت

همه مسلمانان مدیون اسلام هستند و گزاف نیست که بگوییم بقای اسلام نیز مدیون تلاش های خستگی ناپذیر روحانیان و عالمان دینی است. آنان با فداکاری و جان فشانی خود، در سخت ترین شرایط به ترویج و تبلیغ دین اسلام پرداخته اند. در واقع، آنها مصداق آیه شریفه «إِنْ تَنْصُرُوا اللّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ؛ اگر خدا را یاری کنید، یاری تان می کند و گام هایتان را استوار می دارد». (محمد: ۷) بودند که دین خدا را یاری کردند و خداوند نیز آنان را یاری کرد که اگر یاری او نبود، این همه خدمت در جامعه ناممکن بود.

این کارکرد بسیار مهم، عالمان دینی را در طول تاریخ به مرجعی بی مانند برای مسلمانان تبدیل کرد. در سایه همین مرجعیت ریشه دار بود که امام خمینی رحمه الله با رهبری بی نظیر خود توانست کشتی نهضت ملت ایران را به سرمنزل مقصود رساند.

دشمنان دین در طول تاریخ با آگاهی از این نقش عالی، با روش های گوناگون به این نهاد مقدس تاختند تا به هدف اصلی خود؛ یعنی نابودی دین برسند. این گونه تهاجم ها در طول نهضت اسلامی و پس از پیروزی آن، شکل پیچیده تر و سرعت بالاتری به خود گرفته است.

ابزارهای تهاجم به روحانیت

اشاره

ابزارهای تهاجم به روحانیت

زیر فصل ها

۱. اتهام واپس گرایی

۲. اتهام عوام زدگی و عوام فریبی

۳. کاستن از نقش روحانیت

۴. ترور شخصیت ها

۵. انکار پیشینه تاریخی روحانیت

۶. ترویج جدایی دین از سیاست

۱. اتهام واپس گرایی

۱. اتهام واپس گرایی

غوغاسالاران می کوشند روحانیان را افرادی واپس گرا و عقب مانده معرفی کنند. بر همین اساس، دخالت روحانیان را در جامعه برنمی تابیدند. رضاشاه در مطبوعات وابسته به خود، روحانیان را از نظر اجتماعی و سیاسی، واپس گرا معرفی می کرد که مانع

ص: ۱۱۷

اصلاحات در زندگی مردم هستند.(۱) از آنجا که این گونه افکار نادرست، سالیان متمادی در جامعه ترویج می شد، در ناخودآگاه جامعه رسوخ کرد. در نتیجه اکنون نیز چنین ذهنیتی تا حدی در میان اعضای جامعه وجود دارد.

۲. اتهام عوام زدگی و عوام فریبی

۲. اتهام عوام زدگی و عوام فریبی

بر اساس این دیدگاه، روحانیان بیشترین حضور را در میان مردم دارند. ازاین رو، به عوام زدگی دچار شده اند. آنها روحانیت را عوام پرور، مقلدپرور و نه عاقل پرور معرفی می کنند.(۲) یکی از این افراد می نویسد: «دین ورزی روحانیان، عوامانه و مصلحت اندیشی است؛ عاطفی، تقلیدی، تعبدی، سنتی و میراثی است؛ ملاک، حجم عمل است، نه اندیشه و تعقل».(۳)

پرسش این است که اگر روحانیت اندیشه ندارد، چگونه توانست حکومت استبدادی را که استکبار داخلی و روشن فکرنمایان داخلی از آن حمایت می کردند، ساقط کند، به گونه ای که اکنون پس از گذشت نزدیک به سه دهه از پیروزی این انقلاب، هنوز دشمنان داخلی و خارجی در برابر آن احساس ناتوانی می کنند؟

نکته جالب توجه آن است که این گونه افراد و جریان ها در حالی ارزش دادن به مردم را نقطه ضعف روحانیت می دانند که یکی از ویژگی های مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، حضور در میان مردم و بها دادن به آنها بوده است. اساسا تبلیغ معارف اسلامی و پذیرفته شدن دین مقدس اسلام در گرو اخلاق حسنه و مدارای پیامبر گرامی اسلام با مردم امکان پذیر شد، چنان که خداوند خطاب به پیامبرش می فرماید: «إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیمٍ؛ قطعا تو دارای اخلاق بسیار بزرگ و برجسته ای هستی».

ص: ۱۱۸

۱- حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه نظری به عملکرد سیاسی، فرهنگی روحانیان در سال های ۱۳۰۵ _ ۱۳۲۵، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸، چ ۲، ص ۱۴۵.

۲- جمعی از فضلا و ورحانیان، آزادی یا توطئه! نگاهی به کارنامه مطبوعات شبهه افکن، قم، انتشارات فیضیه، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۱۱۲.

۳- همان، ص ۱۲۶.

(قلم: ۴)

۳. کاستن از نقش روحانیت

۳. کاستن از نقش روحانیت

مخالفان حاکمیت دین با پی بردن به نقش اساسی روحانیت در جامعه، می کوشند کارکرد این قشر از جامعه را به عبادت های فردی و مسائل غیراجتماعی فرو بکاهند. بر همین اساس، تا آنجا که توانستند روحانیت را از مسائل اجتماعی دور کردند. برای مثال، رضاخان سردفتری ازدواج، ثبت اسناد و املاک، قضاوت و مانند آن را از روحانیان گرفت و با حمایت دگراندیشان و تخریب مسجدها و مدرسه های علمی، در منزوی کردن هرچه بیشتر روحانیت کوشید.(۱) حکومت استبدادی پهلوی این سیاست را چنان ادامه داد تا اینکه مردم باور کردند روحانیت نباید در عرصه سیاست دخالت کند، به گونه ای که امروزه و سال ها پس از انقلاب، هنوز رسوبات چنین اندیشه ای مشاهده می شود. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

استعمارگران وقتی اسلام و روحانیت اسلام [را] دو مانع بر سر راه خود دیدند، سعی کردند با تبلیغات منفی خود این دو را از سر راه بردارند. اسلام را دینی فردی و روحانی را نیز متولی امور فردی عبادی و درس و بحث معرفی کردند. آنها به اندازه ای این تبلیغات را ادامه دادند که بسیاری از روحانیان و مردم باور کردند که نه اسلام، دین سیاست است و نه روحانی باید در سیاست دخالت کند. به گونه ای که اکنون هم گفته می شود که دخالت در سیاست شأن روحانیت نیست و اسلام هم نباید در سیاست و امور اجتماعی دخالت کند.(۲)

پس از انقلاب اسلامی نیز به ویژه در سال های اخیر، کاستن از منزلت اجتماعی روحانیت در برخی از قوانین دیده می شود. برای مثال، در قوانین استخدامی قوه

ص: ۱۱۹

۱- علما و رژیم رضاشاه، صص ۱۳۳ _ ۱۵۹.

۲- سخنرانی امام خمینی رحمه الله در نوفل لوشاتو، فرانسه، مهر ۱۳۵۷، صحیفه امام، ج ۴، صص ۱۳ _ ۱۷، نرم افزار صحیفه امام.

قضاییه، یک روحانی سطح سه (معادل کارشناسی ارشد) با دو سال درس خارج (معادل اشتغال در دوره دکترا) با یک دانشجوی کارشناسی حقوق هم ردیف به شمار می رود. این در حالی است که روحانیان بسیاری با چنین سطح سوادی، به عنوان استاد دانشگاه در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه ها مشغول تدریس هستند. نتیجه این گونه سیاست ها، چیزی جز کنار زدن روحانیت از فعالیت های اجتماعی نخواهد بود و این، همان چیزی است که دشمنان نظام و اسلام در آرزوی آن هستند. امام امت بارها می فرمود که جدایی از روحانیت، رفتن به جبهه دشمنان است.(۱)

۴. ترور شخصیت ها

۴. ترور شخصیت ها

در کنار اقدام های یاد شده، تخریب و ترور شخصیتی روحانیت نیز صورت می گیرد که در برخی موارد، به ترور جانی نیز انجامیده است، مانند شهادت شیخ فضل اللّه نوری که نخست با ترور شخصیت او، زمینه قتل ایشان را فراهم ساختند. همچنین می توان به تخریب شخصیت آیت اللّه بهشتی و شهید مطهری اشاره کرد. تخریب شخصیت شهید بهشتی به اندازه ای بود که امام، جمله معروف خود را درباره او فرمود که: «بهشتی مظلوم زیست، مظلوم مرد و خار چشم دشمنان بود.» امروز نیز این هجمه ها با شگردهای گوناگون صورت می گیرد. برای نمونه، دگراندیشان به عالمانی که نقشه ها و افکار پلیدشان را افشا و باطل می سازند، توهین های فراوانی می کنند.

۵. انکار پیشینه تاریخی روحانیت

۵. انکار پیشینه تاریخی روحانیت

بالاترین مصداق تهاجم به روحانیت، انکار پیشینه تاریخی آن است. به عبارت دیگر، وجود نهاد روحانیت را به عنوان یک نهاد اجتماعی مستقل دینی که وظیفه تبلیغ دین را بر عهده دارد، انکار می کنند. این اتهام را پیش از انقلاب، افرادی سطحی اندیش مطرح می کردند و امروزه هم فکران آنها تکرار می کنند. مشکل این گونه افراد و

۱- ایشان در فرازی از سخنانش می فرماید: «اسلام منهای روحانیت خیانت است. استثنای روحانیت به معنای نبود اسلام بوده و توطئه بر ضد ملت است». نک: صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۸۶ با گزینش.

جریان ها، نه روحانیت، بلکه خود اسلام است. در این میان، نقش برخی مطبوعات را نمی توان فراموش کرد. این گونه مطبوعات هنوز هم به جوسازی و غوغاسالاری علیه روحانیت می پردازند و ادعا می کنند که روحانیت به شکل رسمی در طول تاریخ اسلام وجود نداشته است. به این وسیله، هدف اصلی خود را که دور کردن مردم از دین و سکولاریزه کردن سیاست است، دنبال می کنند.

تأسف بارتر اینکه امروز در برخی موارد، شماری از مسئولان دولتی نیز به صف تخریب کنندگان چهره روحانیت پیوسته اند. بر همین اساس، در برخی کتاب ها از جمله کتاب های درسی تاریخ، به بهانه های واهی، حضور روحانیت در عرصه های تاریخی حذف شده است.

۶. ترویج جدایی دین از سیاست

۶. ترویج جدایی دین از سیاست

با نگاهی به مبانی دینی روشن می شود که سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست است. این امر، هم با توجه و دقت در آموزه های دینی که به صورت یک برنامه جامع عبادی، سیاسی و اجتماعی است، اثبات می شود و هم از آن جهت که سیره عملی رسول اللّه صلی الله علیه و آلهو ائمه علیهم السلام بوده است. به هر حال، اگر یک جامعه، دینی است، باید به لوازم و پی آمدهای این اعتقاد نیز توجه داشته باشد؛ یعنی در تمام مراحل زندگی باید دستورها و آموزه های دینی به صورت کامل اجرا شود و بدیهی است که این مهم، بدون دینی بودن حکومت امکان پذیر نخواهد بود. به همین دلیل، ضرورت ولایت فقیه در عصر غیبت اثبات می شود. بنابراین، در یک نظام دینی هیچ حزبی حق ندارد مردم را از دخالت در فعالیت های سیاسی ممنوع کند. ازاین رو، حتی آنهایی که با اسلام میانه خوبی ندارند، آن را عامل بسیار مهمی در مشارکت سیاسی می دانند. «تأثیر دین اسلام، بُعد [فعالیت و مشارکت سیاسی] دیگری را افزوده که آشکارا در خشمی که کتاب آیه های شیطانی سلمان رشدی برانگیخت، نمایان شده است».(۱)

۱- مایکل راش، جامعه شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چ ۲، ص ۱۳۴.

جوسازان و غوغاسالاران؛ یعنی مخالفان دینی شدن حکومت، برای اینکه از سوی روحانیان متهم به بی دینی نشوند، با بهانه های واهی، آنان را کنار می زنند و بنا به فرموده امام خمینی رحمه الله نظریه «اسلام منهای روحانیت» را ترویج می دهند. به عبارت دیگر، هدف از تخریب روحانیت، در طول هدفی بزرگ تر و خطرناک تر؛ یعنی تعطیلی احکام اجتماعی دین است. روشن است که با کنار رفتن روحانیت از صحنه، دین نیز از متن جامعه رخت می بندد. با توجه به همین خطر، امام امت، خطر اسلام منهای روحانیت را گوشزد فرمود و به مقابله با آن پرداخت. به باور جوسازان، «خداوند راه و روشی برای حکومت پیشنهاد نداده و مشروعیت هر حکومتی به رأی مردم است.»(۱) همه این موارد روشن می سازد که هدف اصلی این گونه حرکت ها تنها حذف دین از زندگی مردم است.

در خطرناک بودن جدایی دین از سیاست همین بس که وزیر خارجه امریکا با تمجید از جدایی دین از سیاست در برنامه های آتاتورک در جامعه ترکیه، بر آموزش روحانیان مسلمان امریکا به وسیله روحانیان ترک تأکید ورزید. همچنین بوش در دیدار با یکی از مقام های ترک می گوید که سیاست جدایی دین از سیاست و اسلام عرفی که در ترکیه جریان دارد، ساختار بسیار خوبی در این کشور است. وی گفت: «امریکا در طرح خاورمیانه بزرگ از روش دینی و سیاسی ترکیه کمک خواهد گرفت».(۲)

ج) ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی

ج) ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی

روش زندگی فردی و اجتماعی هر جامعه را فرهنگ و ارزش های آن جامعه تعیین می کند. از آنجا که اسلام می خواهد احکام و مقررات دینی در زندگی افراد جامعه جاری شود، به ضمانت اجرایی توان مند برای ایجاد زمینه های لازم و برخورد با موانع احتمالی نیازمند است. این ضمانت اجرایی جز حکومتی که منطبق با معیارها و ارزش های اسلامی است، نمی تواند باشد؛ زیرا یک حکومت غیردینی همان گونه که از نام آن پیداست، هیچ گونه دغدغه ای برای عمل به احکام اسلامی نخواهد داشت.

۱- آزادی یا توطئه، ص ۱۱۴.

۲- هفته نامه افق حوزه، ۱۶/۶/۱۳۸۴، ش ۴۳، ص ۳.

بـا نگـاهی به متون دینی درمی یابیم که شـکل حکومت در جامعه اسـلامی، بر اساس ولایت بوده و ولایت یکی از ارکان مهم ایمـان در جـامعه اسـلامی است. در این نوع از حکومت، اقتـدار و محبت در کنـار هم قرار می گیرد. این در حالی است که در حکومت هـای غیراسـلامی، عـاطفه و محبت جـای خود را به زر و زور می دهـد و افراد چنین جـامعه ای هیـچ نوع دل بسـتگی عاطفی به حکومت و حاکمان ندارند و برعکس.

نظام ولایی با منافع برخی افراد و گروه ها که در پی قدرتنـد یا اهداف شـیطانی دارند، سازگاری ندارد. ازاین رو، می کوشـند حکومت ولایی را تضـعیف کنند. آنها با مقایسه حکومت ولایی با حکومت شاهنشاهی، آن را اسـتبدادی معرفی می کنند. این گونه جریان ها نه تنها ولایت فقیه را نمی پذیرند، بلکه اطاعت از ائمه را نیز زیر سؤال می برند و می گویند:

... در حیطه ولاـیت سیاسـی، حتی ائمه هم وجوب اطاعت ندارنـد؛ چه برسـد به فقیه. مردم می تواننـد بر امام معصوم هم خرده بگیرند، انتقاد کنند و در جایی فرمانش را اطاعت نکنند.(۱)

بایـد گفت اگر هـدف از آفرینش انسان، بندگی است، هدف جامعه اسـلامی نیز چیزی جز رسـیدن به خدا نخواهد بود. بر این اسـاس، تعریف سـیاست عبـارت است از اِعمال قواعـد و الگوهایی از سوی حکومت اسـلامی برای رسانـدن جامعه اسـلامی به اهـداف مادی تا جامعه بتوانـد به بهترین شـکل ممکن در مسـیر الهی گام بردارد و رفتارهایی متناسب با این هدف عالی داشـته باشد. بر همین اساس، امام خمینی رحمه الله فرمود:

سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سـیاست ماست. این سـخن نیز در ادامه سـخن خداونـد متعال است که می فرماید: «وَ مَنْ لَمْ یَحْکُمْ بِما أَنْزَلَ اللّهُ فَأُولئِکَ هُمُ الْکافِرُونَ؛ بی گمان، کسانی که بر اساس کتاب خداوند حکم

۱- تهاجم شیطانی، به نقل از: عبدالکریم سروش، ماهنامه کیان، آبان ۱۳۷۷.

نکنند، جزو کافرانند». (مائده: ۴۴)

از اینجا ضرورت حاکمیت فقیه و اسلام شناس جامع الشرایط به خوبی روشن می شود که در متون دینی، حاکم از جانب خداوند و معصومین علیهم السلام معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در مورد پذیرش حاکمیت فقیهان دین می فرماید:

فَإِذا حَکَمَ بِحُکْمِنا فَلَمْ یَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّما اسْتَخَفَّ بِحُکْمِ اللّه ِ وَ عَلَیْنا رَدَّ وَ الرّادُّ عَلَیْنا الرّادُّ عَلَی اللّه ِ.(۱)

اگر آنها بر اساس دستورهای ما حکم کنند و کسی حکم آنها را نپذیرد، حکم خدا را سبک شمرده و ما را قبول نکرده است و کسی که حکم ما را نپذیرد، خدا را قبول ندارد.

اگر جامعه اسلامی بخواهد بر اساس آموزه های دینی و رضای الهی حرکت کند و به سعادت برسد، باید حاکمیت دینی داشته باشد و لازمه حاکمیت دینی نیز اطاعت از حاکم الهی است؛ زیرا اطاعت از حاکم بر اساس اقتضای نظم در امور، لازم است، چه برسد به فقیهی که از سوی خداوند متعال به عنوان حاکم جامعه اسلامی تعیین شده است و بنا به فرموده امام خمینی رحمه الله همان ولایت رسول اللّه صلی الله علیه و آله را دارد.

بر همین اساس، نهادهای مسئول وظیفه دارند با روش های گوناگون این موضوع را به درستی در جامعه تبیین کنند و ابهام های آن را برطرف سازند. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه، تبیین صحیح موضوع ولایت فقیه در کتاب های دوره های مختلف تحصیلی است.

د) تفرقه افکنی و ایجاد ناامیدی

د) تفرقه افکنی و ایجاد ناامیدی

اتحاد و هم دلی از عوامل مهمی است که در مبانی و متون دینی بر آن تأکید فراوانی شده است. خداوند متعال می فرماید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ

۱- کافی، ج ۱، ص ۶۷ .

أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكَمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا. (آل عمران: ۱۰۳)

به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید؛ آن هنگام که دشمن هم دیگر بودید و خداوند در قلب های شما الفت قرار داد و به برکت نعمت او با همدیگر برادر شدید.

خداوند متعال از دوستی و یک پارچگی امت اسلامی به عنوان یک نعمت یاد می کند. بنابراین، اگر این دو، نعمتی بزرگ و عامل سعادت یک جامعه است، به همان نسبت، تفرقه و پراکندگی نیز عامل بدبختی است. خداوند در قرآن می فرماید:

وَ أَطیعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ. (انفال: ۴۶)

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و نیرو و توانتان از بین برود.

همان گونه که آیه شریفه اشاره می کند، پراکندگی و چنددستگی عامل نابودی توان جامعه است. بر همین اساس، خداوند متعال، مؤمنان را از تفرقه و پی آمد شوم آن پرهیز می دهد.

تفرقه، ارزش ها و هنجارها را با خطر فروپاشی روبه رو می سازد؛ زیرا مردم در فضای تفرقه آمیز، در تشخیص هنجارها و ارزش های حق از باطل ناتوان می مانند. بدین گونه جامعه اسلامی با خطر فروپاشی روبه رو خواهد بود. ازاین رو، وظیفه حکومت اسلامی این است که فضای هم دلی ایجاد کند.

تفرقه افکنی با روش های مختلفی صورت می گیرد. تأکید بر اختلاف های مذهبی، قومی، نژادی و مانند آن می تواند از عوامل ایجاد تفرقه باشد. جوسازان و غوغاسالاران با دست زدن به هر یک از این عوامل، جو تفرقه و تشنج ایجاد می کنند. یکی از اعضای مرکزی جبهه مشارکت در نشست انتخاباتی بوکان در پیام خود با تأکید بر قومیت ها می گوید:

هیچ کس در ایران نمی تواند خود را از کردها ایرانی تر بداند؛ زیرا کردها ساکنین اولیه سرزمین ایران بوده اند و آریایی ها از جای دیگری به این

سرزمین آمده اند... . اگر بنا بر کوچ باشد، آنان که باید کوچ کنند؛ دیگرانند، نه کردها.(۱)

ما از برخی بی عـدالتی ها در حق برخی مناطق یا اقوام و زبان ها حمایت نمی کنیم، ولی نبایـد فراموش کرد که دفاع نامناسب از اقوام به بهانه عدالت، نتیجه ای جز تشدید تفرقه ندارد و جبهه اسلام را ضعیف خواهد ساخت. از طرفی باید توجه داشت که بر اساس آموزه هـای دینی، هیـچ یک از این مؤلفه ها ماننـد زبان، منطقه زنـدگی و قومیت نمی توانـد ملاک برتری باشـد. به عبـارت دیگر، همچنـان کـه عرب بر عجم و عجم بر عرب برتری نـدارد،(۲) کرد بر فـارس، فـارس بر ترک یـا کرد یا ترک بر فارس برتری ندارد و تنها ملاک برتری تقواست. ازاین رو، این گونه اقدام ها برابر خواست دشـمنان اسلام است. خدا در قرآن می فرماید: «إِنَّما يُريدُ الشَّيْطانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ؛ بی گمان، شـیطان می خواهد بغض و دشـمنی را در میان شـما ایجاد کند». (مائده:۹۱)

در این مورد، توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب بسیار مناسب است که می فرماید:

اگر شما تبلیغات اینها را نگاه کنید، می بینید که در مورد کشور عزیز و ملت بزرگ و قهرمان و در عین حال مظلوم ما، بر روی چنـد نقطه متمرکزند: اول، اختلاف و دوئیت و تفرقه است؛ همان داسـتان قدیمی «تفرقه بینداز و حکومت کن». نقطه دوم، تیره و تار و مبهم جلوه دادن آینده است. سـعی دشـمن این است که نشان بدهد آینده مبهم و تیره و تار است و معلوم نیست که چه خواهد شد و به کجا می رسند... .(۳)

ه_) تخریب چهره افراد اثرگذار

ه_) تخریب چهره افراد اثرگذار

بـا تـأملی انـدک در تاریـخ به راحتی می توان دریـافت که تخریب شخصـیت افراد از صـدر اسـلام تـاکنون ادامه داشـته است. دشمنان دین برای ناکام گذاشتن پیامبر اکرم

۱- روزنامه اقبال، ۲۲/۱/۱۳۸۴، ص ۶ .

۲- تبیین جامعه شناختی واقعه کرب و بلا، ص ۵۶.

۳- نرم افزار حدیث ولایت، سخنرانی در تاریخ ۳/۱۰/۱۳۷۶.

صلی الله علیه و آله در رسالتش، او را ساحر، مجنون و مانند آن معرفی کردند، درحالی که حتی پیش از اسلام نیز پیامبر، امین مردم بود. همچنین در زمان حیات و پس از درگذشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اقدام های گسترده ای برای تخریب شخصیت معنوی مولای متقیان علی علیه السلام صورت گرفت، به گونه ای که وقتی ایشان در محراب عبادت به شهادت رسید، بسیاری از مردم که از نزدیک با ایشان آشنایی نداشتند، می گفتند: «مگر علی نماز می خواند؟» باری، معاویه در ادامه اقدام های ویرانگر خود، به همین بسنده نکرد و دشنام دادن علی را در همه خطابه ها الزامی کرد. معاویه این کارها را برای آن انجام می داد که مردم را از شناخت چهره واقعی یک مؤمن واقعی و اسلام اصیل باز دارد.

در عصر ما نیز با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و حاکمیت دین در جامعه، جوسازان و مخالفان به تخریب شخصیت های مهم انقلاب مانند آیت اللّه دکتر بهشتی، دکتر باهنر و شهید رجایی پرداختند و زمانی که این اقدام ها را مفید ندیدند، با ترور ایشان، جامعه را از داشتن این سرمایه های گران بها محروم ساختند. این گونه رفتارها امروزه نیز با ترفندهایی پیچیده تر و جدی تر پی گیری می شود. تخریب چهره های علمی، دینی و سیاسی از این قبیل است، به گونه ای که در برهه ای از زمان، مطبوعات زنجیره ای در اقدامی هماهنگ به تخریب و تضعیف افراد مؤثر فرهنگی پرداختند. این گونه اقدام های تخریبی تا آنجا پیش رفت که برخی با زیر سؤال بردن شخصیت علمی و سیاسی امام راحل رحمه الله در سالی که به نام ایشان نام گذاری شده بود، زشت ترین توهین ها را به ایشان روا داشتند و اندیشه امام را به موزه تاریخ سپردند و سخنان ایشان را تاریخ مصرف گذشته خواندند.(۱)

و) حادثه آفرینی

و) حادثه آفرینی

یکی از مؤلفه های اصلی در تحقق ارزش ها و هنجارها در جامعه، وجود امنیت و فضای آرام در جامعه است. در چنین فضایی، پیشرفت جامعه به سوی تعالی ممکن

۱- روزنامه رسالت، ۱۴/۲/۱۳۸۴.

خواهـد بود. اصولاً زمانی بیشترین آسـیب به ارزش ها می رسد که فضای جامعه ناآرام شود. این پدیده، زمانی که ناآرامی ها، جـامعه را بـا اهـداف جوسازان و غوغاسالاران هماهنگ سازد، بسـیار خطرناک تر خواهـد بود. بر همین اساس، می توان گفت امنیت مادی و معنوی، بیمه کننده جامعه در برابر آسیب ها خواهد بود.

این نکته چنان مهم است که در زمان صـدر اسـلام نیز دشـمنان و مشـرکان برای آنکه مانع موفقیت پیامبر اسـلام شونـد، امنیت اقتصـادی و معنوی مسـلمانان را به هم زدنـد. آنهـا بـا تحریم سه ساله مسـلمانان در شـعب ابی طالب، آنان را به مهاجرت وادار کردند. از هرگونه آزار و شـکنجه جسـمی شان نیز دریغ نورزیدند. برای نمونه، یاسـر و سـمیه از مسـلمانان فداکاری بودند که شکنجه های مشرکان را تحمل و با این کار از اسلام حمایت کردند.

حادثه سازی های صـدر اسـلام به همین کارها محـدود نشـد. ازاین رو، مشـرکان با نقشه های مختلف در به شـهادت رسانـدن پیامبر کوشـیدند. دشـمنان پس از رحلت پیامبر و در زمان حکومت مولای متقیان علی علیه السـلام نیز حادثه های بسـیار تلخی ایجـاد کردنـد. این جوسـازی هـا تـا حـدی ادامه یافت که مسـلمانان ساده لوح با تحریک منافقان در برابر امام معصوم قـد علم کردنـد و نوای «لا حُکْمَ إلّا لِلّهِ» سـر دادنـد. این در حالی است که نتیجه سـخن آنان نتیجه ای جز نفی حکومت نبود. علی علیه السلام در برابر این حرکت های موذیانه و بدون اندیشه در خطبه چهل نهج البلاغه می فرماید:

کَلِمَهُ حَقٍّ یُرادُ بِها باطِلٌ! نَعَمْ إِنَّهُ لا حُکْمَ إِلّا لِلّهِ وَ لکِنَّ هؤُلاءِ یَقُولُونَ لا إِمْرَهَ إِلّا لِلّهِ وَ إِنَّهُ لابُدَّ لِلنّاسِ مِنْ أَمِیرٍ بَرٍّ أَوْ فاجِرٍ.(۱)

سخن حقی است که از آن اراده باطـل شـد (می شود). آری درست است، فرمـانی جز فرمان خـدا نیست، ولی اینها می گویند زمام داری جز برای خدا نیست، درحالی که مردم به زمام داری نیک یا بد نیازمندند.

۱- نهج البلاغه دشتی، صص ۶۴ و ۶۵ .

در تاریخ معاصر نیز پیش و پس از پیروزی انقلاب، دشمنان دین با ایجاد رخدادهای گوناگون کوشیدند در مسیر پیشرفت و تعالی ارزش های والای اسلامی که همان اهداف انقلاب اسلامی ایران است، مانع تراشی کنند. ترورهای اوایل انقلاب، شورش کردستان و فتنه های دیگر از این دست اقدام های گروه های معاند و ضد انقلاب بود.

ماجرای کوی دانشگاه (۱۸ تیرماه ۱۳۷۸) نیز که در پی توقیف روزنامه سلام رخ داد، از آخرین نمونه این موارد بود. دشمنان با فریب و تحریک برخی دانشجویان ناآگاه، این حادثه را به بهانه انتقاد از عمل قانونی دادگاه مبنی بر تعطیلی روزنامه یاد شده به راه انداختند. بدخواهان نظام اسلامی به گونه ای به این توطئه دل بسته بودند که برخی از معاندان نظام اسلامی در خارج، به ایران آمده و رهبری این جریان را به عهده گرفته بودند. نکته مهم این بود که دشمنان جامعه اسلامی پس از این حادثه به جوسازی پرداختند،(۱) به گونه ای که سخن از کشته شدن چندین دانشجو به میان آمد و برخی عزای عمومی اعلام کردند، ولی با آرام شدن اوضاع مشخص شد حتی یک دانشجو نیز نمرده است.(۲) همه این اقدام ها با پشتیبانی تبلیغاتی نشریه هایی همراه بود که خود از حمایت مالی و سیاسی دشمنان نظام اسلامی به ویژه امریکا بهره مند بودند.

ز) قدرت طلبی

ز) قدرت طلبی

یکی از زمینه ها و ابزارهایی که غوغاسالاران را در جهت تعارض با ارزش ها برمی انگیزاند، قدرت طلبی و به دست گرفتن منصب های سیاسی است. نهضت آزادی یکی از مهم ترین جریان های قدرت طلب است که به دلیل ناکامی در دست یابی به قدرت، به انواع کارشکنی ها از جمله زیر سؤال بردن مشروعیت نظام دست زده است.

۱- مراجعه به خبرگزاری ها و رسانه های معاند داخلی و خارجی، به ویژه در سالگردی که برای احیای آن و بزرگداشت کشته های خیالی این ماجرا برگزار شد، شاهدی محکم بر این امر است.

۲- فرهاد نظری، برای تاریخ، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۸۱، چ ۱۶، صص ۷۰ و ۷۱.

آنها در اوایل پیروزی انقلاب با نخست وزیری موقت مهندس بازرگان به قدرت رسیدند و تجربه ناموفقی از خود نشان دادند. همین امر سبب شد امام، ایشان را به استعفا وادارد. جریان های دیگری نیز چه در اوایل انقلاب و در سال های اخیر برای دست یابی به قدرت تلاش های فراوان کردند و در برخی موارد تا طرح ترور امام نیز پیش رفتند که توطئه آنان با لطف الهی ناکام ماند.(۱)

ح) ترویج تساهل و تسامح

ح) ترویج تساهل و تسامح

یکی از آفت های مهمی که ارزش های اصیل جامعه را تهدید می کند، جدی نگرفتن ارزش ها از سوی اعضای جامعه است. در متون دینی از اسلام به عنوان شریعت سهله و سمحه یاد شده است. برداشت های غلط از این مسئله موجب طرح شبهه تساهل و تسامح شده است که به اختصار به آن می پردازیم. اگر چه تعریف های متعددی برای تساهل و تسامح شده است، ولی وجه مشترک این تعریف ها عبارت است از: «نوعی گذشت و مدارا و برخورد نکردن تند و خشن در برابر عقیده ای است که هماهنگ با عقاید ما نیست و در تعارض با آن قرار دارد».

اگر تساهل را در معنای گذشت و مدارا در برابر مخالف در نظر بگیریم، اسلام با این گونه تساهل و تسامح هیچ گونه مخالفتی ندارد. آنچه ما به نقد آن می پردازیم، تساهل و تسامحی است که طرفداران آن می کوشند به بهانه آن، اصول و ارزش های دینی را کم رنگ کنند. بر اساس این مبنا، حق مطلق معنا ندارد و هیچ قضیه ای را به صورت یقینی نمی توان پذیرفت، چنان که رد یک نظریه و دیدگاه نیز به صورت یقینی امکان پذیر نخواهد بود.(۲) در این صورت، مبانی دینی با این گونه گذشت و مدارا که بهای آن نابودی ارزش های اصیل اسلامی است، موافق نخواهد بود.

۱- نک: انقلاب اسلامی، زمینه ها و پی آمدها، صص ۱۶۱ _ ۲۰۲.

۲- محمد رضا آقاجانی قناد، تساهل و تسامح از دیدگاه امام علی علیه السلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۲۵.

حضرت علی علیه السلام که مظهر عطوفت، مهربانی و مدارا با دوستان و دشمنان است، آنجا که اساس اسلام در خطر می افتد، به شدت از آن دفاع می کرد و حاضر بود در این مسیر حتی در برابر خویشاوندان معاند خود نیز بایستد. آن حضرت، جهاد در راه حفظ موجودیت اسلام را افتخاری بس بزرگ می دانست. رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خندق در وصف ایشان و جان فشانی هایش می فرماید: «ضربه علی در روز خندق با عبادت ثقلین برابر است.» خود ایشان نیز در خطبه ۵۶ نهج البلاغه در وصف جهاد خود در راه خدا می فرماید:

وَ لَقَدْ کُنّا مَعَ رَسُولِ اللّه ِصلی الله علیه و آله نَقْتُلُ آبائَنا وَ أَبْنائَنا وَ إِخْوانَنا وَ أَعْمامَنا، مایَزِیدُنا ذلِکَ إِلّا إِیمانا وَ تَسْلِیما.(۱)

در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و با پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود جنگ می کردیم که این مبارزه، بر ایمان و تسلیم ما می افزود.

مدارا و گذشت با مخالف تا زمانی است که دشمنی نکند و درصدد نابودی ریشه های دین نباشد. بر همین اساس، پیشوایان دین نیز با کسانی مدارا کرده اند که به برخی حداقل های جامعه اسلامی گردن نهاده باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهدر ابتدای ورود به مدینه با شرایطی خاص از جمله دادن جزیه و فعالیت نکردن علیه مسلمانان با قبایل سه گانه یهودیان پیمان بست تا آنان در امنیت کامل در مدینه زندگی کنند، ولی وقتی پیمان را نقض کردند، پیامبر به جنگ پرداخت و آنان را از جامعه اسلامی اخراج کرد.(۲)

اگر تساهل و تسامح به معنای دست برداشتن از دین و فدا کردن ارزش ها در برابر خواست بدخواهان دین باشد، جنگ های صدر اسلام در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و جنگ های امیرمؤمنان علی علیه السلام، کاملاً بی فایده و بلکه غیرعاقلانه خواهد بود.

۱- نهج البلاغه دشتی، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲- تاریخ طبری، ج۲، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.

ط) تبلیغات روانی یا جنگ رسانه ای

اشاره

ط) تبلیغات روانی یا جنگ رسانه ای

شیطنت هـای تبلیغـاتی و رسـانه ای یکی از مهم ترین ابزارهـای جوسازی و غوغاسالاری در جامعه اسـلامی است. در این گونه جوسازی، دشـمنان می کوشـند با اطلاع رسانی جهت دار و غیرواقعی، وضـعیت جامعه را به گونه دلخواه خود نشان دهند و از این مسیر به تضعیف آن بپردازند. این گونه جوسازی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک ـ جوسازی های داخلی

یک ـ جوسازی های داخلی

افراد یا گروه های معاند با نظام اسـلامی در این نوع جوسازی تبلیغاتی، با استفاده از رسانه های هم فکرشان افزون بر غیرواقعی نشان دادن وضع جامعه، با بدبین کردن اعضای جامعه به ارزش های دینی، آنها را از حضور در فعالیت های اجتماعی دل سـرد می کننـد. این مسـئله چنان مهم است که شـیوه های دیگر نیز تا حـد زیادی به آن وابسـته است؛ زیرا افراد و گروه ها بـدون در اختیار داشتن رسانه ها نمی توانند اندیشه های منفی خود را به جامعه منتقل کنند. ازاین رو، چنین افراد یا گروه هایی معمولاً با حمایت مادی و معنوی رسانه های غربی، زمینه را برای تبلیغات منفی خود در جامعه فراهم می سازنـد. برای مثال، در انتخابات مجلس هفتم که برخی احزاب و گروه ها به بهانه رد صـلاحیت برخی هم فکرانشان، این انتخابات را تحریم کرده بودند، با این گونه مطبوعات تلاش داشـتند یکی از معترضان به روند انتخابات را شخص رئیس جمهور وقت معرفی کنند، ولی در جلسه ای که در محضـر رهـبر معظم انقلاب و بـا حضـور رئیس جمهـور و برخـی مسـئولان دیگر برگزار شـد، رهـبر معظم بـا غیرقـانونی خواندن اعتراض ها و زمزمه های تعویق انتخابات، بر برگزاری انتخابات در موعد مقرر تأکید کرد.

دو ـ جوسازی های خارجی

دو ـ جوسازی های خارجی

بنگـاه های رسانه ای خارجی با تحریف واقعیت های جامعه اسـلامی، در سـیاه نمایی چهره آن می کوشـند. آنان با ناامن نشان دادن جـامعه اسـلامی، زمینه فعـالیت هـای اقتصـادی را در کشور نـابود می کننـد و از این راه، به هـدف های خود نزدیک می شوند. همچنین با دادن اطلاعات نادرست (مانند تروریست بودن مسلمانان و...)، زمینه ارتباط سیاسی

کشور را با جوامع اسلامی از میان می برند و تلاش می کنند جامعه ما را منزوی سازند. توجه به نمونه ای از اثرگذاری های منفی جوسازی رسانه ای در مردم و مسئولان ترکیه، مطلب را روشن تر می سازد. رسانه های گروهی ترکیه تلاش کردند چهره ای عقب مانده، فقیر، بی فرهنگ، متحجر و حامی تروریست از جمهوری اسلامی ایران در میان اقشار مختلف مردم ترکیه معرفی کنند که نه تنها مردم عادی، بلکه گروه های تحصیل کرده و برخی از دولت مردان این کشور نیز از این تبلیغات تأثیر پذیرفته اند. مردم ترکیه و حتی تحصیل کردگان و دولت مردان این کشور، شناخت دقیق و واقعی از جمهوری اسلامی ایران ندارند... . برای مثال، آقای تان تان، وزیر کشور دولت آقای اجویت، پس از بازگشت از جمهوری اسلامی ایران در اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی؛ در مصاحبه مطبوعاتی می گوید: «اصلاً گمان نمی کردم که در ایران بزرگ راه وجود داشته باشد. از مشاهده تعداد زیاد بزرگ راه ها و همچنین پیشرفت های ایران حیرت زده شدم».(۱)

ص: ۱۳۳

۱- http://WWW.baztab.com/news/۴۷۲۱۳.php.

فصل چهارم: نقش حکومت اسلامی در پیش گیری از غوغاسالاری

اشاره

فصل چهارم: نقش حکومت اسلامی در پیش گیری از غوغاسالاری

هر جامعه ای برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود به برنامه ای جامع و کامل نیاز دارد. برخلاف کسانی که برنامه را به بایدها و نبایدها تفسیر می کنند، باید گفت برنامه نه تنها بایدها و نبایدها، بلکه تلفیقی از هست ها، نیست ها، بایدها و نبایدهاست. به عبارت دیگر، هر باید و نبایدی بر اساس هست ها و نیست هایی شکل می گیرد که پیش تر شناسایی شده اند. دین نیز عبارت است از هست ها و نیست هایی که خداوند متعال در اختیار بشر قرار داده و بر اساس آنها بایدها و نبایدهایی را برای جامعه انسانی معرفی کرده است. ازاین رو، می توان گفت که دین، برنامه زندگی است و برای تمامی جنبه های آن برنامه دارد، ولی دو عامل، مانع توجه افراد جامعه اسلامی به این امر می شود: نخست، فراموشی و دوم، ناآگاهی.

همین امر وظیفه حکومت اسلامی را سنگین کرده است و ترسیم برنامه های مفید و آموزنده را برای تبیین نقش دین در جامعه ضروری می سازد. بر همین اساس، پیشوایان دین علیهم السلام در طول حیات اسلام از هر فرصتی برای روشن گری اذهان مردم، آن هم با روش های قابل فهم استفاده کرده اند. به هر حال، دین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین آسمانی به دلیل ویژگی ذاتی اش، اگر به درستی معرفی شود، نه تنها پیروان خود را از دست نخواهد داد، بلکه خواهد توانست دیگران را نیز به خود جلب کند.

اکنون که حکومت اسلامی در سرزمین ما برپا شده است، برای مقابله با جوسازی و غوغاسالاری که به حفظ ثبات اجتماعی می انجامد، وظایفی دارد. این وظایف را می توان چنین برشمرد:

۱. آگاهی بخشی به افراد جامعه

۱. آگاهی بخشی به افراد جامعه

همه اعضای جامعه نمی تواننـد ارزش ها و هنجارهای دینی و اجتماعی را فرا بگیرند. همچنین انسان ها به خاطر فراموش کاری و نداشـتن مسـئولیت مسـتقیم در این زمینه ها، توجه چندانی به این گونه مسائل ندارند. ازاین رو، مثلاً برخی با شـنیدن کمترین استدلالی درباره دشمنی امریکا با اسلام، آن را می پذیرند.

نکته مهم در آگاهی بخشـی به مردم این است که آنان به علت گرفتاری های روزانه، از تحلیل مسائل سیاسـی پیچیده ناتوانند، ولی با تکیه بر مسائل آماری و آوردن مصداق های عینی می توان آنها را در درک هر چه بیشتر رخدادها یاری رساند.

البته مقصود از اطلاـع رسـانی این نیست که همیشه مسائلی کاملاً جدیـد مطرح شود، بلکه لازم است بسـیاری از مسائل مهم به صورت متنـاوب برای اعضـای جامعه یادآوری شود. هم چنان که خداونـد متعال خطاب به پیامبر می فرمایـد: «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرى؛ یادآوری کن که یادآوری، سودمند است». (اعلی: ۹)

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۰ نهج البلاغه درباره ضرورت آگاهی سیاسی جامعه می فرماید:

آگاه باشـید که شـیطان، حزب خود را جمع کرده و سواره و پیاده های لشـکر خود را فراخوانده است. من آگاهی لازم به امور را دارم؛ نه حق را پوشـیده داشـتم و نه حق بر من پوشـیده مانـد. به خـدا سوگنـد، گردابی برای آنان به وجود آورم که جز من کسـی نتوانـد آن را چـاره سـازد. آنهـا که در آن غرق شونـد، هرگز نتواننـد بیرون آینـد و آنـان که بگریزنـد، خیال بازگشـت نکنند.(۱)

از کلام مولا به دست می آید همچنان که آگاهی، سیاسی انسان را از افتادن در چاه

ص: ۱۳۵

۱- نهج البلاغه دشتی، ص ۳۷.

دشـمنان نجات می بخشـد و حق را از پرده بیرون می آورد، برخورد فعال نیز به انسان و جامعه آگاهی می دهـد و آنها را قادر می سازد تا با تسلط کامل بر اوضاع جامعه، بتوانند توطئه های دشمن را خنثی سازند.

۲. جامعه پذیر کردن افراد در کودکی

۲. جامعه پذیر کردن افراد در کودکی

جـامعه پـذیری، فرآینـدی است که فرد در آن، ارزش ها و هنجارهای جامعه را می آموزد و در عمل، آنها را به کار می بنـدد. اهمیت دادن به جامعه پذیری با اهمیت دادن به هنجارها رابطه مستقیم دارد؛ یعنی جامعه ای که به ارزش های خود اهمیت می دهد، می کوشد اعضای خود را به بهترین شکل جامعه پذیر سازد.

چون شخصـیت افراد در زمان کودکی، هنوز شکل نگرفته است، این برهه بهترین فرصت برای جامعه پذیر کردن افراد است. با دقت در سیره پیشوایان دینی نیز می بینیم آنان بر یادگیری معارف دینی در این دوران تأکید جدی دارند.

یکی از وظایف مهم حکومت دینی، حفظ و نشر ارزش های جامعه دینی است و روشن است که بهترین راهکار در این جهت، کارهـای فرهنگی ریشه ای است. در حقیقت، جـامعه ای که فرهنگ و ارزش های خود را به بهترین شـکل ممکن به اعضایش آموزش دهـد، از سویی بـا آموزش در زمـان کودکی هزینه هـای مـادی خود را کاهش داده است؛ زیرا یادگیری در کودکی، ثبـات بیشتری دارد و گـذشت زمـان، آن را به فراموشـی نمی سپارد. از سوی دیگر، بـا ثبـات ارزش هـا در ذهن افراد و شـکل گیری شخصـیت آنها بر اساس ارزش های جامعه، آنها بیشترین امنیت معنوی را در برابر شبهه ها و هجمه های دشمنان خواهند داشت.

یکی از راهکارها در این زمینه، بازنگری در کتاب های آموزشـی و درسی است. تا زمانی که کتاب های درسی به ویژه کتاب های علوم انسانی با مبانی و ارزش های دینی متناسب نباشـد، آسـیب های فرهنگی نیز از جامعه رخت نخواهد بست؛ زیرا علوم انسانی بر اساس مبانی انسان شناسی است. بسیار جای تأسف است که امروزه مبانی

انسان شناسی غربی در قالب علوم انسانی با سرمایه جامعه اسلامی به دانش آموزان و دانشجویان تلقین می شود. این در حالی است که سال ها از سخنان رهبر معظم انقلاب مبنی بر اسلامی کردن دانشگاه ها می گذرد و هنوز مسئولان کاری نکرده اند.

تأمل در سخنرانی دردمندانه یکی از اعضای کمیسیون اسلامی شدن دانشگاه ها، گوشه ای از بی توجهی برخی مسئولان را نشان می دهد. ایشان در این زمینه می گوید:

بعد از اینکه با تأکید مقام معظم رهبری کمیسیونی در این زمینه تشکیل شد، ابتدا چند جلسه صحبت شد که اسم این کمیسیون چه باشد. آقایان گفتند: «اسلامی کردن دانشگاه ها». گفتند: این توهین به دانشگاه است. در نهایت با پیشنهاد دکتر حداد عادل، اسم آن را گذاشتند «اسلامی شدن دانشگاه». سپس بحث شد که رئیس کمیسیون چه کسی باشد. بالاخره آقای وزیر، رئیس شد. لابد شایسته تر از ایشان نمی شد! سپس بحث این بود که تعریف دانشگاه اسلامی چیست و یعنی چه؟ جلساتی در این زمینه بحث شد و سپس آقایان مطرح کردند که دانشگاه اسلامی باید فضای سبز خوبی داشته باشد، ساختمان خوبی داشته باشد، آزمایشگاهی مجهز داشته باشد، زمین ورزشی خوبی داشته باشد... . [وقتی]سؤال می کردیم اسلامی شدن دانشگاه آیا یعنی اینها؟ در پاسخ می گفتند مگر اسلام مخالف اینهاست؟ تا اینکه بنده گفتم حداقل پسوند اسلامی هم به این مسائل بدهید تا معلوم شود که این مصوبات مربوط به کمیسیون اسلامی شدن دانشگاه هاست.(۱)

۳. تقویت زمینه های هم نوایی

اشاره

۳. تقویت زمینه های هم نوایی

یکی از پی آمدهای مهم جامعه پذیری درست، هم نوایی با هنجارهاست. هم نوایی با هنجارها را به دوگونه می توان تقویت کرد:

الف) تشویق افراد ارزشی

الف) تشویق افراد ارزشی

۱- سخنرانی آیت اللّه مصباح یزدی در کانون طلوع.

به طور کلی، همه انسان ها به تشویق نیاز دارند. اصولاً ـ هر انسانی با دریافت پاداش برای یک عمل، در تکرار آن خواهد کوشید.(۱) بر همین اساس، در متون دینی و سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام، تشویق یکی از راهکارهای مهم برای هدایت افراد جامعه به انجام کارهای نیک است. تعبیرهایی مانند: «طوبی»، «جزای نیک» و «رحم اللّه » از جمله تعبیرهایی است که در متون دینی برای تشویق به اعمال صالح آمده است. همچنان که وعده بهشت و نعمت های الهی از ابزارهایی است که خداوند متعال و پیشوایان دین از آن بهره جسته اند تا مردم را به کارهای نیک تشویق کنند. برای نمونه، علی علیه السلام در خطبه ۷۵ نهج البلاغه با بهره گیری از تشویق، مؤمنان را به عمل صالح فرامی خواند و می فرماید:

خداوند رحمت کند بنده ای را که سخن حکیمانه ای شنید و به خوبی فرا گرفت و به راه رشد دعوت شد و بدان نزدیک گردید و به دامن راهنمایی دست زد و نجات یافت؛ پروردگارش را پیوسته در نظر داشت، از گناه خویش اندیشید، عمل خالصی پیش فرستاد و کار شایسته ای انجام داد؛ ذخیره ای به دست آورد و از کارهای ناشایست اجتناب کرد؛ هدفی را نشان کرد و بدان سوی شتافت و برابری به دست آورد؛ با هوای نفس به ستیزه برخاست و آرزوی [فریبنده] را دروغ پنداشت. صبر را مرکب رهوار نجات و تقوا را ره توشه وفات قرار داد. بر [کشتی] راه روشن و گشاده سوار شد و روش درخشان را ملازم گردید. فرصت ها را غنیمت شمرد و از اجل پیشی گرفت و از عمل [نیک] توشه برگرفت.(۲)

البته آوردن این خطبه به این معنا نیست که تشویق تنها با امور معنوی و اخروی امکان دارد، بلکه موارد فراوانی در تاریخ اسلام هست که پیشوایان دین با بهره گیری از امور مادی نیز به تشویق افراد ارزشی پرداخته اند.

ص :۱۳۸

۱- ویلیام اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه شناسی، تهران، تابان، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵.

۲- سیدمحمود طالقانی، پرتویی از اسرار نهج البلاغه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۲، ص ۶۸۳ ؛ نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۷۵، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ نهج البلاغه دشتی، خطبه ۷۶، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

بـه هر حـال، در جـامعه ای که برخی به خـود اجـازه می دهنـد دین داران و متعهـدان به ارزش هـا را کوتـاه فکر معرفی کننـد، حکومت دینی وظیفه ای مهم در این زمینه خواهـد داشت؛ زیرا لازم است هم اقدام های بازدارنده را خنثی سازد و هم زمینه را برای هم نوایی با ارزش ها فراهم سازد.

ب) تنبیه و برخورد مناسب با هنجارشکنان

ب) تنبیه و برخورد مناسب با هنجارشکنان

اگر چه کارهـای تشویقی بر برخوردهـای خشن و تنبیهی اولویت دارد، ولی افراد و گروه هـایی نیز هسـتند که هرگز حاضـر به تسلیم شـدن در برابر هنجارها و قوانین اجتماعی نیسـتند. این یا بدان سـبب است که قوانین و مقررات نمی توانند زیاده خواهی این افراد و گروه ها را فراهم سازند یا اینکه این گونه رفتارهای هنجارشـکنانه، انگیزه های دیگری از جمله مشـکلات روانی یا اهـداف سیاسـی دارد. ازاین رو، اقـدام های فرهنگی همیشه و همه جا مؤثر نیست و ضـروری است که اقـدام های بازدارنـده و متناسبی تعریف شود و قوانین و مقرراتی نیز در این جهت تدوین گردد.

بـا دقت در آموزه هـای دینی روشن می شود که اسـلام بـا اینکه بر اقـدام هـای فرهنگی و تشویقی تأکیـد فوق العـاده دارد، در مواردی نیز برای حفـظ ارزش هـای دینی و منافع جامعه، برخی قوانین تنبیهی و تعزیری را تعریف می کنـد. یادآوری این نکته لازم است که گرچه این اقـدام هـا در ظـاهر خشن می نمایـد، ولی وقتی بـدانیم این اقـدام هـا به سود جامعه است، دیگر مانند کسانی که بدون درک درست، قوانین تنبیهی اسلام را غیر انسانی معرفی می کنند، عمل نخواهیم کرد. برای مثال، وقتی اسلام در شـرایط خاصی به بریدن دست دزد دستور می دهد، درست است که دست یک فرد قطع می شود، ولی با این اقدام تنبیهی، دیگران که در اندیشه چنین رفتارهای مجرمانه ای هستند، بیدار می شوند و از آن دوری می کنند.

یکی از سـیره های مهم مولای متقیان علی علیه السـلام، برخورد قاطعانه با کسانی بود که هنجارها و ارزش های جامعه اسلامی را زیر پـا می نهادنـد. در همین راسـتا، وقتی ایشـان آگاه شـد که ولیـد، برادر مادری خلیفه سوم و حاکم کوفه، شـراب خورده است، به او

تازیانه زد. مسعودی در مروج الذهب می نویسد:

شاهـدان به شـراب خواری ولیـد شـهادت دادنـد و او مسـتحق حـدّ گشت. عثمان شـهادت آنها را نپذیرفت، ولی امام علی علیه السلام او را نکوهش کرد و فرمود: گواهان را رد و حدود را باطل می کنی؟ ازاین رو، عثمان شهادت را پذیرفت و آن گاه که مردم از عثمان واهمه داشـتند که بر ولید حدّ جاری کنند، امام علی علیه السلام برخاست، وی را بر زمین انداخت و حدّ را بر او جاری کرد.(۱)

۴. تقویت جایگاه رهبری در آموزش های کودکان

۴. تقویت جایگاه رهبری در آموزش های کودکان

هیچ جامعه ای بدون داشـتن رهبری توان مند نمی تواند به سوی پیشـرفت همه جانبه حرکت کند و استعدادهای افراد را شکوفا سـازد. مسـئله رهـبری در اسـلام اهمیت فوق العـاده ای دارد. امیرمؤمنـان علی علیه السـلام در زمینه ضـرورت وجود رهبری در جامعه می فرماید: «لابُدَّ لِلنّاسِ مِنْ أَمِیرٍ بَرٍّ أَوْ فاجِرٍ؛ وجود حاکم ستم پیشه نیز بهتر از نبود رهبری است».(۲)

بنابراین، حکومت اسلامی با باید با کارهای فرهنگی و آموزش اعضای جامعه، آنها را با اهمیت جایگاه رهبری آشنا سازد و با استفاده از کارشناسان دل سوز، شبهه های احتمالی را برطرف سازد.

بهترین، پایدارترین و کم هزینه ترین روش برای تبیین و تقویت جایگاه رهبری، آموزش در دوران کودکی است. باید با برنامه ریزی هـای دقیق از خانواده آغاز کرد و با ادامه دادن آن در دوران پیش دبسـتان، کودکان را از جایگاه رهبری آگاه ساخت و آنهـا را بـا روش های صـحیح جامعه پـذیر کرد. این امر کاملاً ضـروری است و نیاز به اسـتدلال نـدارد؛ زیرا اگر گاهی به امور مادی و دنیوی ضرورت دارد، تبیین جایگاه رهبری و

ص: ۱۴۰

۱- مسعودی، مروج الذهب، تحقیق: عبدالامیر مهنّا، بیروت، بی تا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ص۲۳۵.
۲- ناصر مکارم شیرازی، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۵، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص۱۳.

مسائلی از این دست که تضمین کننده سعادت همه جانبه است، بسیار ضروری تر خواهد بود. اگر به آموزش های صورت گرفته در مدرسه ها توجه کنیم، روشن می شود که چنین امری در بسیاری از موارد ضعیف است و در مواردی عکس آن صورت می گیرد.

۵. تأمین و تقویت عدالت اجتماعی

۵. تأمین و تقویت عدالت اجتماعی

همان گونه که در گذشته اشاره شد، نبود عدالت در جامعه نه تنها موجب تقویت جوسازان و جرئت یافتن آنها می شود، بلکه در چنین جامعه ای، ارزش ها نیز فرصت بالندگی نخواهند یافت. بسیاری از افراد جامعه، وقتی بی عدالتی ها را ببینند و امیدی برای رهایی از این وضعیت نداشته باشند، از ارزش ها و هنجارها دست برمی دارند و تعهد عملی به آنها نخواهند داشت. البته بی گمان دل بستگی به هنجارها در هر حال ضروری است، ولی در واقعیت خارجی، بسیاری از افراد به جهت ضعف ایمان، به ارزش ها پای بند نخواهند بود.

بی عدالتی در جامعه پی آمدهای گوناگونی دارد که به برخی از آنها اشاره شد و گفتیم که اسلام به دلیل همین پی آمدها با بی عدالتی مخالف است. وظیفه حکومت دینی نیز آن است که در برابر آسیب هایی که دین و ارزش های جامعه اسلامی را تهدید می کند، بایستد. ازاین رو، باید زمینه های بی عدالتی را بزداید و عدالت را که مایه حیات جامعه اسلامی است، در جامعه برقرار سازد. بدین ترتیب، هم دشمنان عدالت را ناامید می کند و هم به ستم دیدگان امید می بخشد و آنها را به حفظ ارزش ها خوش بین می سازد.

۶. تقویت ابزارهای کنترل اجتماعی

۶. تقویت ابزارهای کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی برای هر جامعه ای ضرورت دارد. امروزه نمی توان جامعه ای را یافت که از ابزارهای کنترل اجتماعی بهره نبرد. این ضرورت، زمانی روشن تر می شود که بدانیم برخی افراد و گروه ها می کوشند به دلایل گوناگون چهره فرهنگ اسلامی را

خدشه دار کنند. به همین دلیل، حکومت دینی وظیفه دارد به تقویت ابزارهای کنترل اجتماعی بپردازد و از این رهگذر، جامعه اسلامی را بیمه کند. تقویت ابزارهای امر به معروف و نهی از منکر یکی از مصداق های مهم تقویت کنترل اجتماعی است.

۷. آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی

۷. آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی

بی شک، ارزش های اسلامی در کام یابی دنیوی و اخروی اعضای جامعه، نقش اصلی را ایفا می کند. این ارزش ها، زندگی فردی و اجتماعی را جهت می دهد و معنا می بخشد. در عین حال، جریان یافتن این ارزش ها در متن زندگی اعضای جامعه، موجب رشد و بالندگی ارزش ها در جامعه می شود. در این صورت، دین در جامعه اسلامی، چارچوب اصلی زندگی خواهد بود.

یکی از مهم ترین وظایف مهم حکومت اسلامی، ایجاد بستری مناسب برای اعضای جامعه است تا بتوانند به آسانی به تعهد دینی شان عمل کنند و در عین حال، آنها که با مسائل دینی آشنایی کاملی ندارند، بتوانند آنها را فرا گیرند و در زندگی خود به کار بندند. ازاین رو، حکومت اسلامی می تواند با ترویج آموزه های دینی، آنها را از غربت درآورد و از خطر فراموشی در امان دارد.

یکی از مهم ترین کانون های مورد توجه، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش، سازمانی اجتماعی است که فرد از آغاز زندگی در آن حضور می یابد. ازاین رو، لازم است مسئولان با استفاده از این فرصت گران بها به ترویج دین بپردازند.

۸. شایسته سالاری

۸. شایسته سالاری

نوع حکومت و رفتار حاکمان به طور مستقیم و غیرمستقیم در کنش اعضای جامعه تأثیر دارد؛ زیرا مردم به حاکمان خود تا حد زیادی به عنوان الگوی عملی می نگرند و در رفتارهای خود از آنها تأثیر می پذیرند. بنابراین، رفتار شایسته مسئولان، رفتارهای نیک و خوب و رفتار بد مسئولان نیز رفتارهای غیرارزشی و ضد ارزشی مردم را در پی خواهد داشت. بر حاکم جامعه اسلامی است که در انتخاب مسئولان زیردست دقت

کافی به خرج دهد و بهترین ها را بر گزینند. علی علیه السلام در نامه ۵۳ به مالک اشتر می فرماید:

ثُمَّ لْیَکُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَکَ أَقْوَلَهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَکَ وَ أَقَلَّهُمْ مُساعَدةً فِیما یَکُونُ مِنْکَ مِمّا کَرِهَ اللّه لِأَوْلِیائِهِ واقِعا ذلِکَ مِنْ هَواکَ حَیْثُ وَقَعَ.(۱)

از میان وزیران، افرادی را مقدّم دار که در گفتن حق از همه صریح تر و در همراهی درباره آنچه خداوند برای اولیایش دوست نمی دارد، کمتر کمک کنند؛ خواه موافق میل تو باشند یا نه.

خود ایشان پس از بیست و پنج سال خانه نشینی، وقتی به خلافت رسید، بسیاری از آن حضرت درخواست کردند برای استواری پایه های حکومت و حفظ آن، برخی افراد نالایق مانند معاویه را عزل نکند و در موقعیتی مناسب تر به این امر دست بزنند، ولی ایشان در برابر همه این فشارها و اصرارها مقاومت کرد و فرمود: «وَ اللّه لا اُداهِنُ فِی دِینِی وَ لا اُعْطِی الدَّنِیَّ فِی أَمْرِی؛ به خدا سوگند، هرگز در دینم مداهنه [سستی] نمی کنم و امور مملکت را به دست افراد پست نمی سپارم».(۲)

بر همین اساس، در وصف مالک اشتر می فرماید:

می دانی مالک که بود؟ اگر از کوه بود، قلّه بلند آن بود و اگر از سنگ بود، سنگی سخت بود. مرگ تو ای مالک! جهانی را غمگین و جهانی دیگر را شادمان ساخت. بر مثل مالک باید گریه کنندگان بگریند. آیا نظیر مالک وجود دارد؟(۳)

با دقت در عزل و نصب های مولا علی علیه السلام می توان معیارهای شایسته سالاری را به آسانی به دست آورد.

ص: ۱۴۳

۱- محمد دشتی و سیدکاظم محمدی، المعجم المفهرس نهج البلاغه، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام للتحقیق، ۱۳۷۵، چ ۶، ص۱۷۳؛ نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳، صص ۵۷۰ و ۵۷۱.

۲- میکاییل صفایی، مجموعه مقالات آشنایی با نهج البلاغه، اصلاحات و شایسته سالاری از منظر امام علی علیه السلام، تبریز، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۱۷، به نقل از: جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص۳۵۱.

۳- همان، ص ۱۱۸.

۹. مدارا با جوسازان

۹. مدارا با جوسازان

حاکم در حکومت اسلامی در جایگاه پدری دل سوز برای اعضای جامعه قرار دارد. ازاین رو، باید در مواردی با قوه قهریه با آنان برخورد کند و در مواردی نیز برخوردی مهربانانه داشته باشد. در مواردی هم که برخوردهای تند، به دور شدن مردم از دین می انجامد و زمینه را برای نفوذ دشمنان آماده می کند، برخوردهای مهرورزانه می تواند بسیار کارساز باشد و در عین حال افراد خطاکار نیز فرصت پیدا می کنند با اندیشه در کار خویش، به سوی ارزش ها گرایش یابند.

در تاریخ اسلام، موارد فراوانی از مدارا، گذشت و مهربانی حاکمان اسلامی وجود دارد؛ چه زمانی که پیامبر اسلام، مشرکان را عفو کرد و چه آن هنگام که علی علیه السلام، مسلمانان خطاکار را بخشید. علی علیه السلام، اهل بصره را که آتش افروز جنگ جمل بودند، چون که اظهار پشیمانی کردند، عفو کرد و فرمود:

همه [شما] را عفو کردم. از فتنه جویی دوری گزینید. شما نخستین کسانی هستید که بیعت را شکستید و عصای امت را دو نیم کردید. از گناه بازگردید و خالصانه توبه کنید.(۱)

۱۰. اطلاع رسانی شفاف و اعتمادسازی

۱۰. اطلاع رسانی شفاف و اعتمادسازی

خشنودی تمام اعضای جامعه از حکومت بسیار دشوار است؛ زیرا از سویی، توانایی های هر حکومتی محدود است و از سوی دیگر، موانع عمدی و غیرعمدی نیز هر حکومتی را با مشکلات جدی روبه رو می سازد. ازاین رو، حکومت اسلامی باید با روش های علمی و مطالعه شده به اطلاع رسانی در مورد این مشکلات بپردازد. افزون بر آن، برای امیدوار کردن مردم به حکومت دینی، موفقیت ها را نیز به اطلاع مردم برساند. نتیجه عملی این ارتباط با مردم در سخنان علی علیه السلام به مالک اشتر روشن می شود که فرمود:

۱- نهج البلاغه دشتی، خطبه ۱۲۰.

وَالْإِحْتِجابُ مِنْهُمْ یَقْطَعُ عِلْمَ مَاحْتَجَبُوا دُونَهُ فَیَصْغُرُ عِنْدَهُمُ الْکَبِیرُ وَ یَعْظُمُ الصَّغِیرُ و یَقْبُحُ الْحَسَنَ وَ یَحْسُنُ الْقَبِیحُ وَ یُشابُ الْحَقُّ بِالْباطِلِ.(۱)

دوری از مردم، آگاهی آنها را از مسائل نهانی قطع می کند. در نتیجه، بزرگ نزد آنان، کوچک و کوچک، بزرگ؛ کار نیک، زشت و کار بد، نیکو جلوه می کند و حق با باطل درهم می آمیزد.

۱۱. تقویت روحیه دشمن شناسی و دشمن ستیزی

۱۱. تقویت روحیه دشمن شناسی و دشمن ستیزی

دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی با توجه به اهداف خود، از ابزارهای مختلفی به جوسازی علیه هنجارها سود می جویند. اعضای جامعه اسلامی و حکومت دینی بایـد در زمینه شناخت دشمن درست عمل کننـد و آگاهانه به مبارزه با آن بپردازند. همچنان که مسامحه در برابر بیماری، خطرناک است، سستی و تساهل در برابر دشمنان جامعه نیز آسیب زاست و جامعه را از اهداف اصلی و تعیین شده آن باز خواهد داشت.

دشمن شناسی و دشمن ستیزی دو مقوله بسیار مهم در فرهنگ دینی است که پیشوایان دین اهمیت فراوانی به آن داده اند. علی علیه السلاماز هر فرصت ممکن برای معرفی دشمنان جامعه اسلامی استفاده می کرد، چنان که در خطبه ۵۷ نهج البلاغه در معرفی معاویه و اعلام دشمنی او می فرماید:

آگاه باشید! پس از من مردی با گلوی گشاده و شکمی بزرگ، بر شما مسلط خواهد شد که هر چه بیابد، می خورد و می کوشد آنچه را ندارد، به دست آورد. ... آگاه باشید! به زودی معاویه، شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می کند.

جالب اینکه ایشان به معرفی صرف بسنده نمی کند و روش برخورد با او را نیز می آموزد و می فرماید:

... او را بکشید! ... و در برابر اجبار او به بدگویی از من، بدگویی کنید که مایه بلندی درجات من و نجات شماست (تقیه کنید)، ولی هرگز در دل از

۱– المعجم المفهرس نهج البلاغه، ص۱۷۸؛ نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳، صص ۵۸۴ و ۵۸۵.

من بیزاری نجویید که من بر فطرت توحید تولد یافته ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم تر بوده ام.(۱)

پس دشـمن شناسـی و برخورد مناسب با دشـمن بسیار ضروری است و حکومت نیز باید در این زمینه گام های اساسی بردارد؛ زیرا چنین کمبودی در جامعه احساس می شود. برای نمونه، طرح این شبهه که دلیلی برای دشمنی ایران با امریکا وجود ندارد، خطری است که اگر کـار فرهنگی منـاسب در زمینه آن صورت نگیرد، می توانـد نظام اسـلامی را با مشـکلات جـدی روبه رو سازد.

۱۲. تأمین امنیت

۱۲. تأمین امنیت

یکی از عوامـل تضـمین ارزش هـا و هنجارهـای جامعه اسـلامی و حفظ آن از آسـیب های اجتماعی، امنیت اجتماعی است. هر انـدازه که افراد جـامعه علاـقه منـد امنیت هسـتند، به همـان انـدازه جوسـازان و غوغاسالاران مخالف امنیتنـد؛ زیرا جوسازان در محیط ناامن، راحت تر به مقصود خود دست می یابند. به عبارت دیگر، آنها در جامعه ناامن احساس امنیت می کنند.

در فرهنـگ قرآن و دیگر متون دینی، از امنیت به عنوان یکی از نعمت هـای مهم یـاد شـده است. اولین دعای حضـرت ابراهیم علیه السـلام به درگـاه خداونـد متعـال، درخـواست امنیت است و پس از آن به درخـواست هـای دیگر می پردازد.(۲) همچنین زمانی که خداوند متعال، نعمت های خود به قریش را برمی شمارد، به امنیت بخشی به آنها اشاره می کند.(۳)

حـال که روشن شـد امنیت یکی از مهم ترین نعمت های جامعه برای رسـیدن به هـدف های خود است، حکومت دینی بایـد با بهره گیری از برنامه ها و ابزارهای لازم به

۱- نهج البلاغه دشتی، ص ۱۰۹.
۲- «وَ إِذْ قال إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدَا آمِنا؛ و هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! این سرزمین را امن قرار بده». بقره: ۱۲۶
۳- «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَـذَا الْبَيْتِ الَّذِى أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَ آمَنَهُم مِّنْ خَوْف؛ پس خدای این خانه کعبه را بپرستید؛ خدایی که آنها را در گرسنگی غذا داد و در هنگام ترس به آنها امنیت بخشید». (قریش: ۳ و ۴)

تأمین امنیت در جامعه بپردازد و در این راه از اقتدار لازم برخوردار باشد.

ص: ۱۴۷

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

۱. نگاهی به رسانه صدا و سیما پس از انقلاب اسلامی

۲. پیشنهادهای کلی

۳. پیشنهادهای برنامه ای

۴. پرسش های مردمی

۵. پرسش های کارشناسی

۱. نگاهی به رسانه صدا و سیما پس از انقلاب اسلامی

۱. نگاهی به رسانه صدا و سیما پس از انقلاب اسلامی

هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تغییر شدیدی در نهادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رخ داد. صدا و سیما نیز به عنوان یک رسانه ملی از این قاعده مستثنا نبود. در آغاز پیروزی انقلاب، ملی گرایان و منافقان تسلط فراوانی بر این رسانه داشتند و خواسته های خود را اعمال می کردند. آوردن عبارت «به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران» در ابتدای برنامه ها بر اثر همین سلطه بود. با گذشت زمان و با تسلط نیروهای انقلابی مخلص بر صدا و سیما و نیز با تدبیرهای امام خمینی رحمه الله، این سازمان به تدریج از نیروهای ضدانقلاب پالایش شد و بر اثر همین پالایش، اصلاحات اساسی در آن صورت گرفت. اوج این اصلاحات با آغاز جنگ تحمیلی و حاکمیت اندیشه بسیجی بر تمامی نهادهای فرهنگی صورت گرفت، به گونه ای که این رسانه اثرگذار، در پخش برنامه های متناسب با جو دینی جامعه دقت فراوانی به خرج می داد، هر چند هنوز اوج و فرودها و ضعف ها و قوت های فراوانی در این مسیر دیده می شد.

با پایان جنگ تحمیلی، فضای جامعه دگرگون شد و برخی افراد و گروه ها که پایان جنگ را پایان زندگی دینی می پنداشتند، با جوسازی های فراوان توانستند این رسانه را تا حد زیادی به سوی سکولاریزاسیون(۱) یا عرفی شدن پیش ببرند. در دوران ریاست آقای علی لاریجانی، هر چند تحول های فراوانی در این رسانه صورت گرفت

۱- «سکولاریزاسیون» یا «عرفی شدن»؛ secularization، فرآیندی است که در آن جامعه در مسیری حرکت می کند که نمادها و ارزش های دینی از آن رخت بر می بندند و نقش چندانی در زندگی فردی و اجتماعی افراد ایفا نمی کنند. «سکولاریسم» (secularizme) مکتبی است که تلاش دارد مبانی و ارزش های دینی را از امور اجتماعی حذف کند.

و برنـامه ریزی هـای بسیاری ماننـد تقـویت جایگـاه رهـبری، آمـوزش و ترویـج مبـانی علمی و دینی در برخی سـخنرانی هـا و میزگردها، برای تقویت مبانی فرهنگی و سیاسی نظام مقدس جمهوری اسلامی تولید شد، ولی هنوز بسیاری از برنامه ها نه تنها بـا هـدف هـای انقلاـب اسـلامی هم سـو نبودنـد، بلکه در مـواردی قضـیه برعکس بود؛ زیرا برخی نمادهـای جوامع غیردینی و سکولار در آنها رشد داشت.

اختلاط افراطی میان زن و مرد، نمایش فیلم های غربی سازگار با مبانی سـکولاریسم، نمایش صـحنه های نامناسب ماننـد: درد زایمـان زنـان، ارتبـاط و دوستی میان زنان و مردان نامحرم، آرایش های غلیظ در برخی برنامه ها، ترویـج برخی موسـیقی های نامناسب از نظر محتوا و آهنگ، تبلیغ ناآگاهانه و غیرمسـتقیم برخی ادیان و مذاهب غیراسلامی مانند: مسیحیت در قالب برخی فیلم هـای خـارجی و رعـایت نشـدن بسـیاری از الگوهـای دینی ماننـد: محرم و نـامحرم، عـادی سـازی رقص در قالب حرکات موزون و... را می توان از جمله نقاط ضـعف صدا و سـیما برشمرد. اکنون برای آشنایی بیشتر با وضعیت رسانه ملی، مواردی را برمی شماریم تا افزون بر آسیب شناسی، راهکارهایی نیز تبیین شده باشد.

۲. پیشنهادهای کلی

اشاره

۲. پیشنهادهای کلی

زیر فصل ها

الف) استفاده از کارشناسان متعهد

ب) الگوآفرینی مناسب برای جوانان

ج) حفظ و ترویج نمادهای دینی و ارزشی

د) ترویج روحیه قناعت

هـ) پرهیز از قومیت گرایی

و) تأکید بر مناسبت های دینی

ز) پرهیز از سکولاریزاسیون در فرهنگ سازی

الف) استفاده از کارشناسان متعهد

الف) استفاده از کارشناسان متعهد

یکی از آفت های مسائل دینی این است که بسیاری از افراد، خود را کارشناس دین می دانند. چنین روندی از جنبه های متعددی خطرناک است؛ زیرا دین از سوی خدا و از روی حکمت و برای سعادت انسان نازل شده است و هر کسی نباید در آن دخالت کند. نبود کارشناسان متعهد، به این هدف والای الهی آسیب می زند.

گاهی مجریان یا تهیه کنندگان نیز به سلیقه خود به انتخاب و تفسیر متون دینی می پردازند. این در حالی است که هنگام اظهارنظر درباره یک مسئله پزشکی، تنها به سخن کارشناسان استناد می شود. متأسفانه امروزه به گونه ای شده است که هر کس اگر در هر موردی هم کارشناس نباشد، دست کم در حوزه دین، کارشناس است. این امر تا

حد زیادی در صدا و سیما نیز دیده می شود. برای مثال، یک مهندس به صرف اینکه مطالعاتی در حوزه دین دارد، به عنوان کارشناس مسائل دینی اظهار نظر می کند، درحالی که چنین فردی هرگز به صرف داشتن مطالعاتی در زمینه پزشکی به عنوان کارشناس دعوت نمی شود. این روند دست کم به صورت غیرمستقیم این نکته را القا می کند که مسائل دینی، امری سلیقه ای است و همگان می توانند در این زمینه نظر بدهند.

بعثت پیامبران به همراه تبیین احکام دینی نشان می دهد بشر به تشخیص این گونه امور توانا نیست و در این زمینه به منبع لایزال الهی نیاز دارد، به ویژه آنکه هدف و نتیجه مبانی دینی، تأمین سعادت جاودانی در آخرت است. همین امر، استفاده از کارشناسان مجرب را در رسانه ملی ضروری می سازد. رعایت نشدن این نکته در صدا و سیما به اظهار نظرهای نادرست در مسائل دینی می انجامد. برای نمونه، در یکی از برنامه ها که در ماه رمضان سال ۱۳۸۳ به مناسبت شب های قدر پخش می شد، فردی به نام دکتر «ق» که در بسیاری از برنامه ها به عنوان کارشناس دعوت می شود، گفت: «حضرت علی علیه السلام در روز عید غدیر به امامت نصب نشده است، بلکه نصب حضرت پیش از این زمان بوده است». این امر با ظهور آیه و تاریخ غدیر، چه به نقل اهل تسنن و چه تشیع، تعارض دارد. همچنین در یکی از برنامه های خانواده، خانمی به عنوان کارشناس دعوت شده بود که با استناد به ظاهر آیه نساء «وَ لَنْ تَسْتَطيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ؛ و هرگز نخواهید توانست میان زنان به عدالت رفتار کنید، هر چند بخواهید.» (نساء: ۱۲۹) اظهار می داشت که قرآن با تعدد زوجات مخالف است؛(۱) زیرا خود قرآن می فرماید: «نمی توانید عدالت را پیشه سازید.» این در حالی است که این سخن

۱- البته مقصود از این بحث تشویق ازدواج موقت در زمان فعلی نیست. بلکه هدف بیان این نکته است که کسی حق ندارد برای القای خواسته های ذهنی خود بدون آشنایی کامل با قرآن به تفسیر آن بپردازد؛ زیرا این امر موجب انحراف های فراوان اجتماعی خواهد شد.

از جنبه های بسیاری اشکال دارد؛ زیرا:

۱. تفسیر به رأی قرآن است که امری ممنوع است.

۲. یکی از پیش نیازهـای تفسیری شیعه، استفاده از مکتب اهـل بیت است که در این برنـامه، مورد بی مهری و فراموشی قرار گرفته است.

۳. اگر بخواهیم از خود این آیه، تحریم تعدد زوجات را استنباط کنیم، لازمه آن این است که به سخن لغو از سوی خداوند حکیم معتقد شویم. درحالی که آیه به صراحت به جواز تعدد زوجات اشاره می کند و حتی ضوابط آن را نیز برمی شمارد.

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایـد: «مقصود قرآن از نبود امکان عـدالت در اینجا، عدالت در محبت قلبی است که یـک امر اختیـاری نیست.» ازاین رو، آنچه لازم است عـدالت در آن رعایت شود، عـدالت در واقعیت خارجی است، مانند: تهیه مخارج زندگی و محبت ظاهری.

یکی از معیارهـایی که در انتخاب کارشناسان بایـد در نظر گرفته شود، تعهـد عملی و ظاهری آنها به شریعت است. چون در شریعت اسلام بر این نکته تأکیـد شـده است که تبلیغ عملی بر تبلیغ زبانی مقـدّم است. ازاین رو، باید از کارشناسان متعهد در برنامه های دینی استفاده شود. برای مثال، در شبکه قرآن، برنامه ای پخش می شد که سخنران برنامه در عین حال که به بحث دربـاره عرفـان و اخلاق می پرداخت، چهره ای مناسب نـداشت؛ زیرا صورت خود را به طور کامل تراشیده بود. این در حالی است که به فتوای مراجع تقلید، این امر حرام است.

رسانه ملی بایـد در تمـامی امور حتی فیلم ها و سریال ها، مسائل دینی را در نظر داشته باشـد، درحالی که در برخی برنامه ها نادیـده گرفته می شود. برای مثـال، مشاور سریال هنگامه که در برنامه خانواده شبکه یک با هـدف حل مشکلات خانوادگی تهیه شـده بود، هیـچ گونه اشاره و توجهی به مبانی دینی نداشت. این مسئله چنان مشهود بود که گویی مبانی روان شناسی و تربیتی غربی، تنها نجات بخش جامعه ها و خانواده هاست و اسلام هیچ سخنی در این زمینه ندارد.

بر همین اساس، استفاده از کارشناسان دینی در تولید همه برنامه ها و فیلم ها به ویژه برنامه هایی که به علوم انسانی و اجتماعی مربوط می شوند، ضروری است. در این زمینه، استفاده از عالمان دینی آگاه در این مسائل بسیار شایسته است و با اقتضای عصر حاضر؛ یعنی تخصصی کردن امور، تناسب دارد.

ب) الگوآفرینی مناسب برای جوانان

ب) الگوآفرینی مناسب برای جوانان

چون جوان تجربه کافی در زندگی ندارد، به الگو نیاز دارد. ازاین رو، معرفی الگوهای مناسب در قالب برنامه های کارشناسی، فیلم های سینمایی و سریال ها بسیار ضروری است. نمایش زندگی ائمه به ویژه ساخت فیلم هایی در قالب زندگی نامه امام علی علیه السلام و تأکید بر دوران نوجوانی و جوانی ایشان می تواند بسیار مؤثر باشد.

در عین حال، استفاده از سوژه های امروزی بسیار ثمربخش است. در این زمینه نیز باید الگوهایی معرفی شود که به ارزش ها متعهد هستند. برای مثال، تأکید بر جنبه های معنوی برخی بازیکنان عرصه ورزش مانند: حسین رضازاده (قهرمان وزنه برداری جهان) و ساعی (قهرمان تکواندو)، نتایج خوبی خواهد داشت.

ج) حفظ و ترویج نمادهای دینی و ارزشی

اشاره

ج) حفظ و ترویج نمادهای دینی و ارزشی

نمادهای اجتماعی، بخش تثبیت شده و عینی شده فرهنگ یک جامعه هستند. تا زمانی که یک هنجار تثبیت نشده باشد، نمادی نیز نخواهد بود. برای مثال، تا وقتی ارزش حجاب در جامعه مورد توافق همگان نباشد، نماد آن؛ یعنی چادر نیز رسمیت اجتماعی نخواهد داشت. اگر نمادی در یک جامعه به رسمیت شناخته شده است، روشن می شود که پشتوانه آن نماد؛ یعنی ارزش و به دنبال آن، هنجار مربوط به آن در میان اعضای جامعه نفوذ کرده است. هرگاه این رسمیت پدید آمد، لازمه آن نیز احترام به چنین نمادهایی خواهد بود.

چون نمادها واقعی اند و عینیت خارجی دارند، از جنبه های مختلفی اهمیت خواهند داشت. نخست، به دلیل در معرض دید بودن، اعضای جامعه را به وجود هنجارها و ارزش های مربوط به خود یادآور می شوند و این در تعهد عملی مردم به این نوع

هنجارها تأثیر اساسی خواهد داشت. از سوی دیگر، نمادها در طول تاریخ نیز ماندگارند و آیندگان با مشاهده آن، به گذشته فرهنگی جامعه خود پی خواهند برد.

به هر حال، همچنان که تا حد زیادی لازم است یک اثر باستانی به عنوان پشتوانه گذشته یک جامعه حفظ شود، حفظ نمادهای فرهنگی یک جامعه از آن ضروری تر است؛ چون پشتوانه نرم افزاری یک جامعه را تضمین می کند و این، همان هویت دینی اعضای یک جامعه است.

با توجه به اهمیت اساسی نمادها، جوسازان و غوغاسالاران همواره در تخریب آنها می کوشند. برای مثال، در سال های اخیر در بسیاری از مجالس و محافل، کف زدن به جای صلوات رایج شده است. این در حالی است که بسیاری از این محافل، ماهیت دینی دارند. جالب آنکه این شعار مهم دینی چنان با زیرکی از جامعه اسلامی زدوده می شود که برخی متدینان نیز متوجه این امر نیستند.

رسانه ها به ویژه صدا و سیما در ترویج، تبلیغ و حفظ نمادهای دینی نقش بسیار مهمی دارند. صدا و سیما می تواند با استفاده از کارشناسان متعهد و ساخت برنامه های هنری گوناگون، مبانی اعتقادی ارزش ها را برای جامعه تبیین کند و اعضای جامعه را به اهمیت نمادهای دینی آشنا و متعهد سازد. یکی از اقدام های بسیار شایسته صدا و سیما را می توان آوردن صلوات در آغاز اخبار دانست که بی گمان، در طول زمان، تأثیرهای مثبت فراوانی در فرهنگ دینی جامعه بر جای خواهد گذاشت.

در مبانی دینی، به نمادهای دینی اهمیت فراوانی داده شده است. در قرآن مجید، حفظ شعایر الهی از نشانه های تقوا به شمار رفته است:

وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ. (حج: ۳۲)

هر کس شعایر الهی را بزرگ شمارد [و در حفظ آن بکوشد]، نشانه تقوای دل است.

بر همین اساس، گرامی داشت مناسبت های دینی، عبادت های اجتماعی و فردی و بسیاری از مناسبت های دیگر و آموزش مسائل مربوط به آن، در جامعه تأثیر بسیاری خواهد داشت. صدا و سیما می تواند بسیاری از نمادهای دینی را در برنامه های ویژه

کودک و نوجوان در قالب کارتون و مانند آن به نمایش گذارد و کودکان را هماهنگ با مبانی دینی جامعه پذیر سازد. اجرای خوب عمو پورنگ، مجری کودکان و ساخت فیلم هایی که کودکان بازیگر اصلی آن هستند و در آنها منزلت خوبی هم به دین داده می شود، از این گونه برنامه ها هستند. در عین حال، مشاوره با کارشناسان مسائل دینی به ویژه کارشناسان حوزوی، برای موفقیت بیشتر این گونه برنامه ها و کم کردن نقص های آن بسیار ضروری است.

همچنین پخش اذان در متن برخی فیلم ها که در سال های اخیر صورت می گیرد، یکی دیگر از نمونه های موفق ترویج شعایر دینی است که بسیار شایسته است. با این حال، ترویج ارزش های اصیل جامعه اسلامی، در کنار پخش برخی آداب و رسوم جاهلی مانند رقص و برخی موسیقی های مسئله دار و افراد وابسته به آن، امری ناشایست است. همچنین ترویج برخی نحله های به ظاهر معنوی مانند بودا در قالب فیلم های رزمی و مانند آن، بسیار خطرناک و آسیب زاست؛ زیرا عرصه فرهنگ اصیل را ناخالص می کند.

نمادها و الگوهای فرهنگی متعددی در جامعه هست که ما به برخی از آنها می پردازیم و اهمیت آنها را یادآور می شویم.

یک ـ نوع پوشش

یک ـ نوع پوشش

نوع پوشش برای یک مسلمان بسیار مهم است، به گونه ای که در متون حدیثی، بابی به نام «تشبه به کفار» وجود دارد و این امر، در روایت های امامان به شدت، ناپسند شمرده شده است. همچنین روایت های اسلامی از اینکه مردان، لباس زنان و زنان، لباس مردان را بپوشند، نهی کرده و آن را از امور حرام شمرده است. تشبه به کفار می تواند در مدل لباس، مو و مانند آن تجلی یابد. در این زمینه، وظیفه رسانه ملی آن است که با برنامه ریزی های دقیق و کارشناسانه، جامعه را از سقوط در این پرتگاه حفظ کند. هر چند صدا و سیما در برهه هایی خاص به بحث تهاجم فرهنگی پرداخته، ولی در عمل، برخی ارزش های دینی را نیز زیر پا نهاده است. برای مثال، در بسیاری از سریال های

تلویزیونی، جوانان به ویژه مردان با پوشش غربی و زننده ظاهر می شوند. در این میان، چادر زنان یکی از نمادهای ملی و دینی است که صدا و سیما بر اساس رسالت فرهنگی خود باید به ترویج و تثبیت آن اقدام کند.

دو ـ رعایت حریم میان زن و مرد

دو ـ رعایت حریم میان زن و مرد

از آنجا که دو جنس مخالف زن و مرد جاذبه هایی برای هم دارند، رعایت حریم میان آن دو بسیار مهم است و یکی از هنجارهای مهم جامعه اسلامی به شمار می رود. رعایت این حریم ها، در سلامت اخلاقی جامعه نقش بسزایی دارد. اسلام بر نبود اختلاط میان زن و مرد تأکید فراوانی می کند. بر همین اساس، گفت و گوهای غیرضروری میان زن و مرد نوعی بلای اجتماعی به شمار رفته است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

وَ مُحادَثَهُ النِّساءِ تَدْعُو إِلَی الْبَلاءِ وَ یَزِیغُ الْقُلُوبَ وَ الرَّمَقُ لَهُنَّ یَخْطَفُ.

هم صحبتی [غیرضروری] مردان با زنان بلا و گرفتاری برای جامعه به ارمغان می آورد و دل ها را گمراه می کند و نگاه به آنها، [دل ها] را می رباید.(۱)

باید توجه داشت که این هنجار مهم برآمده از آیات قرآن است که به نرمی سخن گفتن زنان با مردان را ممنوع می کند. قرآن می فرماید:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَّعْرُوفا. (احزاب: ۳۲)

زنان با نرمش زنانه سخن نگویند تا کسانی که در قلبشان، مرض (میل به گناه) دارند، به آنها طمع ورزند، بلکه به بهترین شکل سخن گویند.

بنابراین، قرآن، گفت و گوی غیرضروری میان زن و مرد را تأیید نمی کند و آن را رد می کند. در موارد ضرورت نیز لازم است به ضرورت ها بسنده شود. ازاین رو، سفارش پیشوایان دین این است که مردان به زنان جوان سلام نکنند؛ همچنان که علی علیه السلام به

۱- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ه . ق، ص ۱۵۰.

زنان جوان سلام نمی داد. امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ عليه السلام يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرُ مِمَّا أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ.(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام، بر زنان سلام می کرد و دوست نمی داشت که بر زنان جوان سلام کند و می فرمود می ترسم صدای آنان مرا خوش آید. در نتیجه، ضرری که از این ناحیه متوجه من شود، بیشتر از ثوابی باشد که از سلام کردن به آنها، انتظارش را دارم.

در برخی از برنامه های صدا و سیما، ارتباط حرام میان زن و مرد صورت می گیرد. عشوه گری زنانه در برابر مردان، استفاده از واژگان خاص «جان» و مانند آنکه ویژه حوزه های خاص زندگی است، از جمله مسائلی است که هماره در صدا و سیما اتفاق می افتد. متأسفانه در برخی موارد، این گونه مسائل حرام برای جذب برخی مخاطبان و طبیعی نشان دادن فیلم صورت می گیرد که این همان مبنای توجیه وسیله با هدف است که با مبانی اسلامی سازگار نیست.

همچنین برخی اختلاط ها به بهانه کودک بودن بازیگران صورت می گیرد، درحالی که خطر این اختلاط از آنجا که برای کودکان فرهنگ سازی می کند، بسیار خطرناک تر است. نمونه این اختلاط، سریال ماه شب چهارده بود که کارگردان می کوشید با زیرکی خاصی دوستی دختر و پسر را توجیه کند، به گونه ای که یکی از دختر و پسرها که نقش اول را در این فیلم بازی می کردند، در عین ارتباط ساده و به اصطلاح پاک، هر از چندی نگاه های معناداری نیز به همدیگر داشتند. این نگاه ها و گفت وگوها با پخش قسمت های بعدی چنان پیش رفت که به یک دوستی خاص میان دختر و پسر تبدیل شد و این در فرهنگ جامعه اسلامی، ناپسند است. این فرآیند نوعی

۱- میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه . ق، چ ۱، ج ۸، ص ۳۷۴.

جامعه پـذیری منفی به کودکان القا می کنـد و با گذشت زمان، مفاهیم «دوست پسـر» و «دوست دختر»(۱) را در جامعه عادی می سازد.

اگر اسـلام گفت وگوهای غیرضروری معمولی میان زن و مرد نامحرم را برنمی تابد، به طریق اولی، وجود برخی گفت وگوها و نگـاه هـای عاشـقانه میـان زنـان و مردان را در فیلم ها مردود می دانـد. حتی اگر مرد و زن هنرپیشه، زن و شوهر باشـند؛ زیرا دسـتورهای متعـددی در متـون دینی هست که زن و شـوهر را از اینکه در حضـور فرزنـدان شـیرخوار خـود به برخی رفتارهـای خاص زناشویی بپردازند، منع می کند. بنابراین، هیچ گونه مجوزی برای نشان دادن این گونه رفتارها نیست.

سه ـ نوع گفتار

سه ـ نوع گفتار

لازمه دین داری یک جامعه اسلامی آن است که ارزش ها و فرهنگ دینی بر تمامی رفتارهای اعضای آن جامعه حاکم شود و نقش اساسـی را در جهت دهی به رفتارهای آنها داشـته باشـد. گفتارهای فرد نیز تا حد زیادی به رفتارهای او وابسـته است. در عین حـال، خـود گفت وگو نیز نقش برجسـته ای در شـیوه رفتـار به دنبـال دارد. به همین دلیـل، در فرهنـگ اسـلامی بر گفت وگوهای سالم تأکیـد فراوان شـده است. از ویژگی های مؤمن این است که در گفتار خود خشـنودی الهی را در نظر می گیرد. این گـونه افراد، سـخن دروغ و بیهوده نمی گوینـد، غیبت نمی کننـد و تهمت نمی زننـد. این مسـئله چنـان اهمیت دارد که در برخی روایات، زبان، عامل بسیاری از گناهان شمرده شده است.

یکی از مصـداق هـای انحراف در گفتار، مزاح است که محـدوده آن در دسـتورهای دینی تبیین شـده است. اسـلام، شوخی را جایز می دانـد، ولی شـرط هایی نیز برای آن بیان کرده است. امام باقر علیه السـلام فرمود: «إِنَّ اللّه ـ عَزَّوَجَلَّ یُحِبُّ الْمداعِبَ فِی الْجَماعَهِ بِلارَفَثٍ؛

۱- این گونه دوستی ها که میان دختر و پسر در غرب حاکم است، برخلاف تصور غالب در جامعه ایران که یک دوستی ساده به شـمار می رود، مشـخصه های خاص خود را دارد. از جمله اینکه ارتباط نامشروع جنسی از لوازم حتمی آن است که این امر هیچ گونه سـنخیتی با فرهنگ اسلامی جامعه ما ندارد و کاملاً مردود است. حتی دوستی عادی میان دختر و پسر نیز در فرهنگ اسلامی مورد پذیرش نیست.

خداونـد، انسانی را که در جمع، شوخی می کند، دوست دارد، به شـرط آنکه از گناه و ناسـزا گویی بپرهیزد.»(۱) همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله مزاح می کرد، ولی جز حق، سخنی نمی گفت».(۲)

روایت های فراوانی نیز مزاح بیش از اندازه را نهی کرده و آن را مایه تخریب شخصـیت انسان دانسـته اند. با توجه به این گونه روایات و آیات، در مزاح باید به دو نکته توجه کرد. نخست اینکه سـخن باطل مانند فحش و تمسـخر گفته نشود و دیگر اینکه در حـد معقولی صورت گیرد. بر همین اساس، چون صـدا و سـیما نقش بسـیاری در فرهنگ سازی دارد، با توجه به این اصل، ساخت برخی برنامه ها که همراه با شوخی ها و برخی گفت وگوهای ضدارزشـی صورت می گیرد (ماننـد: سـریال نقطه چین، بره...) توجیه نخواهد داشت.

چهار ــ پرهیز از ترویج باورهای باطل

چهار ــ پرهیز از ترویج باورهای باطل

یکی دیگر از ابزارها و راهکارهای مؤثر در ترویـج نمادها و ارزش ها، ترویج نکردن ارزش ها و اندیشه های خرافی و انحرافی است. بایـد توجه شود که چه بسـا ممکن است آداب و رسوم باطل در محـدوده ارزش های دینی و جامعه اسـلامی قرار گیرد. باورهای خرافی مانند «صوفی گری» از این دست است که گاهی در صدا و سـیما نیز ترویج می شود. در برخی موارد، اشعار و آهنگ ها و سـخنان منتسب با این فرقه که سـنخیتی نیز با اسـلام نـدارد، پخش می شود. بنابراین، بایـد در برنامه ریزی ها دقت شود تا چنین اتفاق هایی صورت نگیرد.

همچنین بایـد دقت شود تا از ترویج آیین های متعارض با اسـلام خودداری شود. ازاین رو، دقت در محتوای فیلم های خارجی به ویژه فیلم هایی که با هدف تبلیغ

۱- محمدرضا مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، چ ۷، ص ۵۶۵.

۲- همان، ص ۵۶۶.

غیرمستقیم مسیحیت صورت می گیرد و ترجمه مناسب آنها برای پخش در سیما، بسیار ضروری است. اگر چه دقت های فراوانی در این راستا صورت می گیرد، ولی در مواردی نیز خلاف آن دیده می شود. برای نمونه، در یکی از قسمت های سریال ژاپنی «سرزمین های شمالی»، کودکان در دعای خود خطاب به خداوند می گفتند: «ای خدای بزرگ و مهربان که در بهشت هستی»، درحالی که بر اساس مبانی اسلامی، شأن خداوند اجلّ از این است که در مکان خاصی قرار گیرد؛ زیرا لازمه این اعتقاد، اعتقاد به جسم وارگی خداوند است. بر همین اساس، باید در ترجمه چنین فیلم ها و برنامه هایی، با بهره گیری راهنمایی کارشناسان اسلامی از چنین خطاهایی کاسته شود.

د) ترویج روحیه قناعت

د) ترویج روحیه قناعت

یکی از مهم ترین زمینه هایی که به تضعیف ارزش ها و هنجارها کمک می کند و اعضای جامعه را از تعهد عملی به آنها باز می دارد، مصرف گرایی است.

مصرف گرایی، پی آمدهای منفی فراوانی در جامعه دارد؛ زیرا روحیه رقابت در گرایش به امور مادی را افزایش می دهد. با ترویج روحیه مادی گرایی، مقوله مصرف هر چه بیشتر به یک ارزش تبدیل می شود و اعضای جامعه برای رسیدن به این ارزش ساختگی با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت. در این رقابت، کسانی که قدرت خرید کمتری دارند، از گردونه رقابت حذف می شوند و این شکست به یک عقده روانی تبدیل خواهد شد. در عین حال، کسانی که قدرت خرید بالایی دارند، بسیاری از امکانات جامعه را در اختیار می گیرند و زمینه برای استثمار اقشار کم درآمد و مستضعف فراهم خواهد آمد.(۱) افزون بر این، لازمه مصرف افراطی، وارد کردن کالاهای گوناگون

۱- شایسته است در این مورد به دو نکته اشاره شود: اول _ مستضعف تنها در عرصه های مادی نیست و حوزه های گوناگونی مانند مستضعف فرهنگی را نیز در بر می گیرد. دوم _ پس از پایان جنگ و آغاز برخی پیشرفت های مادی، واژه آسیب پذیر را برخی افراد به کار بردند، به گونه ای که واژه مستضعف تقریبا به بوته فراموشی سپرده شد.

از خارج است که این امر نیز سرمایه های یک جامعه دینی را که باید در مسائل حیاتی صرف شود، نابود می کند و وابستگی آن را به خارج از مرزها افزایش می دهد.

در کنار اینها با افزایش مصرف بی رویه، بسیاری از ارزش های دینی و در رأس آنها خداپرستی جای خود را به دنیاپرستی خواهد داد. ازاین رو، ارزش هایی مانند ایثار در جوامع رفاه طلب جایگاه چندانی ندارد.(۱) این امر برای یک جامعه دینی بسیار خطرناک است و شاید همین امر یکی از دلایل اساسی نهی از اسراف و توصیه به قناعت در متون دینی است.

بر همین اساس، یکی از مسئولیت های مهم رسانه ملی این است که با تدوین برنامه های مختلف علمی و اخلاقی جهت ترویج روحیه قناعت و ریشه کن کردن مصرف گرایی افراطی در جامعه بکوشند. یکی از لوازم مهم این امر، کاستن از برنامه های تبلیغات بازرگانی است که به برخی مشکلات اجتماعی به ویژه خانوادگی دامن می زند.

ه_) پرهیز از قومیت گرایی

ه_) پرهیز از قومیت گرایی

وجود اقلیم ها و نژادهای متفاوت از مشخصه های ذاتی جامعه ایران است. غفلت از این امر نیز پی آمدهای ناگواری از جمله ایجاد بدبینی و تفرقه افکنی دارد. این در حالی است که نژاد در اسلام، هیچ گونه نقشی در تعیین جایگاه اجتماعی افراد ندارد. بر همین اساس، لازم است صدا و سیما در این زمینه نیز با تیزبینی لازم عمل کند. اگر چه سازمان صدا و سیما کارنامه خوبی در این زمینه داشته است، بازنگری در برنامه ها در این عرصه بسیار مفید خواهد بود. برای مثال، در بسیاری از برنامه ها و فیلم ها دیده می شود که نقش هایی مانند نگهبانی، مستخدمی یا آبدارچی و شغل هایی از این دست به برخی اقوام خاص داده می شود یا اینکه در برخی برنامه ها، به برخی استان ها یا شهرها اهمیت ویژه داده می شود و برنامه های برخی استان ها بیشتر به نمایش در می آید.

۱- البته داشتن رفاه در حد معقول، غیر از رفاه طلبی و رفاه زدگی است.

این رونـد در عین حال که با هدف های رسانه ملی و تقسیم عادلانه امکانات در میان همه اقوام منافات دارد، زمینه های برخی انحراف هـای اجتمـاعی را نیز فراهم سـاخته است. این امر می توانـد در برخی موارد، احسـاس دل بسـتگی به جامعه خود را از برخی افراد جامعه بگیرد و به معنای کنار ماندن بسیاری از استعدادهای درخشان جامعه است که به سود کشور و دین نیست.

و) تأکید بر مناسبت های دینی

و) تأکید بر مناسبت های دینی

یکی از ابزارهای مهم جوسازان و غوغاسالاران برای تخریب فرهنگ جامعه اسـلامی، تلاش برای فراموش شـدن مناسـبت های دینی از اذهـان افراد جامعه است. برای مثال، برگزاری عزاداری برای ائمه اطهار علیهم السـلام با بهانه های مختلف مورد هجمه قرار می گیرد.

همین هجمه ها روشن می سازد که احیای این مناسـبت ها چنـدان خوشایند مخالفان و معاندان ارزش های اسـلامی نیست. این امر رسالت صدا و سیما را در احیای این گونه مناسبت ها و تولید برنامه های شایسته در این زمینه، سنگین تر می سازد. به ویژه وقتی توجه کنیم که چنین مناسـبت هایی در تحقق پیروزی انقلاب اسـلامی ایران نقش حیاتی داشـته اند، چنان که امام خمینی رحمه الله می فرمود: «باید محرم و صفر را که برکات فراوان داشته و موجب زنده ماندن اسلام است، زنده نگاه داریم».(۱)

ز) پرهیز از سکولاریزاسیون در فرهنگ سازی

ز) پرهیز از سکولاریزاسیون در فرهنگ سازی

از آنجا که دین، برنامه ای همه جانبه برای زندگی سعادتمند است، در حاشیه بودن آن به معنای در خطر افتادن سعادت جامعه خواهد بود و این خواسته دشمنان نظام اسلامی است.

با توجه به همین نکته، در برنامه های صدا و سیما، سینما و دیگر رسانه ها، دین باید

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

مستقیم و غیرمستقیم، به عنوان یکی از عوامل خوش بختی اعضای جامعه نشان داده شود، به گونه ای که مخاطب، نمادهای دینی را جزو جدایی ناپذیر زندگی فردی و اجتماعی خود بداند. برای مثال، اگر یک سریال چند قسمتی ساخت داخل پخش شود و در آن اثرگذاری دین در رفتارهای اعضای جامعه دیده نشود، به شکل غیرمستقیم این فکر را به مخاطب القا می کند که دین، امری حاشیه ای است و برای اداره زندگی برنامه ندارد. همین امر، گام اساسی در سکولاریزه کردن یا دنیوی کردن زندگی اجتماعی است. چنین بی مهری هایی در برخی برنامه های سفارشی صدا و سیما که افرادی در بیرون از صدا و سیما آنها را تهیه می کنند، بسیار مشهودتر است. ازاین رو، نظارت قوی بر این گونه برنامه ها ضرورت دارد.

از طرفی در برخی فیلم ها نیز تنها یک زندگی دینی نمایش داده می شود که نمی تواند بر مخاطب تأثیر جدی بگذارد؛ زیرا مخاطب در می یابد که این فیلم برای تبلیغ مسائل دینی است. ازاین رو، در برخی از مخاطبان، مقاومت منفی ایجاد می کند. در برنامه ها باید راه های غیرمستقیم بر راه های مستقیم ترجیح داده شود؛ یعنی باید برنامه را به گونه ای ساخت که رفتارهای دینی، بخشی از زندگی اجتماعی قلمداد شود. البته راه های مستقیم نیز هیچ گاه ضرورت خود را از دست نخواهند داد. برای مثال، با روش های غیرمستقیم می توان فرهنگ نماز جماعت، رفتن به مسجد، آداب سفره، آداب اجتماعی دینی و مانند آن را به مخاطب آموزش داد.

۳. پیشنهادهای برنامه ای

اشاره

۳. پیشنهادهای برنامه ای

زیر فصل ها

الف) ترسیم زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام

ب) نمایش زندگی شخصیت های مهم

ج) تبلیغ غیرمستقیم

د) ارتباط با نهادهای فرهنگی

هـ) تقویت جایگاه خانواده

و) تبیین نقاط ضعف الگوها و هنجارهای متعارض با هنجارهای دینی

ز) اختصاص بهترین زمان پخش برای برنامه های دینی

ح) ترسیم تصویری نامطلوب از هنجارشکنان

ط) پاسخ گویی به شبهه ها

الف) ترسیم زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام

الف) ترسیم زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام

جامعه ایرانی و حتی برخی غیرمسلمانان نیز به اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلامعلاقه ویژه ای دارند. ازاین رو، ترسیم زندگی آنها در برنامه های صدا و سیما بر روند زندگی مردم جدی تأثیر خواهد گذاشت. البته مقصود از به تصویر کشیدن زندگی اهل بیت علیهم السلام، تأکید بر جنبه های خاصی از زندگی ایشان نیست، بلکه باید با نمایش

همه جانبه زندگی آنان، مانند: مهربانی با انسان ها؛ کودکان و حیوانات؛ نماز اول وقت؛ مناجات های پرشور؛ دوری از زشتی های اخلاقی (مانند: غیبت، تهمت، سوءظن)؛ تأکید بر عبادت الهی؛ تأکید بر اهمیت رهبری؛ ستم ستیزی؛ پشتیبانی از مسلمانان، نوع دوستی، ارج دادن به دانش؛ زیرکی در برابر دشمنان و منافقان، الگوآفرینی کرد. سریال هایی مانند امام علی علیه السلام و سریال امام رضا علیه السلام اگر چه جنبه های مثبت فراوانی داشتند، ولی در آنها تنها به جنبه های سیاسی این بزرگواران پرداخته شده بود.

ب) نمایش زندگی شخصیت های مهم

ب) نمایش زندگی شخصیت های مهم

شخصیت های مذهبی و علمی نفوذ فراوانی در دل مردم ایران دارند. بر همین اساس، بررسی همه جانبه زندگی ایشان و ساختن برنامه های عامه پسند بر مبنای زندگی آنان می تواند بسیار اثرگذار باشد. شخصیت هایی مانند: امام خمینی رحمه الله، مقام معظم رهبری، علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمدتقی جعفری، علامه امینی، علامه عسکری، پروفسور حسابی و... موضوع های مناسبی در این زمینه هستند. در پرداختن به زندگی این گونه افراد نیز باید به جنبه های مختلف زندگی آنان توجه شود.

اگر چه صدا و سیما در این زمینه فعالیت های خوبی داشته است، ولی در این تلاش ها از دو جهت باید تجدیدنظر صورت گیرد. یکی، نگاه تک بعدی به قضیه است، مانند سریال مربوط به زندگی امام خمینی رحمه الله و دیگری اینکه این برنامه ها معمولاً در شبکه هایی پخش می شود که بیننده زیادی ندارد، مانند برنامه «سیمای فرزانگان» که در شبکه چهار پخش می شود. تکرار این برنامه ها را در برخی شبکه های پربیننده مانند شبکه یک نیز می توان پخش کرد. به جز آن، وجود کارشناسان برجسته برای مشاوره در ساخت این گونه برنامه ها بسیار ضروری می نماید.

ج) تبلیغ غیرمستقیم

ج) تبلیغ غیرمستقیم

رسانه برای فعالیت در عرصه های دیگری نیز باید بکوشد. یکی از این عرصه ها، متن برخی برنامه هایی است که در صدا و سیما به ویژه در سیما پخش می شود. برای مثال، وقتی بخشی از یک برنامه، پیش و بخشی از آن، پس از اذان است، مجری برنامه

می توانـد با برنامه ریزی قبلی، هنگام اذان مشـغول نماز شود و تا پایان اذان، نماز خود را تمام کنـد. سـپس تعقیب هایی کوتاه مانند دعای سـلامتی امام زمان علیه السـلام را بخواند و آن گاه به ادامه برنامه بپردازد. حتی مجری می تواند بخشی از برنامه را در محراب و درحـالی که در حـالت تعقیب است، اجرا کنـد و کم کم از محراب نمـاز برخیزد. همچنین برخی برنـامه ها را که زمـان آغاز آنها پس از نماز است، می توان از کنار سـجاده شـروع کرد. این امر در عین حال که معنویت خاصـی به برنامه می بخشـد، تبلیغ بسـیار مؤثری نیز در جهت فرهنـگ سـازی دینی خواهـد بود. اگر این گونه اجرا در یـک برنامه کودک و با یک مجری بانفوذ مانند داریوش فرضیایی (عمو پورنگ) صورت گیرد، بسیار مؤثرتر و ماندگارتر خواهد بود.

این گونه تبلیغ غیر مسـتقیم، در مورد هنرمنـدان نیز صادق است، به ویژه در مورد هنرمندانی که موفقیت بالایی دارند. بر همین اسـاس، شایسـته است در برنامه های عمومی، متن گفت وگوهای میان بازیگران و کارشـناسان صـبغه دینی داشـته باشـد. برای مثال، وقتی یک بازیگر می خواهـد زشت بودن یک عمل را گوشـزد کنـد، به جای عبارت «این عمل غیر انسانی است»، از این جمله اسـتفاده کند که «چگونه می توانی در برابر خدای بزرگ چنین رفتاری داشـته باشی.» این متن منافاتی با متن اولی ندارد، ولی امتیـازش این است که به مبانی دینی اشاره می کنـد. البته از آنجا که چنین گفت وگوهایی در بسـیاری از فیلم ها و برنامه ها مرسوم نیست، نخست برای برخی عجیب به نظر می آید که با گذشت زمان برطرف می شود.

به هر حـال، این گونه فعـالیت هـا بایـد به تدریـج جزو مشـخصه هـای ذاتی رسانه شود. تنها در این صورت می توان گفت این رسانه اثرگـذار به ایفای نقش شایسـته خود در زمینه پالایش فرهنگ جامعه پرداخته است. نتیجه مهم پخش این گونه برنامه ها آن است که مسائـل دینی از غربت خـارج می شود و آسـیب هـای مربوط به ارزش هـا نمود می یابـد و دغـدغه دینی مخاطب تقویت می گردد. در نتیجه، در برابر خطرهایی که دین را تهدید می کند، حساسیت نشان می دهد.

ص :۱۶۴

بسیاری از افراد جامعه ایرانی بـه ویژه پس از جنـگ، چنیـن دغـدغه و حساسیتی به دین را از دست داده انـد و در بسیاری از موارد، دین را تنها به این امیـد می خواهند که از آن بهره های دنیوی (مانند: در امان ماندن از بلایای طبیعی یا تصادف) ببرند؛ یعنی نسبت به آسیب هایی که جنبه های عملی دین را تهدیـد می کند، دغدغه چندانی ندارند. این در حالی است که صدا و سیما می تواند با فرهنگ سازی بهینه، دغدغه دینی را در مردم ایجاد کند و آنان را به آسیب هایی که دین را تهدید می کنند، حساس سازد.

صدا و سیما در عین حال که برنامه های خوبی در این زمینه داشته است، کاستی هایی نیز داشته است. برای مثال، هر چند دو سریال «خانه به دوش» (ماه رمضان ۱۳۸۳) و «متهم گریخت» (ماه رمضان ۱۳۸۴) نقاط قوت فراوانی داشتند، ولی در آنها تنها زنان پیر و مستخدم چادر داشتند؛ آن هم به صورت غیرجذاب، به گونه ای که نه تنها کسی را به استفاده از چادر تشویق نمی کرد، بلکه بسیاری از افراد را به سوی کنار نهادن چادر می کشاند. بایـد این گونه کاستی ها با تیزبینی برنامه سازان اصلاح شود و در برنامه های دیگر تکرار نگردد.

د) ارتباط با نهادهای فرهنگی

د) ارتباط با نهادهای فرهنگی

اصلی ترین متولی ترویج دین در نظام جمهوری اسلامی پس از حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی است. درحالی که اهمیت نهادهای دینی بالاتر از همه نهادهای جامعه است، حاشیه ای ترین نهاد در رسانه، نهادهای دینی است که باید برای آن چاره اندیشید.

ه_) تقویت جایگاه خانواده

ه_) تقویت جایگاه خانواده

در یک جامعه اسلامی، نهاد خانواده در تبیین، آموزش و تثبیت ارزش ها و هنجارهای جامعه نقش اساسی دارد. تأکیدهای فراوان متون دینی بر امر ازدواج، به

خوبی نشان دهنـده این امر است. نهاد خانواده، مهم ترین کانون مقدسـی است که نقش انتقال ارزش ها به فرزندان را به عهده دارد. بروس کوئن در زمینه اهمیت خانواده می نویسد:

... کودک نخستین دوران زنـدگی خود را در محیـط خـانواده می گذرانـد و در معرض ارزش هـا و الگوهـای رفتاری خانواده قرار دارد و زمـان بیشتری را بـا این گروه صـمیمی می گذرانـد. خانواده، کودک را با انجام رفتارهایی که با هنجارهای جامعه مطـابق است و بـا انتظـارات آن هماهنـگ است، پاداش می دهـد و در برابر رفتارهایی که با آن هماهنگ نیست، وی را تنبیه و مجازات می کند.(۱)

رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله در زمینه نقش و وظیفه مهم خـانواده می فرمایـد: «وای به حـال فرزنـدان آخرالزمـان به سـبب پـدرانشان.» پرسـیدند: یا رسول اللّه! از پـدران مشـرک؟ فرمود: «خیر، بلکه از پـدران مؤمن که واجبات را به فرزندان خود نمی آموزند».(۲)

بـا توجه به اینکه خانواده با جـذب فرزنـدان به کانون عاطفی خود و انسـجام بخشـی به جامعه، مانع از جـذب جوانان به جریان های ضـد ارزشـی می شود، جریان ها و گروه های معانـد و غوغاسالار با روش های مختلف به تضـعیف و تخریب جایگاه این نهاد مقدس می پردازند.

در برنـامه هـای صـدا و سـیما، فعالیت های مثبت گوناگونی در این زمینه ها صورت می گیرد، ولی نقاط ضـعفی نیز دیـده می شود. تأکیـد بیش از انـدازه بر مسائـل حقوقی به ویژه زنـان که از یـک ایـده فمینیستی افراطی سرچشـمه می گیرد، یکی از این ضعف هاست. اگر چه آموزش قواعد حقوقی ضروری است، ولی هر کس که با مبانی

۱- مبانی جامعه شناسی، ص ۱۲۲.

۲- سیدمحمد نجفی، ازدواج و روابط زن و مرد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ص۱۶۲.

دینی آشنایی اجمالی داشته باشد، به آسانی درمی یابد که تأکید اساسی اسلام درباره خانواده، بر تقویت عواطف مثبت است. این در حالی است که آموزش و تأکید افراطی بر حقوق فردی، جمع خانواده را به محیط انعطاف ناپذیر تبدیل خواهد ساخت. در این میان، افراد عادی به علت نداشتن درک نادرست از بسیاری از موارد حقوقی، به کارهای ناسنجیده ای دست می زنند که پی آمدهای ناخوشایند فراوانی خواهد داشت.

و) تبیین نقاط ضعف الگوها و هنجارهای متعارض با هنجارهای دینی

و) تبیین نقاط ضعف الگوها و هنجارهای متعارض با هنجارهای دینی

به همان اندازه که تبیین نقاط قوت ارزش های اسلامی ضروری است، نشان دادن ضعف های هنجارهای متعارض با هنجارهای دینی نیز لازم است؛ زیرا افراد با پی بردن به ضعف های این گونه الگوها، دل بستگی به آنها را کنار خواهند گذاشت. رسانه می تواند به بهترین شکل ممکن و با استفاده از ابزارهای هنری به این امر مهم بپردازد.

ز) اختصاص بهترین زمان پخش برای برنامه های دینی

ز) اختصاص بهترین زمان پخش برای برنامه های دینی

زمان پخش یک برنامه مناسب با افزایش یا کاهش مخاطب آن رابطه تنگاتنگی دارد. بر همین اساس، برای هدایت افراد جامعه به سوی ارزش های دینی باید بهترین زمان پخش را برای برنامه های ارزشی انتخاب کرد. یادآوری می شود که یک برنامه ارزشی می تواند حتی یک سریال خانوادگی باشد که به صورت مستقیم هیچ گونه جنبه ارزشی در خود ندارد، بلکه به صورت غیرمستقیم، مخاطب را به سوی ارزش ها هدایت می کند.

ح) ترسیم تصویری نامطلوب از هنجارشکنان

ح) ترسیم تصویری نامطلوب از هنجارشکنان

انسان ها ارزش زیادی به پاداش و کیفر می دهند و این نکته در تعیین مسیر زندگی آنان تأثیر اساسی دارد. ازاین رو، افرادی که انحراف اجتماعی دارند، باید به گونه ای به تصویر کشیده شوند که یک جوان با دیدن وضع آشفته آنها، خود به خود از هرگونه انحراف اجتماعی و هنجارشکنی دست بردارد.

ط) پاسخ گویی به شبهه ها

ط) پاسخ گویی به شبهه ها

ص: ۱۶۷

پس از آغاز به کار شبکه چهار که بیشتر به برنامه های علمی می پردازد، دیگر شبکه ها به صورت چشم گیری، برنامه های کارشناسی و علمی خود را حذف کردند. این روند شاید از آن جهت که احساس می شود شبکه چهار این نیاز را برآورده می سازد، به ظاهر طبیعی باشد، ولی با تأمل روشن می شود چون سطح علمی جامعه بالا رفته است و پرسش های بیشتری مطرح می شود، تعطیلی برنامه های کارشناسی مناسب نیست. افزون بر اینکه شبکه چهار چون تا حدودی بیشتر علمی است، برای افراد غیرمتخصص مناسب نیست. این در حالی است که برخی شبکه ها مانند شبکه یك و سه که مخاطبان بسیاری دارند، می توانند برخی برنامه های علمی عامه پسند پخش کنند. در عین حال، شبکه چهار نیز برای افرادی که در زمینه های مختلف تخصص دارند، بسیار مناسب خواهد بود. البته وجود برخی برنامه های جذاب غیرعلمی در این شبکه می تواند زنگ تفریحی برای مخاطبان باشد.

۴. پرسش های مردمی

۴. پرسش های مردمی

۱. ارزش ها در زندگی شما چه جایگاهی دارند؟

۲. چه اندازه به ارزش ها و هنجارها اهمیت می دهید؟

۳. جوسازی و غوغاسالاری در جامعه دینی را چگونه تعریف می کنید؟

۴. در برابر جوسازی ها و غوغاسالاری ها چه واکنشی نشان می دهید؟

۵. فرزندانتان را برای مبارزه با جوسازی و غوغاسالاری چگونه تربیت می کنید؟

۶. برای ارزشی زندگی کردن چه برنامه ریزی هایی دارید؟

۷. چگونه می توان نوجوانان و جوانان را در برابر تهدیدها بیمه کرد؟

۸. نقش آموزش و پرورش در این زمینه به ویژه در دوره دبستان و پیش دبستان چیست؟

۹. از صدا و سیما در زمینه ارزش ها و عقاید با جوسازان و غوغاسالاران چه درخواستی دارید؟

ص :۱۶۸

۱۰. دشمن شناسی در مبارزه با جوسازی و غوغاسالاری چه تأثیری دارد؟

۱۱. کارکرد صدا و سیما را چگونه ارزیابی می کنید؟

۵. پرسش های کارشناسی

۵. پرسش های کارشناسی

۱. ارزش در جامعه اسلامی به چه معناست؟

۲. هنجار در جامعه اسلامی چه تعریفی دارد؟

۳. برخی مصداق های ارزش ها و هنجارهای اسلامی را بیان کنید.

۴. ارزش ها و هنجارهای اسلامی با ارزش ها و هنجارهای ملی چه رابطه ای دارد؟

۵. چه روش هایی برای جای گزینی ارزش های اصیل اسلامی به جای ارزش های خرافی وجود دارد؟

۶. بهترین روش برای آموزش ارزش ها و هنجارهای اسلامی در جامعه چیست؟

۷. رابطه فرهنگ اسلامی و عناصر آن با تکنولوژی چیست؟ در صورت وجود تعارض میان این دو، راهکار حل آن چیست؟

۸. تغییرات ارزشی با دیگر تغییرات اجتماعی چه ارتباطی دارند و حد و مرز این تغییرات تا کجاست؟

۹. امر به معروف و نهی از منکر، در حفظ و ترویج فرهنگ اسلامی جامعه چه نقشی دارد. آیا این دو مقوله، ویژه جامعه اسلامی است؟

۱۰. امر به معروف و نهی از منکر، در جامعه پذیری صحیح و مهار اجتماعی چه نقشی دارد؟

۱۱. ریشه های از خودبیگانگی و انفعال در فعالان سیاسی جامعه ایران چیست؟

۱۲. نهادهای مرتبط با دین به ویژه رسانه ها و صدا و سیما در ترویج ارزش های اسلامی و ریشه کن کردن ارزش های جاهلی و ضد دینی چه نقشی دارند؟

۱۳. دشمن شناسی تا چه اندازه اهمیت دارد و راهکارهای شناخت دشمن چیست؟

۱۴. انگیزه هـای غرب زدگی برخی دانشـمندان و نخبگان جوامع اسـلامی چیست و چه تأثیری در فراموشـی ارزش های جامعه اسلامی دارد؟

۱۵. معرفی جوسازان و غوغاسالاران در حفظ امنیت اخلاقی و هنجاری جامعه چه تأثیری دارد؟ نقش صدا و سیما در این زمینه چیست؟

کتاب نامه

کتاب نامه

کتاب

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آصفی، محمدمهدی، دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، ترجمه: تقی متقی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲. آقاجانی قناد، محمد رضا، تساهل و تسامح از دیدگاه امام علی علیه السلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳. ابن شعبه حرّانی، حسن، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه . ق.

۴. اچ. ترنر، جاناتان، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، مترجم: محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.

۵. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه شناسی، تابان، تهران، ۱۳۷۵.

۶. امامی، محمد جعفر، چراغ ایزد... ، قم، انتشارات پیرو ولایت، چاپ اول،(سخنرانی هاشم آغاجری)، بی تا.

۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه . ق.

۸. بصیرت منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه (نظری به عملکرد سیاسی، فرهنگی روحانیان در سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۰۵)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۹. ________________، علما و رژیم رضاشاه (نظری به عملکرد سیاسی،فرهنگی روحانیان در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۰۵)، تهران، مؤسسه چاپ و نشرعروج، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۱۰. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۱۱. بهبودی، محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.

۱۲. تامین، ملوین، جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی، تهران، انتشارات توتیا،

ص :۱۷۱

.۱۳۸۱

۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۶.

۱۴. جمعی از فضلا و روحانیان، آزادی یا توطئه! (نگاهی به کارنامه مطبوعات شبهه افکن)، قم، انتشارات فیضیه، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۵. جمعی از مؤلفان، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم،پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱۶. جوادی آملی، عبدالله، اسرار عبادات، قم، نشر الزهرا، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۷. چلبی، مسعود، جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ج ۲۷، ۱۴۰۹ ه . ق.

۱۹. حسینی بهشتی، سیدمحمد، بررسی علمی ایدئولوژی اسلامی، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، بی تا.

۲۰. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، رساله نکاحیه (کاهش جمعیت، ضربه ای سهمگین بر پیکره مسلمین)، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول،۱۴۲۵ه . ق.

۲۱. حسینی خامنه ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتائات، بیروت، الدارالاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه . ق.

۲۲. دشتی، محمد و سیدکاظم محمدی، المعجم المفهرس نهج البلاغه، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام للتحقیق، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

۲۳. دیلمی، محمد حسین، هزار نکته درباره نماز، قم، انتشارات حرم، چاپ دوم،۱۳۸۲.

۲۴. راش، مایکل، جامعه شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول،۱۳۸۱.

۲۵. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول،۱۳۷۸.

۲۶. ریتزر، جورج، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.

۲۷. ریمون، آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۲۸. رییس دانا، فریبرز، مسائل اجتماعی ایران، (مقوله تحول فقر در ایران) تهران، نشر آگه، ۱۳۸۳.

۲۹. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ نهم، ج ۱، ۱۳۷۳.

ص :۱۷۲

۳۰. سلحشور، م، تهاجم شیطانی، قم، انتشارات فیضیه، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۳۱. سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه شناسی انحرافات و کج روی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۲. شرف الدین، سیدحسین، انحرافات اجتماعی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۳۳. صفایی، میکاییل، مجموعه مقالات آشنایی با نهج البلاغه (اصلاحات و شایسته سالاری از منظر امام علی علیه السلام)، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۴. طالقانی، سید محمود، پرتویی از اسرار نهج البلاغه، تهران، سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ه . ق.

۳۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، (نرم افزار نورالسیره).

۳۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین (نرم افزار نور ۲).

۳۸. عبدالحمید ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، (نرم افزار نور ۲)، قم، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۳۹. علی بن محمد، خراز قمی، کفایه الاثر (نرم افزار نور ۲)، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ه . ق.

۴۰. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۴۱. قانع، احمد علی، علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۴۲. قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، قم، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ هشتم، ۱۳۷۷.

۴۳. کریمی، یوسف، روان شناسی اجتماعی، تهران، ارسباران، چاپ چهارم،۱۳۷۷.

۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۴۵. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: فاضلی، تهران، انتشارات سمت،چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۴۶. گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، تهران، نشر ساوالان، چاپ بیستم، ۱۳۷۲.

۴۷. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۳.

ص :۱۷۳

۴۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴۹. محمدی اشتهاردی، محمد، داستان دوستان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.

۵۰. محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی؛ زمینه ها و پی آمدها، قم، نشر معارف،چاپ سوم، ۱۳۸۱.

۵۱. مریجی، شمس اللّه، عوامل مؤثر در انحراف از ارزش ها، قم، مرکزپژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۵۲. مسعودی، مروج الذهب، تحقیق: عبدالامیر مهنّا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی، تعداد قرائت ها، انتشارات مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۵۴. ______________________ ، تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۵۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۵۶. ______________________ ، جامی از زلال کوثر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۷. ______________________ ، در پرتو آذرخش، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۵۸. ______________________ ، نظریه سیاسی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۵۹. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۴.

۶۰. ______________________ ، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.

۶۱. ______________________ ، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۶۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام (شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.

۶۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه،

۶۴. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.

۶۵. نجفی، سیدمحمد، ازدواج و روابط زن و مرد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.

۶۶. نظری، فرهاد، برای تاریخ، تهران، ناشر مؤلّف، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱.

۶۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه . ق.

نشریه

۱. روزنامه اعتماد، تهران.

۲. روزنامه اقبال، تهران.

۳. روزنامه جام جم، تهران.

۴. روزنامه جمهوری اسلامی، تهران.

۵. روزنامه رسالت، تهران.

۶. روزنامه صدای عدالت، تهران.

۷. روزنامه کیهان، تهران.

۸. روزنامه هم بستگی، تهران.

۹. هفته نامه پرتو سخن، قم، صاحب امتیاز: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۱۰. مجله حکومت اسلامی، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان.

۱۱. کتاب نقد، صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.

۱۲. ماهنامه کیان، تهران، سیدمصطفی روح صفت.

۱۳. ماهنامه یالثارات الحسین علیه السلام، صاحب امتیاز: انصار حزب اللّه.

۱۴. مجله معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۱۵. هفته نامه افق حوزه.

۱۶. مجله جبهه، تهران، احمد کاظم زاده.

پایگاه الکترونیکی

۱. نرم افزار حدیث ولایت (نسخه ۱/۱)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت اللّه خامنه ای.

۲. نرم افزار جامع الاحادیث (نور۲)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۳. نرم افزار المعجم الفقهی، وابسته به دفتر حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی رحمه الله.

ص: ۱۷۵

۴. نرم افزار صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

۵. WWW.aljomeh.com

۶. پایگاه اینترنتی بازتاب (WWW.baztab.com/news).

۷. http://shareh.net/persian/rahbari/bayanat/۸۳/۴۰ _ ۸۳.htm

۸. WWW.porseman.net.

۹. نرم افزار ساقی مهر، بیانات و پیام های رهبری، قم، ۱۳۸۵، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.

ص: ۱۷۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹